

دکتر سید حسین عنایت



تنظیم معاهدات بین المللی

در حقوق کنونی ایران

و مطالعه تطبیقی آن با فقه اسلامی و حقوق بین الملل معاصر





ثروءشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ● اشاره

در شماره‌های ششم و هفتم «مجله حقوقی» دو قسمت از این مقاله تحقیقی را خواندید. اینک قسمت سوم و آخر آن را ملاحظه می‌کنید که حاوی بقیه بخش دوم مقاله (از بند سوم فصل دوم به بعد) و نیز فصل سوم و چهارم آن است.

بند سوم

## امضای نهائی معاهدات توسط رئیس جمهور

آخرین مرحله تأیید یک معاهده بین‌المللی در نظام حقوقی داخلی ایران، امضای رئیس جمهور است که پس از تصویب مجلس شورا و موافقت شورای نگهبان (بندهای اول و دوم از فصل دوم این بخش که در قسمت قبلی این مقاله در شماره هفتم «مجله حقوقی» چاپ شده است) صورت می‌گیرد.

در سطور آینده اهمیت این مرحله در قانون اساسی ایران و نحوه اجرای آن را در عرف اداری کشورمان مورد بحث قرار می‌دهیم (مطلب اول)؛ آنگاه ملزم بودن رئیس جمهور به امضای معاهده را مورد مطالعه قرار خواهیم داد (مطلب دوم)، و بالاخره مطالعه تطبیقی اهمیت امضای معاهده توسط رئیس مملکت در حقوق کشورهای مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت (مطلب سوم).

## اهمیت امضای نهائی معاهده و نحوه اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی

طبق اصل ۲۵ قانون اساسی: «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست.»

تصویب معاهدات بین‌المللی در اصل یکی از اختیارات پادشاه یا رئیس‌جمهور بوده است<sup>۱</sup> هرچند که بتدریج با گسترش دموکراسی غربی و مداخله قوه مقننه، این صلاحیت از صورت انحصاری برای رئیس‌جمهور بیرون آمده و پارلمانها نقش مهمی را در تصویب معاهدات برعهده دارند، ولی به هر صورت، هنوز هم وقتی سخن از تصویب یک معاهده در حقوق داخلی می‌شود، مقصود همان امضای نهائی رئیس‌جمهور است.<sup>۲</sup>

در قانون اساسی ایران امضای معاهدات توسط رئیس‌جمهور به عنوان اقدام نهائی در متعهد شدن کشور به مفاد سند بین‌المللی تلقی می‌شود. بنابراین امضای مذکور مفهومی غیر از امضای قوانین داخلی دارد؛ چون در آنجا امضای رئیس‌جمهور به معنی تأیید مصوبه مجلس می‌باشد، ولی در مورد معاهدات، امضای رئیس‌جمهور به منزله اقدام نهائی در متعهد شدن کشور نسبت به مندرجات آن است.

این تحلیل نه تنها از مقایسه عبارات اصل ۱۲۵ فوق‌الذکر با اصل ۱۲۳ قانون اساسی<sup>۳</sup> و سیاق جملات آن استنتاج می‌شود، بلکه مذاکرات

۱. رک. به شماره ۷ «مجله حقوقی»، ص ۱۲۲ (متن و پانویسها).

۲. رک. به صفحات آتی (مطلب سوم: «تصویب معاهدات در سیستمهای مختلف حقوقی»).

۳. اصل ۱۲۳ قانون اساسی: «رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.»

مجلس خبرگان در این مورد تفاوت بین امضای معاهده توسط رئیس جمهور با امضای قانون داخلی یا امضای نتایج همه پرسی توسط وی را روشن نموده است، همچنانکه نایب رئیس مجلس در بررسی نهائی قانون اساسی در مورد اصل ۱۲۵ اعلام نموده است: «ما در اینجا می‌خواهیم بگوئیم طرف [معاهده] رئیس جمهور یا نماینده او باشد، نمی‌خواهیم از نظر تنفیذ آن بگوئیم.»<sup>۴</sup>

نحوه امضای معاهدات توسط رئیس جمهور و چگونگی اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی در چند سال اخیر تحولات و تغییرات مختلفی را به خود دیده است. در ابتدا امضای رئیس جمهور همانند ابلاغ مصوبه مجلس به نخست وزیر تفسیر می‌گردید و علیهذا آقای رئیس جمهور در حاشیه نامه ریاست مجلس که تصویب یک معاهده بین المللی را اعلام نموده بود، قید می‌کردند: «به دولت ابلاغ شود - امضای رئیس جمهور» و همین رویه به منزله اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی شناخته می‌شد.<sup>۵</sup>

آنگاه بعضی از مسئولان نهاد ریاست جمهوری پیشنهاد نمودند که امضای رئیس جمهور و اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی به صورت اعطای نمایندگی به یکی از وزرا برای امضای معاهده با کشور خارجی تحقق پذیرد.<sup>۶</sup> اما هیچیک از این دوروش نمی‌توانست با روح و هدف اصل ۱۲۵

۴. رک. به مشروح صورت مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، ج ۲، انتهای ص ۱۰۰۲ (ط ۱۳۶۱، از انتشارات اداره کل تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی).

۵. از این قبیل است امضای نهائی (موافقتنامه) مبادلات کالا بین ایران و سوریه برای سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۷۰ (۱۹۸۲ - ۱۹۹۱) (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۷۱).

۶. این رویه قرار بود در مورد امضای نهائی موافقتنامه حمل و نقل هوائی مشترک بین ایران و چین با اعطای وکالت به وزیر راه و ترابری وقت که در سال ۱۳۶۳ عازم پکن بود، به مرحله اجرا گذارده شود (امضای مقدماتی همان موافقتنامه سال قبل از آن توسط آقای وزیر امور خارجه انجام شده بود)؛ ولی در عمل این روش کنار گذاشته شد، خصوصاً به این دلیل که وزیر امور خارجه در روابط بین المللی از هر مقام اداری مشابه برتر است و امضای مقدماتی وی نباید بعداً توسط مقامی که از نظر روابط بین المللی پائین تر است مورد تأیید قرار گیرد، هرچند به نمایندگی از طرف رئیس جمهور باشد.

قانون اساسی و همچنین رویه‌ای که در اکثر کشورهای جهان معمول است، مطابقت داشته باشد.

بالاخره از سال ۱۳۶۳ امضای نهائی معاهدات به صورت تهیة یک فرمان در آمده است که در آن تصریح می‌شود با لازم الاجرا شدن معاهده موافقت بعمل می‌آید. این سند توسط رئیس جمهور امضاء [و مهر] می‌شود و تنظیم همین فرمان به منزلة اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی است. این رویه مطابق با روشی است که در اکثر کشورهای جهان مرسوم است و بموجب آن تصویب یک معاهده بین‌المللی را به کشورهای دیگر و یا سازمانهای بین‌المللی اعلام می‌نمایند.

ذیلاً نمونه‌ای از سند امضای نهائی یک مقاوله‌نامه بین‌المللی توسط ریاست جمهوری آورده می‌شود. در این سند علاوه بر مشخصات معاهده مورد امضاء، تاریخ تصویب این معاهده در مجلس شورای اسلامی و نیز تأیید شورای نگهبان ذکر گردیده است. ضمناً علاوه بر رئیس جمهور، وزیر امور خارجه نیز ذیل آن را امضاء نموده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«بنابر اصل یکصد و بیست و پنج قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین وسیله پروتکل اصلاحی کنوانسیون مربوط به تالابهای مهم بین‌المللی ویرة تالابهای ایستگاه پرندگان آبزی، «کنوانسیون رامسر» که در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۸۲ مطابق ۱۳ آذرماه ۱۳۶۱ در پاریس منعقد گردیده و در تاریخ ۶۴/۳/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تاریخ ۶۴/۳/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است، امضاء، مههور و اجازه تودیع سند الحاق آن را صادر می‌نمائیم.

محل امضای رئیس جمهوری اسلامی ایران

به تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲ هجری شمسی. تهران

محل امضای وزیر امور خارجه»

قاعدتاً در معاهدات دو جانبه، اصل سند فوق‌الذکر ضمیمه صورتجلسه مبادله اسناد تصویب که در انتهای این مقاله از آن صحبت خواهیم کرد، به نماینده کشور طرف ایفاد می‌گردد و فقط تصویری از آن در آرشیو وزارت امور خارجه ایران نگهداری می‌شود. در معاهدات چند جانبه، اصل فرمان معمولاً طی مراسمی به کشوری که در کنوانسیون به عنوان نگهدارنده اسناد<sup>۷</sup> تعیین شده است، تسلیم می‌گردد؛ اما در عمل در اکثر موارد وزارت امور خارجه اصل سند امضای نهائی معاهده را در آرشیو خود نگهداری می‌کرده و فقط تصویری از آن را به ضمیمه اصل صورتجلسه مبادله اسناد تصویب، به کشور طرف معاهده و یا نگهدارنده اسناد تسلیم می‌نموده است.

مطلب دوم

### وظیفه رئیس جمهور نسبت به امضای معاهده

آیا رئیس جمهور می‌تواند از امضای نهائی معاهده‌ای که قبلاً با موافقت هیئت وزیران با کشور خارجی منعقد شده و سپس به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و مورد تأیید شورای نگهبان نیز قرار گرفته است، امتناع نماید؟ به عبارت دیگر، آیا تنظیم‌کننده روابط قوای سه‌گانه و یا رئیس قوه مجریه (اصل ۱۱۳ قانون اساسی) می‌تواند مانع لازم الاجرا شدن معاهده گردد؟

در سالهای گذشته گفته می‌شد با توجه به مشابهتی که بین تشریفات وضع قانون داخلی و ترتیبات تصویب معاهده بین‌المللی وجود دارد<sup>۸</sup> طبیعتاً چنانچه رئیس جمهور در مهلت معین معاهده را امضاء ننماید، نخست‌وزیر به استناد قانون تعیین مهلت قانونی جهت اجرای اصل ۱۲۳

7. Depository

۸. رک. به بخش دوم این مقاله، «مجله حقوقی»، شماره ۷، ص ۱۵۳.

قانون اساسی<sup>۹</sup> معاهده را همانند یک قانون داخلی به جای رئیس جمهور امضاء می‌کند و اجرای آن را به وزارتخانه<sup>۱۰</sup> مربوط ابلاغ خواهد نمود.

اقاً به نظر نمی‌رسد این رویه با قانون اساسی مطابقت داشته باشد؛ چون اولاً محتوای اصل ۱۲۵ قانون اساسی در مورد امضای نهائی معاهدات لزوماً تطابق کامل با مندرجات اصل ۱۲۳ قانون اساسی راجع به امضای مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسیها ندارد. از این گذشته عبارت دو متن مزبور یکسان نیست. اصل ۱۲۳ صریحاً رئیس جمهور را موظف نموده است که مصوبه مجلس یا نتیجه همه پرسی را امضاء نماید؛ در حالیکه سیاق اصل ۱۲۵ حاکی از این است که رئیس جمهور همانند مراجع دیگر قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) می‌تواند موافقت خود نسبت به یک معاهده بین‌المللی را به صورت امضای آن، چه بطور مستقیم و چه توسط نماینده قانونی خود، ابراز نماید.

علاوه بر این، در طول مذاکرات مجلس خبرگان برای تنظیم قانون اساسی، یکی از نمایندگان پیشنهادی در مورد اصلاح اصل ۱۲۵ مبنی بر

۹. ماده واحده قانون تعیین مهلت قانونی جهت اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۰/۳/۱۷ (مجموعه قوانین ۱۳۶۰، ص ۱۰): «چنانچه رئیس جمهور مصوبات مجلس شورای اسلامی و یا نتیجه همه پرسی را پس از ابلاغ به وی امضاء نکند، مصوبه و نتیجه همه پرسی پس از پنج روز از تاریخ ابلاغ به رئیس جمهور لازم‌الاجرا است.

تبصره ۱. رئیس مجلس موظف است مصوبه و تاریخ ابلاغ آن به رئیس جمهور را همزمان به رئیس دولت اطلاع دهد.

تبصره ۲. در طرحها و لوایحی که با قید فوریت به تصویب رسیده است پس از ۴۸ ساعت از تاریخ ابلاغ به رئیس جمهور چنانچه وی امضاء نکرد، لازم‌الاجرا است.»

ماده ۱ اصلاحی قانون مدنی ۶۱/۱۲/۲ (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۲۱۰) نیز تصریح می‌کند: «مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ابلاغ و رئیس جمهور باید ظرف ۵ روز آن را امضاء و به دولت ابلاغ نموده و دولت موظف است ظرف مدت ۴۸ ساعت آن را منتشر نماید.

تبصره. در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضاء یا ابلاغ به دولت در مهلت مقرر، دولت موظف است مصوبه یا نتیجه همه پرسی را پس از انقضای مدت مذکور ظرف ۴۸ ساعت منتشر نماید.»



تصریح به الزام رئیس جمهور در امضای معاهدات ارائه نمود<sup>۱۰</sup>؛ اما این پیشنهاد مورد قبول قرار نگرفت، چون از نظر تهیه کنندگان قانون اساسی — چنانکه در صفحات قبل اشاره شد — امضای معاهده توسط رئیس جمهور ماهیتی غیر از امضای قانون داخلی دارد؛ زیرا رئیس جمهور با امضای معاهده تمامی قوای مملکت را نسبت به مندرجات آن ملتزم می نماید؛ یعنی در واقع وی طرف عقد و قرارداد تلقی می شود<sup>۱۱</sup>، پس چگونه می تواند به اجبار و بدون رضایت به این کار اقدام نماید؟

معذک این تفاوت بین معاهده و قانون داخلی در سالهای اخیر مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و در همه جا امضای معاهده توسط رئیس جمهور مشمول همان احکامی تلقی شده که در مورد امضای قوانین داخلی جاری می باشد. در عمل نیز نخست وزیری به همین منوال اقدام نموده و در صورت لزوم، اجرای یک موافقتنامه بین المللی را پس از انقضای مهلت امضای رئیس جمهور رأساً به وزارتخانه مربوطه ابلاغ نموده است، همچنانکه در مورد موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و الجزایر مصوب ۶۱/۱۲/۲ به همین نحو عمل شده است.<sup>۱۲</sup>

سرانجام، قانون تعیین وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری مصوب ۲۲ آبان ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی در ماده ۶ تصریح می نماید: «رئیس جمهور یا نماینده قانونی او موظفند عهدنامه ها،

۱۰. رک. به صورت مشروح مذاکرات مجلس تهیه قانون اساسی، ج ۲، ص ۱۰۰۲: «رشیدیان: در این اصل [۱۲۵] باید نوشته شود رئیس جمهور موظف به امضای عهدنامه ها و پیمانها پس از تصویب مجلس شورای ملی است، نه اینکه عهدنامه ها و بقیه معلق بماند به امضای رئیس جمهور.»

۱۱. رک. به اظهارات نایب رئیس مجلس خبرگان (همانجا): «چرا شما توجه نمی کنید؟ امضای قانون غیر امضای [معاهده] است... ما در اینجا می خواهیم بگوئیم طرف [معاهده] رئیس جمهور یا نماینده او باشد، نمی خواهیم از نظر تنفیذ آن بگوئیم.»

۱۲. نگاه کنید به نامه نخست وزیری به شماره ۹۲۳۱۴ مورخ ۶۲/۱/۷ درباره ابلاغ موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و الجزایر (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۸۹).

مقاله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دولتها و همچنین پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی امضاء نمایند». در طرح اولیه این قانون یک ضرب‌الاجل ده روزه برای امضای رئیس‌جمهور و نیز امکان امضای معاهده توسط دولت در صورت استتکاف رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او پیش‌بینی شده بود که در جلسه علنی مجلس حذف گردید.<sup>۱۳</sup> به هر صورت، در حال حاضر رئیس‌جمهور موظف است پس از تصویب مجلس مبادرت به امضای یک معاهده بین‌المللی نماید. به نظر می‌رسد که این رویه مخالف ماهیت امضای معاهدات توسط رئیس‌جمهور است که در واقع متعهد و ملتزم نمودن کشور ایران در قبال دیگر ممالک جهانی می‌باشد و موافقت رئیس‌جمهور اجتناب‌ناپذیر است.

در ایران قبل از انقلاب اسلامی، تصویب معاهدات عموماً با توشیح شاه انجام می‌پذیرفت<sup>۱۴</sup> و این سند غیر از فرمانی بوده که مشابه قوانین

۱۳. در طرح اولیه که توسط کمیسیون خاص تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران به شماره ۹۹۷ - ۷۰۵ - ۴۹۷ در مجلس شورای اسلامی چاپ شده است، طی ماده ۱۲ آن تصریح شده بود: «رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او موظفند عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دولتها و همچنین پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی و فراهم شدن زمینه انعقاد آنها حداکثر ظرف ده روز امضاء نمایند. تبصره. چنانچه رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی وی از امضای مصوبه در مهلت مقرر استتکاف نماید، دولت موظف است ضمن گزارش به مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده قانونی رئیس‌جمهور، مصوبه را امضاء نماید.»

۱۴. در کتاب راهنمای عهد... (نوشته آقای وحید مازندرانی، ص ۱۴) سند امضای نهائی معاهده به نحو زیر آورده شده است که البته مؤلف اشتهاً آن را اعطای اختیارنامه توصیف کرده است: «با تأییدات خداوند متعال... پس از ملاحظه عهدنامه... بین دولت... ایران و دولت... که در تاریخ... شمسی بوسیله نماینده مختار ما و نماینده مختار دولت... در شهر... امضاء شده، مشتمل بر یک مقدمه و... ماده منضم به این دستخط می‌باشد... و به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسیده، تصدیق و تصویب می‌نمائیم و به خاتم همایونی مختوم می‌داریم و به جناب... وزیر امور خارجه خود اجازه مبادله آن را می‌دهیم.»

داخلی برای اجرای معاهده صادر می‌شده و در مجموعه قوانین و نیز روزنامه رسمی دادگستری در مقدمه معاهده به چاپ می‌رسیده است.<sup>۱۵</sup> در پاره‌ای از موارد که تصویب معاهده با قید و شرط انجام شده بود، در متن توشیح صریحاً موضوع قید و شرط نیز مورد اشاره قرار می‌گرفت.<sup>۱۶</sup> از طرف دیگر،

۱۵. فی‌المثل فرمان شاه دایره اجرای قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت گندم مورخ ۱۹۷۱ و پروتکل‌های الحاقی مورخ ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ در روزنامه رسمی شماره ۹۲۲۲ - ۱۳۵۵/۶/۳ به نحو زیر چاپ شده است: «با تأییدات خداوند متعال... نظر به اصل ۲۷ متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم:

ماده ۱. قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون... که به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و پیوست این فرمان است به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده ۲. هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند.»

مشابه همین متن در مورد موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی بین ایران و بنگلادش (مجموعه قوانین ۱۳۵۶، ص ۲۴۵)، موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی ایران و ترکیه (روزنامه رسمی ۱۳۵۷/۲/۲۷) و غیره نیز ملاحظه می‌شود.

۱۶. مانند توشیح عهدنامه مودت ایران و روسیه شوروی مورخ فوریه ۱۹۲۱ توسط احمد شاه و در سال ۱۳۰۰ (مندرج در مجموعه قوانین و مصوبات مجلس مقدس شورای ملی دوره اول تا چهارم، ط مجلس، ۱۳۰۲، ص ۶۸۰ به بعد) که در آن تصریح شده به استناد مراسله ۱۶۰۰ مورخه ۲۰ قوس ۱۳۰۰ شمسی و مصوبه مجلس شورای ملی، معاهده تصویب می‌شود. متأسفانه برخی از نویسندگان، عهدنامه را بدون مراسله ضمیمه آن چاپ نموده‌اند (مثلاً کتاب پژوهشی در روابط ایران و روسیه شوروی یا قرارداد ۱۹۲۱ نوشته آقای حاتم قادری، ج ۲، ص ۱۲۵ به بعد) و از آن بالاتر مجموعه‌های قوانین که عهدنامه مذکور را منتشر نموده‌اند مراسله را به همراه آن چاپ نکرده‌اند (مجموعه مذکور و مجموعه مصوبات ادوار سوم و چهارم قانونگذاری، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۹، ص ۱۸۸). درباره سوابق هماهنگی بین دولت وقت ایران و وزارت امور خارجه انگلیس راجع به انعقاد عهدنامه مذکور رک. به متن تلگراف مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۲۰ مندرج در ضمیمه کتاب زندگانی سیاسی احمد شاه (نوشته حسین مکی، ط امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۳۵۳) که سفیر انگلیس در تهران به لرد کرزن وزیر خارجه انگلیس ارسال داشته و طبق آن مشاور الممالک عاقد مواده دو معاهده پیشنهادی روسیه شوروی اولی شامل ماده ۱۷ و دومی یک معاهده سری حاوی چندین ماده خصوصاً همین فصول پنجم و ششم مورد بحث را ارائه نموده ولی انگلیس مخالف انعقاد معاهده سری بوده و آن را خلاف اصول جامعه ملل که ایران در شرف عضویت در آن بوده است، دانسته و لذا همه مواده تقریباً در عهدنامه ۱۹۲۱ فعلی منعکس شده و آمده است.

در مواردی که موافقتنامه‌ای بدون تصویب مجلس و صرفاً براساس اجازه کلی که قبلاً به وزارت امور خارجه اعطا شده بود، تنظیم می‌گردید، باز هم تصویب موافقتنامه مذکور با فرمانی که از طرف شاه صادر می‌شد، انجام می‌یافت.<sup>۱۷</sup> در واقع این فرمان به معنای اعطای نمایندگی برای تصویب نهائی موافقتنامه به وزیر امور خارجه بود و ظاهراً همین رویه ریشه و مبنای کار در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده که طی اصل ۱۲۵ آن تصریح شده که امضای معاهدات علاوه بر رئیس جمهور با نماینده قانونی او نیز می‌باشد.

قبل از اینکه در صفحات آتی بتفصیل اهمیت و نقش تصویب معاهدات را در حقوق معاصر ایران بررسی نمائیم، جا دارد به این نکته اشاره کنیم که در رژیم سابق ایران به لحاظ اینکه تصویب معاهده بین‌المللی عموماً با تصویب قانون داخلی یکسان تلقی می‌شده، لذا از نظر شکلی مداخله رئیس کشور در دو مرحله انجام می‌گردیده است: نخست مرحله توشیح قوانین بود که طبق روال معمول همیشه ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس رسیده بود به ضمیمه متن معاهده در روزنامه رسمی چاپ می‌شد و عنوان آن نیز معمولاً «فرمان همایونی دایر به اجرای قانون تصویب (و یا اجازه مبادله) عهدنامه مودت بین دولت ایران و...» بود<sup>۱۸</sup>، و دوم

۱۷. مانند اجازه مخصوص شاه مورخ ۴۳/۸/۲۵ به وزیر امور خارجه وقت راجع به امضای موافقتنامه لغو روادید ایران و کشورهای بنلوکس (روزنامه اطلاعات ۴۳/۸/۲۸) که براساس تبصره ۴۳ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۴۳ تنظیم گردیده است (رک. به پانویس شماره ۱۱۲ در صفحه ۱۴۹ شماره ۷ «مجله حقوقی»).

۱۸. فی المثل در مورد الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت گندم مورخ ۱۹۷۱ توشیح رئیس کشور بدین نحو در مجموعه قوانین ۱۳۵۵، ص ۷۵۷ چاپ شده است: «... نظر به اصل ۲۷ متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم:

ماده اول. قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت گندم ۱۹۷۱ و پروتکل‌های الحاقی ... که به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و پیوست این فرمان است، به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده دوم. هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند. به تاریخ ۳۱ تیرماه ۲۵۳۵».

تهیه متن رسمی به عنوان امضای نهایی معاهده بود که — چنانکه بعداً بحث خواهیم کرد — وزارت امور خارجه مبادرت به مبادله آن با کشور خارجی می‌نماید.<sup>۱۹</sup>

برای بررسی تطبیقی رویه مورد عمل در ایران با رویه معمول در سایر کشورها در ضمیمه یک انتهای این مقاله دو نمونه از سند تصویب معاهده بین‌المللی به زبانهای فرانسه و انگلیسی آورده می‌شود.<sup>۲۰</sup> پس از مطالعه نحوه و روش تصویب معاهدات در حقوق کنونی ایران، اینک به اهمیت آن در سیستمهای مختلف حقوقی و مطالعه تطبیقی آن با سیستم تصویب معاهدات در ایران در زمان حاضر و در گذشته می‌پردازیم.

#### مطلب سوم

### تصویب معاهدات و اهمیت آن در سیستمهای مختلف حقوقی

فلسفه وجودی تصویب معاهدات را قبلاً و در ابتدای این فصل مورد بحث قرار دادیم.<sup>۲۱</sup> در اینجا لازم است نخست به اهمیت تصویب در حقوق بین‌الملل معاصر (مبحث اول) و حقوق گذشته و کنونی ایران پردازیم (مبحث دوم)؛ آنگاه بررسی سیستمهای مختلف حقوقی در زمینه تصویب معاهدات را آغاز خواهیم کرد (مبحث سوم)؛ سپس در زمینه تصویب

۱۹. در کتاب راهنمای عهد... (آقای وحید مازندرانی، ص ۱۴) نمونه‌ای از آن بدین شرح آورده شده است: «با تأیید خداوند متعال... پس از ملاحظه عهدنامه... بین دولت... ایران و دولت... که در تاریخ... بوسیله نماینده مختار ما و نماینده مختار دولت... در شهر... امضاء شده و مشتمل بر یک مقدمه و... ماده منضم به این دستخط می‌باشد... و به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسیده، تصدیق و تصویب می‌نمائیم و به خانم همایونی مختوم می‌داریم و به جناب... وزیر امور خارجه خود اجازه مبادله اسناد را می‌دهیم.»

۲۰. متن اول که در فرانسه معمول است از کتاب شارل روسو (حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۱، ط پاریس ۱۹۷۰، شماره ۶۶) و دومی از کتاب زیر نقل شده است:

H. Blix, J. Emesson: The Treaty handbook, N.Y. 1973 p. 58.

۲۱. رک. به «مجله حقوقی»، شماره هفتم، ص ۱۲۱.

معاهده توسط کشورهای ثالث به عنوان اعضای جدید یک کنوانسیون (معاهده) که «الحاق» خوانده می‌شود، بحث خواهیم کرد (مبحث چهارم)، و بالاخره تحولات اخیر در زمینه کاهش اهمیت تصویب معاهدات و جایگزینی آن با روشهای ساده‌تر (مبحث پنجم) را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

#### ● مبحث اول:

### اهمیت تصویب معاهدات در حقوق بین الملل معاصر

#### یک. بحث نظری

در طول تاریخ بین علمای حقوق بین الملل راجع به لزوم یا عدم لزوم تصویب معاهدات مناقشه طولانی وجود داشته است که تفصیل آن از حوصله این مقاله خارج است. در اینجا به این بسنده می‌شود که در قرون معاصر برخی از نویسندگان ضابطه تشخیص مواردی را که تصویب لازم است با مواردی که ضرورتی به تصویب معاهده وجود ندارد، تفکیک بین معاهدات رسمی و توافقیهای ساده دانسته‌اند. فی المثل فریمون حقوقدان سوییسی در مقدمه کتابش راجع به «تصویب»، معاهدات را به دو گروه تقسیم می‌کند: معاهداتی که طبق روال سنتی منعقد می‌شوند و موضوع بحث کتاب وی می‌باشند و دیگر توافقیهایی که به نحو ساده تنظیم یافته و لازم الاجرا شده‌اند و خارج از بحث تصویب معاهدات می‌باشد.<sup>۲۲</sup> همین تقسیم‌بندی نیز مورد توجه پاره‌ای از معاصران قرار گرفته است.<sup>۲۳</sup>

اشکالی که بر این نظریه وارد می‌باشد این است که در استدلال آن نوعی دور باطل مشهود است؛ زیرا نویسندگان مذکور معاهدات را بر حسب آنکه تصویب برای آن ضروری باشد یا نه به دو گروه تقسیم می‌کنند:

22. P. Freymond: La ratification des traités et le problème des rapports entre et le droit interne, Paris et Lausanne, 1947 p. 25 et 53.

23. D. Anzilotti, Cours de droit international, Paris 1929 p. 368 et 370.

معاهدات رسمی و توافقیهای ساده. و از این تقسیم‌بندی نتیجه می‌گیرند که در معاهدات، اصل بر ضرورت تصویب آن می‌باشد؛ در حالیکه این اصل خود نتیجه تعریفی است که قبلاً برای معاهده و تقسیم‌بندی آن بعمل آمده باشد.

#### الف. نظریه ضرورت تصویب

بعضی دیگر از نویسندگان معاصر از قاعده‌ای به نام اصل ضرورت تصویب معاهدات نام می‌برند، منتهی برای این قاعده مستثنیاتی قائلند که از جمله آنها توافقیهای ساده است؛ اما در مورد تعداد این مستثنیات اختلاف نظر دارند و دلایل گوناگونی را نیز برای اثبات نظریه خویش ارائه می‌نمایند. اوپنهایم می‌نویسد: «تصویب هر چند قاعده‌تاً ضروری است ولی همیشه یک امر اساسی نیست. بدین لحاظ طبق یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل، معاهدات باید منظم‌اً مورد تصویب قرار بگیرند، هر چند در آن قیدی صریح نشده باشد. این قاعده امروز بطور عموم به رسمیت شناخته شده است ولی نسبت به آن مستثنیاتی نیز وجود دارد.»<sup>۲۴</sup> از جمله این مستثنیات، به نظر نویسنده مذکور، توافقیهایی است که مقامات ذیصلاح می‌توانند - بدون اینکه اعتبارنامه خاصی در دست داشته باشند - به نام دولت خویش منعقد نمایند. همچنین توافقیهایی که به شکل ساده تنظیم می‌گردد - که به نام صورتجلسه، اعلامیه، تبادل یادداشت و غیره نامیده می‌شود - و نیز توافقیهایی که مربوط به مسائل جزئی است، در شمار این استثناءها می‌باشد.

امتیاز این نظریه در این است که حدود عملی قاعده را مشخص

۲۴. رک. به اوپنهایم، حقوق بین‌الملل، ج ۱، ط لندن، ص ۹۰۶:

"... ratification, although necessary in principle, is not always essential. Although it is now generally recognized customary rule of International Law that treaties regularly require ratification, even if this is not expressly stipulated, there are exceptions to the rule" ( ) G.F. de Martens, *preas de droit des gens moderne l'Europe*. 1785, Gottingen, 1821 p. 96.

می‌کند و بطور ساده اصل را ضرورت تصویب معاهدات در روابط بین‌المللی می‌شناسد.

#### ب. مخالفان ضرورت تصویب

در ابتدا این گروه در اقلیت بودند ولی بتدریج محققان متعددی به طرف آنها گرایش یافتند.<sup>۲۵</sup> از میان حقوقدانان معاصر فیتز موریس رئیس اسبق دیوان دادگستری بین‌المللی و کلسن و نیز شوازنبرگر از نظریه‌ی عدم ضرورت تصویب جانبداری می‌نمایند.

فیتز موریس در این زمینه نظریه‌ی بدیعی از مدتها پیش به دست داده بود.<sup>۲۶</sup> وی می‌نویسد که طبق رویه‌ی معمول، دولتها قیدی را درباره‌ی ضرورت تصویب در متن معاهدات می‌گنجانند. اگر در حقوق بین‌الملل موضوعه قاعده‌ای به نام اماره‌ی تصویب وجود می‌داشت باید ضرورت و فایده‌ی چنین قیدی را مورد تردید قرار داد؛ چون با وجود چنین اماره و قاعده‌ای هیچ نیازی نبود که در معاهدات صریحاً به تصویب اشاره‌ای بشود، بلکه نحوه و شرایط اجرای آن را به قاعده‌ی مذکور احاله می‌کردند. در این صورت، معاهده‌ی تنها پس از تصویب آن از طرف مقامات صالحه‌ی دو کشور لازم‌الاجرا می‌گردید.

حقوقدان انگلیسی مذکور خاطر نشان می‌سازد که نمی‌توان پذیرفت بندهائی از معاهده که راجع به نحوه‌ی به تصویب رساندن توافق بین‌المللی است بیان‌کننده‌ی یک قاعده‌ی حقوقی باشد و لذا مشکل است بتوان پذیرفت که از یک طرف ضرورت به تصویب رساندن معاهدات یک قاعده‌ی عرفی در حقوق بین‌الملل است و از طرف دیگر و در عین حال دولتها هرگاه تصویب را ضروری ببینند آن را صریحاً در معاهده قید می‌کنند. بنابراین باید نتیجه گرفت که دولتها وجود چنین قاعده‌ی عرفی را قبول ندارند، کما اینکه با

25. H. Kelsen, principles of International Law, New York, 1952 p. 332; G. Schwarzenberger, A Manual of International Law. London, 1960 Vol 1, p. 146.

۲۶. رک. به مقاله Do Treaties Need Ratification نوشته G. Fitzmaurice در سالنامه

انگلیسی حقوق بین‌الملل، سال ۱۹۳۴، ص ۱۱۳ - ۱۳۷.



تصریح به آن در معاهدات، تأیید می‌نمایند که اصولاً هیچ اصل عرفی دربارهٔ به تصویب رساندن معاهده وجود ندارد.<sup>۲۷</sup>

علی‌رغم اینکه استدلال فوق قوی به نظر می‌رسد اما با اندکی دقت معلوم می‌شود که آنقدرها هم محکم نیست؛ چون مبنای استدلال رئیس اسبق دیوان دادگستری بین‌المللی بر این است که در معاهدات، یا صریحاً به لزوم تصویب اشاره‌ای می‌شود و یا به سکوت برگزار می‌گردد. در حالیکه در کنار این دو گروه، نوع سومی هم وجود دارد که تعدادشان شاید خیلی بیشتر باشد و آن عبارت است از توافقات بین‌المللی که در آنها صریحاً قید می‌شود که پس از امضاء بلافاصله سند مذکور لازم‌الاجرا می‌گردد. اگر استدلال فوق‌الذکر را بر اینگونه معاهدات اعمال نمائیم، باید چنین نتیجه بگیریم که تصریح به کفایت امضای یک توافق بین‌المللی به این دلیل انجام شده است که دولتهای متعاهد نگران بوده‌اند که سکوتشان حمل بر ضرورت تصویب معاهده تلقی گردد، و بنابراین باید نتیجه گرفت که از نظر اینگونه دولتها قاعده‌ای به نام ضرورت تصویب معاهدات وجود دارد که خواسته‌اند با تصریح به کافی بودن امضاء جهت رسمیت یافتن و لازم‌الاجرا شدن معاهده، آن قاعده را دور بزنند.

از نظر بسیاری دیگر از محققان که مخالف قاعده ضرورت به تصویب رساندن معاهدات می‌باشند دلایل دیگری غیر از آنچه از این دانشمند انگلیسی فوقاً نقل شد، مبنای این قاعده است. استدلال آنان عمدتاً بر این است که اکثر معاهدات امروزه بدون طی تشریفات تصویب لازم‌الاجرا می‌گردند؛ بنابراین قاعده‌ای به نام ضرورت تصویب معاهده وجود ندارد.<sup>۲۸</sup>

در اینجا لازم است برای درک صحیح رویه معمول در حقوق بین‌الملل معاصره بررسی آماری معاهدات مختلف بین‌المللی پرداخت.

۲۷. همان مقاله، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲۸. مک‌نایر، حقوق معاهدات: ط لندن، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.

## دو. رویه معمول در حقوق بین الملل معاصر

محتوای حقوق بین الملل معاصر را در زمینه ضرورت یا عدم ضرورت تصویب معاهده نمی توان یافت مگر با بررسی این امر که کشورها در قبال معاهداتی که در آنها هیچگونه مقرراتی درباره لازم الاجرا شدن معاهده ذکر نشده باشد، چه رفتاری در پیش می گیرند.

به عبارت دیگر، آیا می توان قاعده ای از رفتار دولتها استنتاج نمود که مطابق آن در مواردی که هیچ مقرراتی در معاهده راجع به نحوه لازم الاجرا شدن آن وجود نداشته باشد، دولتها از آن قاعده تبعیت نموده باشند، و اگر چنین قاعده ای وجود دارد، کدام است؟

در این زمینه علاوه بر ذکر نتیجه گیریهای که دو محقق سوئدی و لهستانی به نامهای بلیکس<sup>۲۹</sup> و فرانکوسکا<sup>۳۰</sup> به آنها رسیده اند، نویسنده این مقاله بررسیهای خود را که از مجموعه معاهدات سالهای اخیر سازمان ملل به دست آورده است، متعاقباً بیان خواهد نمود.

بطور کلی رویه معمول دولتها درباره انعقاد معاهداتی که نحوه لازم الاجرا شدن آنها به سکوت برگزار شده است از مدتها پیش تا کنون تحول چشمگیری یافته است. در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در موارد متعدد می توان معاهداتی را یافت که در آنها قیدی بوده است، معذک تشریفات تصویب را طی کرده اند.<sup>۳۱</sup> برعکس، مواردی را نیز می توان مشاهده کرد که معاهده با اینکه فاقد ضوابطی درباره نحوه لازم الاجرا شدن

۲۹. در سالنامه بریتانیایی حقوق بین الملل (Blix: The requirement of ratification) سال ۱۹۵۳، ص ۳۶۸ به بعد.

30. Maria Frankowska: De la procedure présomption en faveur de la ratification,

در مجله عمومی حقوق بین الملل عمومی، سال ۱۹۶۹، ص ۶۲ به بعد.

۳۱. از این قبیل است ترتیبات تجاری منعقد شده بین انگلیس و چین مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۸۷۶ (مجموعه جدید معاهدات ۱۸۸۷، گردآوری توسط de Martens، ج ۴۲، ص ۷۰۷).

آن بوده، ولی به صرف امضاء، لازم الاجرا گردیده است.<sup>۳۲</sup> از وجود قاعده ضرورت تصویب معاهده در فاصله بین دو جنگ جهانی نیز مشکل می‌توان دفاع نمود. بررسی‌هایی که محقق سوئدی فوق‌الذکر در مجموعه معاهدات منتشره بین سالهای ۱۹۳۲ - ۱۹۴۰ بوسیله جامعه ملل سابق انجام داده است، نشان می‌دهد که اکثریت عمده معاهداتی که نحوه لازم الاجرا شدنشان به سکوت برگزار شده بدون تصویب لازم الاجرا شده‌اند.<sup>۳۳</sup> در دوره جنگ جهانی دوم در بسیاری از معاهدات بین‌المللی که حتی بعضی از آنها واجد اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده‌اند هیچگونه ضوابطی برای نحوه لازم الاجرا شدنشان ذکر نشده است، بلکه بدون اینکه به تصویب برسند قطعی و لازم‌الاتباع تلقی می‌شده‌اند.<sup>۳۴</sup> در مورد معاهداتی که پس از جنگ جهانی دوم تنظیم شده‌اند به نظر می‌رسد رویت واحدی را می‌توان استنتاج نمود.

محقق مذکور از میان معاهداتی که بین سالهای ۱۹۴۶ - ۱۹۵۱ در مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد چاپ شده و تعداد آنها به ۱۳۰۰ معاهده گوناگون و توافق بین‌المللی مختلف می‌رسد، ۱۲۵ توافق را که به صورت مبادله یا داداشت منعقد شده و بنابراین بدون تصویب لازم الاجرا گردیده‌اند، شناسائی نموده و حدود ۵۰ مورد دیگر را مربوط به متن واحدی

۳۲. مانند ترتیبات منعقد شده برای حل اختلافات بین انگلیس و پاراگوئه مورخ ۱۴ اکتبر ۱۸۶۲ (همان کتاب، ج ۲۰، ص ۴۸۴)؛ اعلامیه برای تحدید حدود مورخ ۷ اوت ۱۸۹۵ (همان کتاب، ج ۲، ص ۷۹۸)؛ پروتکل برای محدود نمودن مایملک در سواحل دریای سرخ و خلیج عدن مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۰۰ در رم (همان کتاب، ج ۲، ص ۸۳۰).

۳۳. از ۷۲ معاهده از این گروه هیچ توافقی که به صورت مبادله یا داداشت یا نامه تنظیم شده باشد، به تصویب نرسیده است. از بقیه که به صورت سند واحد تنظیم شده بوده‌اند فقط پنج مورد به تصویب رسیده است و اکثر آنها به صرف امضاء لازم الاجرا شناخته شده‌اند.

۳۴. از این قبیل است منشور اتلانتیک مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۱ و نیز موافقتنامه تهران که بین سه کشور بزرگ درگیر در جنگ، یعنی امریکا و انگلیس و شوروی، در اول دسامبر ۱۹۴۵ امضاء شد و همچنین موافقتنامه یالتا مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ و نیز موافقتنامه پتسدام مورخ ۲ اوت ۱۹۴۵.

دانسته که فاقد هرگونه قید و شرط راجع به نحوه لازم الاجرا شدن آن است. از میان این تعداد فقط یک مورد هست که توافق به صورت مبادله یادداشت انجام شده و در عین حال یکی از متعاهدان مستقلاً آن را پس از طی تشریفات تصویب لازم الاجرا نموده و یک مورد دیگر مبادله یادداشت پس از انجام قبولی به اجرا نهاده شده است.<sup>۳۵</sup>

محقق دیگری به نام ماریا فرانکوسکا معاهداتی را که بین سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۶۵ در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسیده اند مورد بررسی قرار داده<sup>۳۶</sup> که حاصل بررسیهای وی به قرار زیر است: تعداد کل معاهدات و توافقات بین المللی به ۱۵۷۹ مورد بالغ می شود که ۱۵۱ مورد از آنها فاقد مقررات راجع به نحوه لازم الاجرا شدن می باشد. اکثر اینگونه معاهدات مربوط می شوند به معاهدات بین کشورها با سازمانهای بین المللی<sup>۳۷</sup> و تعداد معاهده هائی که بین دولتها منعقد شده و فاقد هرگونه ماده ای راجع به لازم الاجرا شدن آنها هستند، فقط ۳۵ مورد یعنی ۲/۲ درصد تمام معاهدات مورد بحث می باشد. البته این تعداد هم آنقدرها کم نیست و خصوصاً بعضی از آنها مربوط به موضوعات مهمی هستند.<sup>۳۸</sup> ضمناً

۳۵. مقاله بلیکس فوق الذکر، ص ۳۶۷.

۳۶. رک. به مقاله خانم فرانکوسکا: *مجموعه مقالات فرنگی*

Maria Frankowska: De la prétendre présomption en faveur de la Ratification.

در مجله عمومی حقوق بین الملل عمومی، سال ۱۹۶۹، ص ۶۲ به بعد.

۳۷. در اکثر موارد، موافقتنامه هائی که بین بانک بین المللی برای بازسازی و توسعه کشورها (بانک جهانی) منعقد می شود چنین خصوصیتی دارند.

۳۸. مانند صورتجلسه توافق بین عراق و کویت درباره برقراری روابط دوستانه، شناسائی و مسائل مربوط مورخ ۴ اکتبر ۱۹۶۳ در بغداد (مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد، ج ۴۸۵، ص ۳۲۷)؛ توافق بین دولتین هندوستان و پاکستان درباره آتش بس و برقراری وضعیتی موجود در تاریخ اول ژانویه ۱۹۶۵ در منطقه گجرات و مرز پاکستان غربی و ترتیبات برای تعیین مرزها در این منطقه مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۶۵ در دهلی نو (همان کتاب، ج ۵۴۸، ص ۲۷۹)؛ موافقتنامه بین اسرائیل و غنا در مورد همکاری کشاورزی مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۶۴ (همان کتاب، ج ۵۵۰، ص ۲۳۳).

دو مورد از آن معاهدات را کنوانسیونهای چند جانبه محدود تشکیل می‌دهد.<sup>۳۹</sup> معاهدات یا توافقیهای بین‌المللی دو جانبه‌ای که خصوصیت مذکور را داشته‌اند در ۱۹ مورد به صورت مبادله یادداشت و در ۱۴ مورد دیگر به صورت یک سند واحد یعنی امثال تفاهم‌نامه و غیره بوده‌اند که همگی آنها در یک مرحله (یعنی فقط با امضای توافق یا مبادله سند توافق) لازم‌الاجرا شده‌اند و تنها در یک مورد بوده که توافق مربوط مورد تصویب یا قبولی نیز قرار گرفته است.

دبیرخانه سازمان ملل متحد هم در مورد تمامی توافقیهای بین‌المللی فوق‌الذکر در ستون مربوط تصریح نموده است: «بوسیله امضاء لازم‌الاجرا شده»<sup>۴۰</sup> و یا «لازم‌الاجرا شده بوسیله مبادله یادداشتهای مذکور».<sup>۴۱</sup>

### سه. کنوانسیون وین و اهمیت تصویب در قطعیت معاهدات

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طول بررسیها و گزارشهایی که منتهی به تدوین مواد ۱۲ - ۱۴ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درباره حقوق معاهدات گردید بین نظریه کفایت امضای معاهده و نظریه لزوم تصویب آن مواضع متعددی اتخاذ نموده است. در طرح ۱۹۵۰ کنوانسیون، بریولی گزارشگر آن فقط امضای معاهده را ملاک لازم‌الاجرا شدن آن تلقی می‌نمود و بدین لحاظ اگر در معاهده‌ای تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن مسکوت مانده بود، اصل

۳۹. موافقتنامه همکاری فنی کشورهای شمالی (فنلاند، دانمارک، نورژ و سوئد) با تانگانیکا مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۶۳ (مجموعه معاهدات، ج ۴۵۶، ص ۴۱۹) و موافقتنامه مانبیل بین فیلیپین، مالزی و اندونزی مورخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۳ (همان کتاب، ج ۵۵۰، ص ۳۴۵).

۴۰. مانند موافقتنامه بین انگلیس و جامائیکا راجع به کارمندان مورخ اول ژوئن ۱۹۶۱ لندن (مجموعه معاهدات، ج ۴۷۸، ص ۱۱) و موافقتنامه بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی راجع به ماهیگیری در آلاسکا مورخ ۵ فوریه ۱۹۶۵ (همان کتاب، ج ۵۴۱، ص ۱۰۴).

۴۱. مانند مبادله یادداشت بین بلژیک و هندوستان راجع به شناسائی اسناد محضری دو کشور مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۶۱ و ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۲ (مجموعه معاهدات، ج ۴۵۳، ص ۲۶۰) و مبادله یادداشت بین چکسلواکی و آمریکا راجع به صدور ویزای کارمندان دیپلماتیک مورخ ۱۸ و ۲۱ دسامبر ۱۹۶۲ (همان کتاب، ج ۴۶۹، ص ۱۱۵).

این بود که از زمان امضاء معتبر شناخته می‌شد.<sup>۴۲</sup>

بسیاری از اعضای کمیسیون حقوق بین الملل این نظریه را مخالف با رویه موجود در حقوق بین الملل می‌شناختند و آن را بازگشت به دوره گروسیوس تلقی می‌نمودند<sup>۴۳</sup>؛ برخی دیگر این نظریه را مقدمه زوال قواعد حقوقی می‌شناختند.<sup>۴۴</sup> نتیجتاً نظریه لزوم تصویب معاهده جای خود را در روابط و حقوق بین الملل باز نمود، ولی محدود به موارد خاصی شناخته شد که در طرح موقت سال ۱۹۵۱ کنوانسیون حقوق معاهدات به آن تصریح شده بود.<sup>۴۵</sup>

گزارشگر دوم کمیسیون (لوترپاخت) همین نظریه را پذیرفت، ولی یک قاعده فرعی به آن افزود مبنی بر اینکه تصویب جز در مواردی که معاهده خود صریحاً پیش بینی نموده باشد، لازم نیست.<sup>۴۶</sup> لذا در متن دوم پیشنهادی وی قاعده کلی عدم ضرورت تصویب معاهدات بیان شده بود.

گزارشگر سوم (فیتز موریس) طبق نظریاتی که در آثار خود قبلاً اعلام نموده بود تصویب معاهدات را هنگامی که در خود معاهده پیش بینی شده باشد، ضروری و در سایر موارد علی الاصول غیر ضروری خواند.<sup>۴۷</sup> به هر حال، کمیسیون عملاً فرصت نیافت تا این مسئله را بتفصیل مورد بحث قرار دهد.

ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علوم انسانی

۴۲. سند شماره A/CN.4/23 ذیل ماده ۸.  
۴۳. اظهارات «امادو» در دومین اجلاس کمیسیون حقوق بین الملل (سالنامه کمیسیون ۱۹۵۰، ج ۱، جلسه ۴۹).

۴۴. اظهارات ژرژسل در همان سالنامه، جلسه ۵۰.

۴۵. سند شماره A/CN.4/L.28 at 4 ذیل ماده ۴.

۴۶. سند شماره A/CN.4/63/87، ذیل ماده ۶. حقوقدان مذکور همین مواضع را در «مجموعه مقالات خود درباره حقوق بین الملل» که در کمبریج (۱۹۷۸) در چهار مجلد چاپ شده، در ج ۴، ص ۱۶۱ به بعد نیز تجدید و چاپ نموده است. رک. به:

Sir Hersch Lauterpacht, International law, Collected papers, edited by E. Lauterpacht, Cambridge, 1978 Vol 4 pp. 161-164.

۴۷. سند شماره A/CN.4/101 ماده ۳۲.

در سال بعد گزارشگر چهارم (والدوک) راه‌حل ویژه‌ای در این زمینه پیشنهاد کرد که بین شکل معاهده و تشریفات تصویب ارتباط برقرار می‌نمود. وی دو قاعدهٔ مختلف برای دو گروه از معاهدات مطرح نمود. به گفتهٔ وی معاهدات بر دو نوعند: «معاهدات رسمی» و «معاهدات ساده» (شامل مبادلهٔ یادداشت، صورتجلسهٔ تأیید شده، و موافقتنامهٔ بین دو حکومت). معاهدات نوع نخست مشمول اصل ضرورت تصویب هستند. برعکس، گروه دوم تنها هنگامی می‌باید به تصویب برسند که این امر صراحتاً در توافقنامه پیش‌بینی شده باشد.<sup>۴۸</sup>

کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۶۲ ماده‌ای را تنظیم نمود که با طرح فوق‌الذکر تفاوت داشت. در این ماده تصویب معاهدات امری ضروری شناخته شده بود؛ البته اجرای این قاعده را محدود به ضوابطی می‌دانست که در هر معاهده ممکن است پیش‌بینی شود.<sup>۴۹</sup> از جمله مستثنیات قاعدهٔ ضرورت تصویب معاهدات، موافقتنامه‌های به شکل ساده<sup>۵۰</sup> بود که این اصطلاح شامل کلیهٔ موارد پیشنهادی والدوک می‌شد بجز «موافقتنامه بین دو حکومت».<sup>۵۱</sup>

تصمیم کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد انتقاد بسیاری از محققان قرار گرفت. نمایندگان دانمارک، انگلیس، ژاپن، سوئد و شوروی قاعدهٔ ضرورت تصویب معاهدات را غیرقابل قبول دانستند و فقط یوگسلاوی و اتریش از آن دفاع نمودند.<sup>۵۲</sup>

در سال ۱۹۶۵ مادهٔ فوق‌الذکر تغییر یافت. کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد طرح والدوک برای اینکه امضای معاهده به تنهایی نشان دهندهٔ ارادهٔ دولت بر متعهد شدن به آن شناخته شود و یا اینکه برعکس

۴۸. سند شمارهٔ A/CN.4/144 مادهٔ ۱۰.

۴۹. سند شمارهٔ A/5209 طرح مادهٔ ۱۲.

50. Les accords en forme simplifiée

51. Les accords intergouvernementaux

52. Rapports de la C.D.I. 1966, doc. A/6309/Rev.1. p. 120.

معاهده حتماً باید به تصویب برسد تا اراده بر متعهد شدن نسبت به آن را نشان بدهد، گفت که بیش از هر چیز باید قصد و نیت متعاهدان را جستجو نمود.<sup>۵۳</sup> طرح نهائی سال ۱۹۶۶ کنوانسیون حقوق معاهدات هیچ قاعده‌ای را، نه به نفع کفایت امضاء و نه به نفع ضرورت تصویب معاهده، تعیین نکرده بود، بلکه در مواد ۱۰ و ۱۱ فقط تصریح شده بود که در چه موارد جداگانه‌ای امضاء یا تصویب یا قبولی و یا تأیید، هر کدام برای متعهد نمودن یک کشور کافی است. این دو ماده فقط مواردی را مشخص می‌نمود که قصد و نیت کشور در یک مورد معین چه بوده، و از به دست دادن یک قاعده کلی احتراز کرد.

ماده ۱۲ کنوانسیونهای وین ۱۹۶۹ (حقوق معاهدات بین دولتها) و ۱۹۸۶ (حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی) در ارتباط با مواردی که امضاء به عنوان وسیله ایجاد تعهد و انعقاد قطعی معاهده باید شناخته شود، چنین مقرر داشته است:

«۱. قصد و نیت یک دولت (یا یک سازمان بین‌المللی) در اینکه با امضای نماینده‌ی وی به معاهده‌ای ملتزم می‌گردد، در موارد زیر محقق می‌شود:

الف. هرگاه معاهده خود پیش‌بینی نموده باشد که امضاء دارای چنین اثری است؛

ب. هرگاه به نحو دیگری ثابت شود که دولتهای مذاکره‌کننده توافق نموده‌اند که امضاء دارای چنین اثری است؛

ج. هرگاه قصد و نیت دولت در ایجاد چنین اثری برای امضای معاهده از اعتبارنامه نماینده‌اش آشکار شود و یا در طول مذاکرات صریحاً اعلام شده باشد.

۲. در ارتباط با بند ۱:

الف. پاراف یک سند هنگامی امضای معاهده محسوب می‌شود

۵۳. سالنامه کمیسیون مذکور (۱۹۶۵)، ج ۲، ص ۱۷۱.



که ثابت شود دولتهای مذاکره کننده چنین چیزی را توافق نموده اند.

ب. امضاء «به شرط ارجاع»<sup>۵۴</sup> یک معاهده توسط نماینده دولت هنگامی یک امضای کامل محسوب می شود که مورد تأیید دولتش قرار گیرد.»

دو کنوانسیون مذکور در ماده ۱۴ راجع به مواردی که تصویب، قبولی یا تأیید به عنوان وسیله ایجاد تعهد و انعقاد قطعی معاهده باید شناخته شود، چنین مقرر داشته اند:

۱۱. قصد و نیت یک دولت (یا یک سازمان بین المللی) در اینکه با تصویب به معاهده ای ملتزم می گردد، در موارد زیر محقق می شود:

الف. هرگاه معاهده خود پیش بینی نموده است که چنین قصدی از طریق تصویب اعلام خواهد شد؛

ب. هرگاه به نحو دیگری ثابت شود که دولتهای مذاکره کننده توافق نموده اند که تصویب ضروری است؛

ج. هرگاه نماینده دولت معاهده را به شرط تصویب امضاء نموده باشد؛

د. هرگاه قصد و نیت دولت در امضای معاهده به شرط تصویب از اعتبارنامه نماینده اش آشکار شود و یا در طول مذاکرات صریحاً اعلام شده باشد.

۲. قصد و نیت یک دولت در انعقاد معاهده بوسیله قبولی یا تأیید با همان شرایطی که در مورد تصویب جاری است بیان می گردد.»

بنابراین کنوانسیون وین از وضع یک قاعده کلی در لزوم یا عدم لزوم تصویب معاهدات خودداری و این امر را به توافق متعاهدان و قصد و نیت آنان واگذار نموده است. در این روند، شناسایی سیستم حقوقی هر کشور و قانون اساسی آن در تعیین قصد و نیت آن کشور نقش مهمی

54. ad referendum

دارد.<sup>۵۵</sup> بدین لحاظ مطالعه این مسئله در حقوق ایران و حقوق تطبیقی کمک عمده‌ای در روشن شدن مطلب خواهد کرد، که در صفحات آینده به بحث درباره آنها می‌پردازیم.

● مبحث دوم:

## رویه معمول در حقوق ایران راجع به تصویب معاهدات

با مطالعه نظام حقوقی تدوین معاهدات در ایران به نظر می‌رسد که برخلاف تحلیلی که در صفحات قبل بیان شد آنچه باید حائز اهمیت تلقی شود، تفکیک بین معاهدات رسمی و توافقی‌های ساده است؛ یعنی تفکیک بین آنهایی که در دو مرحله امضاء و تصویب، تنظیم و لازم‌الاجرا می‌شوند از یک طرف، و آنهایی که در یک مرحله (یعنی فقط با امضاء) تهیه و سپس به اجرا گذارده می‌شوند از طرف دیگر.

به عبارت دیگر، برخلاف آنچه که در صفحات قبل مورد بحث قرار گرفت، در اینجا تشخیص قاعده ضرورت تصویب معاهده به همان اندازه واجد اهمیت است که دو مرحله‌ای بودن معاهده. چون اگر یک توافق بین المللی مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی باشد، هم بدین معنی است که باید به تصویب برسد و هم اینکه در دو مرحله تنظیم و لازم‌الاجرا می‌شود، و این برخلاف حقوق کشورهای دیگر است که قبلاً بحث شد؛ زیرا در آنجا این دو مفهوم تطابق کامل با یکدیگر نداشتند و بسیاری از معاهدات دو مرحله‌ای بودند بدون اینکه ضرورتاً لزومی به تصویب آنها باشد، بلکه از طرق دیگر مانند قبولی، تأیید و غیره مرحله دوم (لازم‌الاجرا شدن) را طی می‌کردند و نه از طریق تصویب. بنابراین در ایران مهم نیست که بتوان

۵۵. نویسنده کتاب A modern law of Nations. به نام ph. Jessup در ص ۱۲۶ کتاب خود (ط لندن، ۱۹۶۸) می‌گوید:

It is a matter of the constitutional law of the state whether any particular international agreement or type of agreement may be thus concluded.

معاهدات دو مرحله‌ای را از معاهدات یک مرحله‌ای تشخیص داد و سپس بررسی کرد در چه مواردی معاهده به صورت رسمی، یعنی دو مرحله‌ای، تهیه شده و در چه مرحله‌ای به صورت ساده، یعنی با امضاء، در یک مرحله لازم الاجرا شده است.

از این نظر و برای سهولت مطالعه، رویه معمول در رژیم سابق (دوره نخست) را با رویه‌ای که پس از سال ۱۳۵۷ تاکنون (دوره دوم) رایج شده است تفکیک کرده و هریک را جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم.



دوره نخست: تصویب معاهدات در رژیم سابق

در رژیم گذشته اگرچه از نظیر تعداد، بین معاهدات رسمی (دو مرحله‌ای) با توافقات ساده بین المللی (تفاهم نامه‌ها) در مجموع تقارن و تناسب وجود داشت، اما تشخیص مواردی که به هریک از آن دو مربوط می‌شود، یعنی مواردی که یک توافق بین المللی باید به صورت معاهده رسمی تنظیم شود با مواردی که در یک مرحله (با امضاء) لازم الاجرا می‌گردید، همیشه آسان نیست.

تحلیل آماری از معاهداتی که در رژیم سابق لازم الاجرا بوده برای مطالعه ما بسیار ارزشمند است. بدین لحاظ بررسی مندرجات سه کتاب که مجموعه‌های معاهدات دو جانبه را در سالهای گذشته تدوین و جمع آوری نموده‌اند کمک زیادی به شناختن اهمیت تصویب در حقوق معاهدات ایران خواهد نمود. کتاب نخست که در سال ۱۳۴۱ تحت عنوان «راهنمای عهد و عهدنامه‌های تاریخی ایران»<sup>۵۶</sup> جمع آوری و چاپ شده، حاوی فهرستی از معاهدات دو جانبه می‌باشد که در ستونهای جداگانه تاریخ امضاء، تاریخ

۵۶. جمع آوری از آقای ع. وحیدمازندرانی، ص ۳۵۲-۳۷۴.

تصویب و تاریخ اجرا شدن هر معاهده مشخص شده است.<sup>۵۷</sup>

در این کتاب مجموعاً ۲۳۳ معاهده که بین ایران و سایر کشورها منعقد گردیده است نام برده شده که از میان آنها ۱۰۹ معاهده رسمی است — یعنی علاوه بر امضاء، مورد تصویب قوهٔ مفتننهٔ ایران هم واقع شده است —، ولی اکثریت معاهدات — ۱۲۴ مورد — به صورت ساده، یعنی به شکل تفاهم نامه با امضای مقام اجرائی مربوط، لازم الاجرا شده است.<sup>۵۸</sup>

کتاب دوم به نام «مجموعه معاهدات دو جانبهٔ معتبر» که در سال ۱۳۴۹ توسط وزارت امور خارجه در دو مجلد بزرگ چاپ شده فقط تاریخ امضای معاهدات را مشخص کرده و از تصویب یا از تاریخ لازم الاجرا شدن آنها ذکرى به میان نیامده است جز در بعضی پانویسها که احیاناً مدت اعتبار معاهده بیان شده و یا اگر مبادلهٔ اسناد انجام نشده به این امر تصریح گردیده است. در این دو مجلد مجموعاً ۲۶۹ توافق بین المللی دو جانبه چاپ شده است که هم معاهدات رسمی و هم توافقه‌های ساده را شامل می‌شود بدون اینکه ملاک معینی برای تشخیص در این زمینه وجود داشته باشد.

سوم جزوهٔ «فهرست معاهدات معتبر ایران با سایر دول» است که از طرف دفتر حقوقی وزارت امور خارجه تکثیر شده است (چاپ فروردین ۱۳۵۷). این جزوه حاوی فهرست کامل معاهداتی است که در تاریخ مذکور امضاء و لازم الاجرا بوده و از مجموع ۳۸۸ معاهده که در آن نام برده شده است اکثریت آنها، یعنی ۲۴۸ فقره، معاهدهٔ رسمی تشخیص داده می‌شود که تفاوت تاریخ امضاء و لازم الاجرا شدن آنها عموماً بیش از چهار ماه است (این مدت حداقل لازم برای تصویب معاهده در آن زمان بوده) و مابقی، یعنی ۱۴۸ فقره توافق بین المللی، از همان تاریخ امضاء، لازم الاجرا نیز شده

۵۷. علاوه وزارت امور خارجه بین سالهای ۱۳۳۸ — ۱۳۴۲ مبادرت به انتشار ۳ کتابچه مربوط به معاهدات ایران با آرژانتین، آلمان فدرال، اتحاد شوروی، افغانستان و پاکستان نمود؛ ولی بعداً ادامه نیافت. در کتابچه‌های ۲ و ۳ ذیل صفحات یا در جدول جداگانه تاریخ تصویب و تاریخ مبادلهٔ اسناد مشخص شده است.

۵۸. راهنمای عهد و عهدنامه‌های تاریخی ایران، ص ۳۵۲ — ۳۷۴.

و یا اجرای آن پس از مدت کوتاهی پیش‌بینی گردیده است. به عبارت دیگر، تعداد معاهداتی که فقط در یک مرحله (یعنی امضاء) لازم‌الاجرا می‌شده به حدود یک سوم معاهدات رسمی (که در دو مرحله امضاء و تصویب لازم‌الاجرا می‌شده) می‌رسیده است.

شاید دلیل اینکه از دهه ۱۳۴۰ به بعد بتدریج تعداد معاهدات رسمی افزایش و تعداد تفاهم‌نامه‌ها کاهش یافته تحول روابط سیاسی ایران با کشورهای مختلف در جهت تثبیت بیشتر بوده است و نیز اینکه مسئولان دولتین یا دو طرف معاهدات ایران و سایر کشورها بیشتر تمایل داشته‌اند که ابتدا چهارچوب کلی روابط دوجانبه آنها در معاهدات رسمی تبیین شود، که به همین صورت اقدام می‌شده و تدریجاً جزئیات اجرایی مربوط به هر سال در صورتجلسات و پروتکل‌های جداگانه مشخص می‌گردیده است.<sup>۵۹</sup>

#### الف. ضابطه تفکیک معاهدات رسمی از معاهدات و توافقات ساده

با مطالعه آماری فوق‌الذکر اهمیت تفکیک بین مواردی که معاهده به صورت رسمی منعقد و پس از تصویب قوه مقننه لازم‌الاجرا می‌گردیده، از مواردی که معاهده صرفاً با امضاء اعتبار قانونی می‌یافته است، روشن می‌شود.<sup>۶۰</sup> بطور کلی اصل ۲۴ قانون اساسی سابق (۱۳۲۴ قمری) بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها را با تصویب مجلس شورای ملی ممکن می‌دانست و اصل ۵۲ متمم قانون اساسی سابق این قاعده را حتی بر عهدنامه‌هایی که به دلایلی متن آن سری نگهداری شده بود نیز تسری می‌داد.<sup>۶۱</sup> بنابراین می‌توان گفت که در رژیم سابق، اصل بر این بوده است

۵۹. رک. به بخش اول این مقاله («مجله حقوقی»، شماره ۶، ص ۹۵).

۶۰. رک. به بخش اول: «تفاوت معاهدات و تفاهم‌نامه‌ها»، («مجله حقوقی»، شماره ۶، ص ۹۹).

۶۱. رک. به «مجله حقوقی»، شماره ۷، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

که کلیه معاهدات و توافق‌های بین‌المللی باید به تصویب قوه مقننه برسد؛ یعنی عیناً شبیه آنچه که قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۷۷ مقرر داشته است. معذلک قوه مجریه به استناد بعضی از قوانین موضوعه و یا براساس اختیاری که از مجلس کسب می‌نموده معاهداتی را منعقد می‌کرده که به صرف امضاء لازم الاجرا می‌گردیده است.

## ب. نتایج

با ملاحظه مندرجات معاهدات فوق‌الذکر درباره نحوه لازم الاجرا شدن آنها و تصریح یا عدم تصریح به لزوم تشریفات تصویب، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. در رژیم گذشته کلیه معاهداتی که به صورت رسمی در دو مرحله، یعنی امضاء و تصویب، لازم الاجرا شده‌اند آنهایی هستند که صریحاً در متن معاهده این امر پیش‌بینی شده است. معاهده ممکن است متضمن عبارات مختلفی از قبیل اینکه «این عهدنامه برطبق قوانین جاریه هریک از طرفین به تصویب خواهد رسید»<sup>۶۲</sup> یا «رعایت تشریفات که طبق حقوق داخلی لازم است»<sup>۶۳</sup> و یا «تشریفات قانونی و سایر اموری که برای

۶۲. ماده ۱۵ عهدنامه مودت و اقامت بین ایران و اتریش مورخ ۱۷ شهریور ۱۳۳۸ مصوب ۱۳۴۴ (مجموعه قوانین ۱۳۴۴، ص ۱۴۲)؛ ماده ۱۷ موافقتنامه ایران و پاکستان راجع به سرویسهای حمل و نقل هوایی بازرگانی مورخ ۱۳۳۶/۲/۲۸: «این موافقتنامه طبق مقررات قوانین اساسی هریک از طرفین معظمین متعاهدین به تصویب خواهد رسید» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبره وزارت امور خارجه، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۳۰۶) و نیز ماده ۱۷ موافقتنامه فرهنگی ایران و ترکیه مورخ ۱۳۳۷/۱۱/۹ (همان کتاب، ص ۳۶۸).

۶۳. مانند ماده ۸ موافقتنامه همکاری فنی و علمی ایران و مراکش مورخ ۴۵/۳/۳۱: «این موافقتنامه طبق تشریفات جاری هریک از دو کشور به تصویب خواهد رسید.» (همان کتاب ج ۲، ص ۱۴۰) و ماده ۱۵ عهدنامه بازرگانی و دریانوردی ایران و هند مورخ ۲۴ آذر ۱۳۳۳: «این قرارداد به تصویب مقامات صلاحیتدار طرفین خواهد رسید و بلافاصله پس از مبادله اسناد مصوبه آن...» (ج ۲، ص ۱۷۱).

لازم الاجرا شدن آن ضروری است»<sup>۶۴</sup> باشد، که همگی دلالت بر ضرورت تصویب آن برای لازم الاجرا شدن می‌نماید.

اما در عین حال با وجود تصریح به لزوم تشریفات تصویب در متن معاهده نمی‌توان گفت که در رژیم گذشته اینگونه توافقات بین‌المللی بی‌تردید و همواره دو مرحله‌ای محسوب می‌شده‌اند؛ زیرا چه بسا برای رفع این ابهام، متعاهدین مجدداً موافقت می‌نمودند که معاهده باید به تصویب مقامات مقتنه برسد. از این قبیل است موافقتنامه اقامت و دریاوردی بین ایران و فرانسه و نیز موافقتنامه استرداد مجرمان با آن کشور که هر دو در تاریخ ۱۳۴۳/۳/۳ در تهران به امضاء رسیده و در مواد آنها (به ترتیب ماده ۱۵ و ماده ۲۱) تصریح شده است که موافقتنامه به تصویب خواهد رسید؛ معذک برای رفع هر نوع شبهه، دولتین طی یادداشت‌های مورخ ۱۰/۹/۴۴ (۲۲ اکتبر ۱۹۶۴) اعلام نموده‌اند که موافقتنامه‌های مورد بحث باید معاهده‌های رسمی تلقی شده «و به نام رؤسای کشورها که در ابتدای متن [دومعاهده] ذکر شده و به امضاء رسیده است» تنظیم شوند و لذا باید به تصویب مقامات صالحه دو کشور نیز برسند.<sup>۶۵</sup>

۲. در رژیم گذشته برغم قاعده فوق‌الذکر که بموجب آن معمولاً معاهده‌ای به تصویب می‌رسیده است که این امر صریحاً در آن پیش‌بینی شده باشد، ولی موارد متعددی را می‌توان یافت که ظاهراً متن قانون اساسی سابق که تصویب کلیه معاهدات بین‌المللی را لازم می‌دانست، رعایت شده است. این امر بویژه در مورد عهدنامه‌های مودت منعقد شده بین ایران و سایر کشورها مشاهده می‌شود. این نوع عهدنامه‌ها به عنوان معاهدات اساسی،

۶۴. مانند ماده ۱۳ موافقتنامه فرهنگی ایران و استرالیا مورخ ۳/۷/۵۳ مصوب ۲۴/۲/۵۴ (مجموعه قوانین ۱۳۵۴).

۶۵. متن دو یادداشت در کتاب مجموعه معاهدات دو جانبه معتبر (ج ۲، ص ۶۷ و ۷۱ فارسی و ۵۲ بخش فرانسوی) چاپ شده است.

تقریباً همیشه به تصویب قوه مقننه در ایران می‌رسیده است، هرچند خصوص این امر در آن پیش‌بینی نشده و نحوه لازم‌الاجرا شدن معاهده مسکوت مانده باشد؛ از این قبیل است عهدنامه مودت ایران و حجاز مورخ ۱۳۰۸/۶/۲ که با توجه به عدم ذکر تصویب و اینکه طرف متعاقد (عربستان) فاقد هرگونه قانون اساسی و پارلمان می‌باشد، معذک در تاریخ ۱۳۰۸/۱۰/۱۱ به تصویب مجلس شورای ملی وقت ایران رسیده است.<sup>۶۶</sup> شاید دلیل عمده این امر آن است که در اینگونه عهدنامه‌ها معمولاً اصل دولت کامله الوداد<sup>۶۷</sup> در رابطه با طرف متعاقد تضمین می‌گردد.<sup>۶۸</sup> بعلاوه چون اکثراً در متن اینگونه معاهدات حل اختلافات ناشی از عهدنامه‌ها توسط حکمیت یک مقام ثالث قید شده و مورد قبول طرفین قرار می‌گیرد<sup>۶۹</sup>، علیهذا تصویب معاهده توسط قوه مقننه طرفین لازم تلقی شده است (اصل ۲۴ قانون اساسی سابق).

### ۳. در رژیم گذشته تفویض اختیار از طرف مجلسین به دولت

۶۶. به همان کتاب (ج ۲، ص ۴۴) مراجعه شود.
۶۷. مانند ماده ۳ عهدنامه مودت ایران و حجاز فوق‌الذکر؛ مواد ۷ و ۱۰ و ۱۱ عهدنامه مودت و تجارت و بحر پیمانی ایران و نروژ مورخ ۸ مه ۱۹۳۰ (همان مرجع، ج ۲، ص ۱۴۸)؛ ماده ۲ عهدنامه اقامت و تجارت و بحر پیمانی ایران و سوئد ۱۳۰۸/۲/۱۰ (همان مرجع، ج ۲، ص ۳)؛ ماده ۴ عهدنامه اقامت ایران و سوئیس مورخ ۱۳۱۳/۲/۵ (ایضاً، ج ۲، ص ۱۶).
۶۸. "La clause de la nation la plus favorisée" این عبارت در زبان حقوقی و دیپلماسی دوره قاجاریه به قاعده «تبعه دول اکمل الوداد» ترجمه شده بود (سند مورخ غره رجب ۱۲۹۰ قمری مندرج در مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۳، سال ۱۳، ص ۸۶).
۶۹. حکمیت داور ثالث به تعیین رئیس دیوان داوری بین‌المللی لاهه در عهدنامه‌های مودت ایران و سوئد مورخ ۱۳۰۸/۳/۶ (مجموعه قوانین ۱۳۰۸، ص ۹۲)، ماده ۴ عهدنامه مودت ایران و سوئیس مورخ ۱۳۱۳/۲/۵ (مجموعه قوانین ۱۳۱۳، ص ۱۳۹)، ماده ۵ عهدنامه مودت ایران و فرانسه مورخ ۱۳۰۸/۲/۲۰ (مجموعه قوانین ۱۳۰۸، ص ۹۹)، ماده ۳ عهدنامه مودت ایران و هلند مورخ ۱۳۰۸/۳/۱۱ (مجموعه قوانین ۱۳۰۹، ص ۶۸)، ماده ۳ عهدنامه مودت و تجارت و بحر پیمانی ایران و نروژ مورخ ۸ مه ۱۹۳۰ (مجموعه معاهدات دو جانبه معتبر، ج ۲، ص ۱۴۶) و غیره پیش‌بینی شده است.



برای انعقاد معاهدات با دول خارجی بسیار معمول بوده و این رویه یکی از طرّقی بود که به جای تنظیم معاهده رسمی بکار گرفته می‌شد و ایران با طرف خارجی مبادرت به انعقاد یک توافق ساده با عناوین مختلف مانند تفاهم‌نامه یا مبادله یادداشت و غیره می‌نمود؛ از این قبیل است مبادله یادداشت بین ایران و کره جنوبی به تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۷۶ برای حمایت از علائم تجاری<sup>۷۰</sup> که براساس الحاق دولت ایران به کنوانسیون پاریس ۱۸۸۳ مصوّب شهریور ۱۳۳۷ راجع به حمایت از مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی تنظیم شده است، در حالیکه در مورد مشابه - یعنی موافقتنامه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۳۰ بین ایران و آلمان - به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.<sup>۷۱</sup> و نیز موافقتنامه‌های لغو روادید بین ایران و سایر کشورها<sup>۷۲</sup> که براساس اجازه مندرج در تبصره ۴۳ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۴۳ توسط هیئت وزیران تصویب شده<sup>۷۳</sup> و یا توافقه‌های بین‌المللی درباره نیابت قضائی و تعاون قضائی با سایر کشورها که بدون تنظیم یک معاهده رسمی<sup>۷۴</sup> و صرفاً به استناد ماده واحده مصوّب ۲۴ تیرماه ۱۳۰۹ (که نیابت قضائی و تعاون قضائی با سایر کشورها را براساس عمل متقابل پذیرفته) لازم‌الاجرا گردیده است.<sup>۷۵</sup>

۷۰. رک. به فهرست معاهدات معتبر با سایر دول، فوق‌الذکر.

۷۱. مصوّب ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۰۹ (مجموعه قوانین ۱۳۰۹ و راهنمای عهود... ص ۵۶).

۷۲. تبادل‌نامه درباره لغو روادید بین ایران و سوئد سال ۱۹۶۸ (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج ۲، ص ۱۲)، با سوئیس (همان کتاب، ص ۲۴)، با فرانسه مورخ ۱۴/۱۱/۴۴ (همان کتاب، ص ۷۲)، با مراکش مورخ ۴۵/۲/۳۱ (همان کتاب، ص ۱۴۱).

۷۳. مجموعه قوانین سال ۱۳۴۳، ص ۱۰۹ مندرج در «مجله حقوقی»، شماره ۷، ص ۱۴۹، پانویس ۱۱۲.

۷۴. موافقت راجع به نیابت قضائی مورخ ۱۸ خردادماه ۱۳۱۱ بین ایران و ترکیه (معدّلک معاهده جامعتری در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۳۷ به نام معاهده تعاون قضائی در مسائل حقوقی و تجاری بین ایران و ترکیه منعقد گردید که در ۱۵ خردادماه ۱۳۱۶ در ایران به تصویب رسید [راهنمای عهود... ص ۵۸]) و اعلامیه ایران و اتریش در خصوص نیابت قضائی مورخ ۱۷ شهریورماه ۱۳۳۷ پیوست عهدنامه مودت بین دولتین ایران و اتریش.

۷۵. از همین قبیل است مبادله یادداشت درباره معافیت متقابل از مالیات برشرکتهای حمل و

۴. در رژیم گذشته اختلاف بین نظام حقوقی ایران و طرف متعاقد در پاره‌ای موارد سبب می‌شد که یک معاهده در حالیکه برای یکی از متعاهدین پس از طی دو مرحله (امضاء و تصویب) لازم‌الاجرا می‌گردید، برای دیگری امضاء، تنها تشریفات قانونی لازم جهت آن محسوب می‌شد و نیازی به تصویب نبود. به همین لحاظ در بعضی از موافقتنامه‌های حمل و نقل هوائی که بین ایران و سایر کشورها منعقد می‌شد در اکثر موارد تصریح شده بود که طرف ایرانی باید آن را به تصویب مقامات صالحه برساند، ولی این تکلیف برای کشور دیگر ذکر نشده بود.<sup>۷۶</sup> البته در موافقتنامه حمل و نقل هوائی بین ایران و هندوستان به دلیل شباهت نظام حقوقی دو کشور لزوم تصویب معاهده توسط مقامات صالحه هر دو طرف پیش‌بینی شده است.<sup>۷۷</sup> بالعکس، معاهده موقت ایران و فرانسه مورخ ۱۱ مه ۱۹۲۸ با تصریح به لزوم تصویب معاهده، خاطر نشان نموده است نظر به مقررات قانون ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۷ محتاج به تصویب مجلس ایران نیست<sup>۷۸</sup>؛

→ نقل هوائی بین ایران و سایر کشورها مانند ایران و سوئد مورخ ۱۹۶۸ (مجموعه معاهدات دو جانبه معتبر، ج ۲، ص ۱۱)؛ ایران و سوئیس مورخ ۱۳۳۵/۶/۵ (ایضاً، ص ۲۳)؛ ایران و فرانسه (ایضاً، ص ۵۷)، ایران و لهستان مورخ ۱۳۴۷/۵/۲۲ (ایضاً، ص ۱۲۷).

۷۶. ماده ۱۶ موافقتنامه ایران و نروژ راجع به سرویسه‌های حمل و نقل هوائی بازرگانی مورخ ۱۳۲۹/۳/۱۰: «دولت ایران تصویب این موافقتنامه را از طرف پارلمان ایران به دولت نروژ اعلام خواهد داشت و دولت نروژ در تاریخ ابلاغ اعلامیه مذکور این موافقتنامه را قطعی و قابل اجرا تلقی خواهد کرد.» (مجموعه معاهدات دو جانبه، ج ۲، ص ۱۵۳)؛ همچنین ماده ۱۶ موافقتنامه ایران و هلند راجع به حمل و نقل هوائی مورخ ۱۳۲۸/۸/۹ (ایضاً، ص ۱۶۱)؛ ماده ۱۶ موافقتنامه ایران و نروژ راجع به سرویس هوائی مورخ ۱۳۳۴/۳/۶ (ایضاً، ص ۱۹).

۷۷. موافقتنامه حمل و نقل هوائی ایران و هندوستان مورخ ۱۳۲۹/۵/۱۹ (همان کتاب، ص ۱۷۸).

۷۸. طبق ماده ۴ معاهده موقتی بین ایران و فرانسه مورخ ۱۱ مه ۱۹۲۸ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷)، «این قرارداد موقتی به تصویب خواهد رسید و نسخ مصوبه هرچه زودتر ممکن باشد در تهران مبادله خواهد شد و تا دهم مه ۱۹۲۹ مجری خواهد بود. بدیهی است که برای ایران نظر به مقررات قانون ۱۳/۲/۱۳۰۷ (۳ مه ۱۹۲۸) ماده ۳ راجع به مقررات تعرفه گمرکی

←

معدلک این معاهده در ۱۶ دی ماه ۱۳۰۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است. همچنین موافقتنامه های بازرگانی اکثراً در دو مرحله تنظیم می شود؛ یعنی پس از امضاء به تصویب قوه مقننه نیز می رسد<sup>۷۹</sup> جز در بعضی موارد استثنائی که به محض امضاء، معتبر تلقی می شده است.<sup>۸۰</sup> بدیهی

→ محتاج به تقدیم به مجلس شورای ملی برای تصویب نخواهد بود...» (مجموعه قوانین دوره هفتم قانونگذاری ۱۳۰۷ - ۱۳۰۹، ص ۲۵۰). از طرف دیگر، بسیاری از معاهدات موقتی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است مانند معاهده موقتی ایران و فرانسه فوق الذکر، معاهده موقتی ایران و فنلاند مورخ ۲۷ آبان ماه ۱۳۱۳ مصوب ۱۳/۱۰/۱۳۱۱، معاهده موقتی ایران و اتریش مورخ ۲۷ خرداد ماه ۱۳۰۷ مصوب ۱۶/۱۰/۱۳۰۷ (مجموعه قوانین دوره هفتم، ص ۲۳۱، چاپخانه مجلس) و معاهده موقتی ایران و چکسلواکی مورخ ۲۷ خرداد ماه ۱۳۰۷ مصوب ۱۶ دی ماه ۱۳۰۷ (همان مجموعه، ص ۲۳۷). برعکس، در پاره ای دیگر از موارد نظیر معاهده موقتی ایران و دانمارک مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۲۸، ایران و عراق مورخ ۲۰ مرداد ماه ۱۳۰۸، ایران و نروژ مورخ ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۷ و ایران و سوئد مورخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ (راهنمای عهد...، ص ۳۲۸) بدون تصویب مجلس و به صرف امضاء، لازم الاجرا گردیده و در یک مورد، مجلس شورا از قبیل به دولت اجازه داده است که «بوسیله مبادله مراسله بین سفارت ایران و وزارت خارجه مصر، با دولت مصر قرارداد موقتی تجارتي مبتنی بر اجرای حقوق با دول کامله الوداد بطور معامله متقابله... با شرط امکان الغای آن... منعقد نماید.» (قانون مصوب ۲۶ دلو ۱۳۰۱ شمسی، مجموعه مصوبات ادوار سوم و چهارم قانونگذاری مجلس شورای ملی - چاپ مجلس، ۱۳۱۹، ص ۲۱۲).

۷۹. مانند موافقتنامه بازرگانی ایران و بلغارستان مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۲ که در ۱۱ مارس ۱۹۷۳ لازم الاجرا شده است؛ موافقتنامه بازرگانی با عراق مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۶۷ ماده ۷ (معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۲، ص ۳۴)؛ موافقتنامه بازرگانی و دریانوردی بین ایران و هندوستان مورخ ۱۳۳۳/۱۰/۲۴ ماده ۱۵ (ایضاً، ص ۱۷۱)؛ موافقتنامه همکاری اقتصادی با لهستان مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۶۴ ماده ۱۷ (ایضاً، ص ۱۲۲).

۸۰. مانند موافقتنامه بازرگانی با ژاپن مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۶۸ که در همان روز لازم الاجرا شده است و موافقتنامه بازرگانی با زلاندنو مورخ ۱۳۵۳/۷/۸ که در ۱۱ دی ماه همان سال لازم الاجرا شده است و موافقتنامه بازرگانی با استرالیا مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۴ که در ۱۱ نوامبر همان سال لازم الاجرا شده است (فهرست معاهدات دوجانبه فوق الذکر) و نیز موافقتنامه ایران و رومانی مربوط به همکاری اقتصادی و فنی... مورخ ۱۸ مارس ۱۹۶۷: «ماده ۴. این موافقتنامه از تاریخ امضاء بطور موقت به مورد اجرا گذاشته خواهد شد و پس از تصویب مقامات صالحه دو کشور قوت اجرایی کامل خواهد یافت.» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۱، ص ۴۲۰).

است برای این امر، مستند قانونی در اختیار مقامات و مراجع مربوط بوده است.

مشهورترین نمونه‌هایی که تفاوت در نظام حقوقی دو طرف متعاقد در نحوه تنظیم معاهده و یک مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای بودن آن مؤثر می‌باشد، مقایسه معاهداتی است که در گذشته بین ایران و ایالات متحده آمریکا منعقد شده است که از ۲۳ مورد در سال ۱۳۵۷<sup>۸۱</sup> فقط ۴ معاهده به صورت رسمی به تصویب قوه مقننه رسیده و بقیه یعنی ۱۹ مورد پس از امضاء، لازم‌الاجرا گردیده است<sup>۸۲</sup>؛ اما از میان معاهداتی که بین ایران و اتحاد شوروی در ۱۳۵۷ معتبر بوده است یعنی ۴۴ معاهده بین‌المللی<sup>۸۳</sup>

۸۱. در سال ۱۳۴۹ مجموع معاهدات بین‌المللی ایران و ایالات متحده آمریکا به ۱۳ مورد می‌رسیده است (رک. به مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۲، ص ۹۰ - ۱۱۶)؛ ولی قبل از آن در سال ۱۳۴۱ به ۱۶ مورد (راهنمای عهد...، ص ۳۵۳) و در ۱۳۲۶ قمری به یک مورد می‌رسیده است که آن هم عهدنامه تجاری ایران و آتازونی مورخ ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۷۲ بوده است (مؤتمن الملک: مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه، تهران، چاپخانه فاروس، ۱۳۲۶ قمری).

۸۲. در واقع تنها یک معاهده برای متعاهدین به صورت رسمی منعقد شده و به تصویب مقامات قانونی هر دو کشور رسیده بود (عهدنامه مؤدت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی مورخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵ مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۲۸) و سه معاهده دیگر (ماده ۲۰ موافقتنامه حمل و نقل هوایی مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۲۶، موافقتنامه همکاری راجع به استفاده‌های غیرنظامی از انرژی اتمی مورخ ۵ مارس ۱۹۷۵ و اصلاحیه آن مورخ ۸ ژوئن ۱۹۶۴) فقط از طرف مقامات ایرانی به تصویب رسیده بود. حتی اصلاحیه موافقتنامه اخیر مورخ ۱۹۶۸ طبق ماده ۹ آن در یک مرحله امضاء و لازم‌الاجرا شده بود (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج ۲، ص ۱۱۳). طرف امریکائی اکثرأ مبنای مستند قانونی خود را در متن معاهده که با امضاء لازم‌الاجرا می‌شده قید می‌نموده است مانند موافقتنامه در باب همکاری فنی مورخ ۱۳۲۹/۷/۲۷ که در مقدمه آن تصریح به قانون عمومی شماره ۵۳۵ مصوب کنگره ۸۱ شده است (مجموعه معاهدات معتبر، ج ۲، ص ۸۰).

۸۳. تعداد معاهدات ایران با شوروی در سال ۱۳۴۱ مجموعاً ۱۹ معاهده بود: ۸ معاهده رسمی و ۱۱ تفاهم‌نامه (راهنمای عهد...، ص ۳۵۵)، ولی وزارت امور خارجه ایران در سال ۱۳۳۸ در کتابچه شماره ۲ از مجموعه قراردادها راجع به شوروی هدفه معاهده ایران و شوروی را نام می‌برد که ۱۱ مورد آن به تصویب قوه مقننه ایران رسیده است. در صدر مشروطه، ایران با

←

اکثراً یعنی ۲۹ مورد معاهده به صورت رسمی به تصویب قوای مقتنه دو کشور رسیده و فقط ۱۵ مورد به صورت تفاهم نامه به صرف امضاء، لازم الاجرا شده است.<sup>۸۴</sup>

قواعد چهارگانه فوق‌الذکر که در دوره قبل از انقلاب اسلامی معمول بود تا اندازه زیادی هنوز هم مراعات می‌شود که ذیلاً به این مطلب می‌پردازیم.



دوره دوم: تصویب معاهدات از زمان استقرار جمهوری اسلامی

از بهمن ماه ۱۳۵۷ تا کنون تصویب معاهدات، دو مرحله مختلف را در حقوق و عرف سیاسی ایران طی نموده است. مرحله اول دوره انتقالی است که با تشکیل شورای انقلاب اسلامی شروع گردید. در این دوره کلیه توافقیهای بین‌المللی و حتی قراردادهای بین‌المللی که راجع به خرید و فروش سازمانهای دولتی ایران با سایر کشورها منعقد می‌شده به تصویب شورای انقلاب اسلامی می‌رسیده است.<sup>۸۵</sup> البته شورای انقلاب خصوصاً پس از استعفای دولت موقت در آبان ماه ۱۳۵۸ مستقیماً قوه اجرائیه را در اختیار داشته و لذا این قبیل مصوبات شورای انقلاب الزاماً عنوان قانونگذاری نداشته است؛ در عین حال این رویه نمایشگر این بوده که به

→ روسیه تزاری ۱۴ معاهده داشته و با کلات هم دو معاهده مرزی منعقد نموده بود که پس از مبادله اسناد تصویب، اعتبار یافته بودند (مجموعه معاهدات دولت علیّه...).

۸۴. باید در نظر داشت که تفاهم نامه‌های مذکور برای اجرای معاهده‌های رسمی منعقد شده بوده‌اند نه مستقلاً.

۸۵. مانند موافقتنامه راجع به همکاری بین شرکت صادراتی تجهیزات عمومی کُره و شرکت شیلات ایران مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۸ (مجموعه قوانین ۱۳۶۰، ص ۱۳۳)؛ قرارداد فروش خاویار به شوروی مورخ ۱۳۵۹/۱/۲۳ (مجموعه قوانین ۱۳۵۹، ص ۲۴)؛ قرارداد ساخت و تحویل سیگار تصویب ۱۳۵۹/۴/۲۵ (مجموعه قوانین ۱۳۵۹، ص ۴۶۵)؛ موافقتنامه حمل و نقل بین‌المللی زمینی بین ایران و ترکیه مورخ مهرماه ۱۳۵۸ (مجموعه قوانین ۱۳۵۹، ص ۳۷).

لحاظ افکار عمومی اصولاً تمایل زیادی به محدود نمودن اقتدارات مسئولان اجرائی در انعقاد توافقیهای بین المللی و حتی قراردادهای بین المللی وجود داشته است.

مرحله دوم از تشکیل مجلس شورای اسلامی در خردادماه ۱۳۵۹ آغاز می شود که از آن تاریخ تا کنون که این مقاله تحریر می شود (مهر ۱۳۶۷) حدود ۲۵ معاهده رسمی تنظیم شده است که این معاهدات پس از امضای مقدماتی جهت تصویب به مقامات قانونگذاری ارائه شده یا خواهد شد. برخی از آنها پس از مبادله اسناد تصویب لازم الاجرا گردیده و برخی دیگر به علل مختلف هنوز مورد مبادله اسناد قرار نگرفته است.

از طرف دیگر حدود ۱۸۰ مورد توافقیهای ساده به عنوان یادداشت تفاهم و امثال آن تنظیم و بوسیله مسئولان اجرائی امضاء گردیده و مورد اجرا قرار گرفته است.

معاهدات رسمی، یعنی گروه نخست، تقریباً در تمامی موارد حاوی ماده ای هستند که لزوم تصویب معاهده را پیش بینی می نماید.<sup>۸۶</sup> اما در نقطه مقابل معمولاً تفاهم نامه ها هیچگونه مقرراتی نسبت به نحوه لازم الاجرا شدن آن دربر ندارند و این امر به سکوت برگزار شده است. تنها گزینه ای که در این مورد برای لازم الاجرا شدن توافق بین المللی پس از امضاء (به صورت یک مرحله ای) وجود دارد، علاوه بر نامگذاری و سایر مشخصاتی که از نظر شکلی مشهود است، تصریح به این است که از تاریخ

۸۶. مانند موافقتنامه همکاری اقتصادی، علمی و فنی بین ایران و لیبی مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۳۰ (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۸۴)؛ موافقتنامه فرهنگی، هنری و فنی بین دولت ایران و دولت الجزایر مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۶ (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۸۹)؛ موافقتنامه فرهنگی ایران و سوریه مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲ (مجموعه قوانین ۱۳۶۳، ص ۲۵۳)؛ پروتکل در مورد مبادلات کالا بین دولتین ایران و سوریه برای سالهای ۱۹۸۲ - ۱۹۹۱ (مجموعه قوانین ۱۳۶۲، ص ۱۷۲). ماده ۱۳ موافقتنامه فرهنگی بین ایران و غنا مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۳ مصوب ۱۳۶۶/۶/۳۱ مجلس شورای اسلامی، همانند معاهدات فوق الذکر تصریح نموده است: «طرفین متعاهدین موافقتنامه حاضر را طبق قوانین داخلی خود به تصویب می رسانند...».

امضاء، معتبر و لازم الاتباع خواهد شد. بطور اجمال می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در رویه فعلی تنها زمانی یک توافق بین‌المللی، معاهده رسمی تلقی می‌شود و تشریفات تصویب آن ضرورت پیدا می‌نماید که این امر صریحاً در آن پیش‌بینی شده باشد. برعکس، در صورت سکوت، معمولاً متن امضاء شده به منزله تفاهم‌نامه تلقی خواهد گردید. البته مطالعه نحوه تصویب معاهدات در مجلس شورای اسلامی قبلاً مورد بحث قرار گرفته است و در اینجا به لحاظ اهمیتی که شناخت سیستم حقوقی کشورهای طرف معاهده با ایران دارا می‌باشد، ذیلاً به مطالعه تطبیقی در این زمینه می‌پردازیم.

● بحث سوم:

### مطالعه تطبیقی تصویب معاهدات در نظامهای مختلف حقوقی

در حقوق ایران هرگاه صحبت از تصویب معاهده به میان می‌آید — چنانکه در ابتدای این فصل گفتیم — مقصود تصویب مجلس شورای اسلامی و بعد تأیید شورای نگهبان و در آخر امضای رئیس‌جمهور است (در رژیم سابق تصویب مجلسین و سپس توشیح شاه). اما در سایر کشورها روشهای گوناگونی راجع به نحوه تصویب معاهدات وجود دارد که ذیلاً به مطالعه آنها می‌پردازیم. حقوق بین‌الملل اصولاً تعیین مقامی را که برای تصویب معاهده صالح است به قانون اساسی هر کشور و یا مقرراتی که متعاهدین بر آن توافق نموده‌اند، واگذار می‌کند و این امر چه در مورد دولتها و چه در مورد سازمانهای بین‌المللی صادق است.

در اینجا نخست به بررسی نحوه تصویب معاهدات در کشورها (عنوان اول) و سپس در سازمانهای بین‌المللی (عنوان دوم) می‌پردازیم.

□ عنوان اول:

### تصویب معاهده در کشورهای مختلف

از نظر تطبیقی می‌توان تصویب معاهدات را در حقوق اساسی کشورهای مختلف به سه گروه تقسیم نمود. در گروه نخستین تنها رئیس کشور یا پادشاه، یعنی در واقع قوه اجرائیه، صلاحیت انحصاری تصویب معاهدات را برعهده دارد (نوع اول)؛ در گروه دوم قوه مقننه و پارلمان واجد صلاحیت انحصاری مذکور است (نوع دوم)، و بالاخره در گروه سوم تصویب برخی از معاهدات برعهده قوه مقننه و بعضی دیگر در اختیار قوه مجریه قرار دارد (نوع سوم).

نوع اول:

#### صلاحیت انحصاری قوه مجریه در تصویب معاهدات

این روش در اکثر کشورهای پادشاهی در گذشته معمول بوده است. در ایران قبل از مشروطه (قانون اساسی ۱۳۲۴، اصل ۲۲ و متمم آن، اصل ۵۲)، در فرانسه در دوره امپراتوری دوم، یعنی حکومت ناپلئون سوم (قانون اساسی ۴ ژانویه ۱۸۵۲، ماده ۶)، در ژاپن تا قبل از تشکیل پارلمان (قانون اساسی ۱۱ فوریه ۱۸۸۹) و در آلمان هیتلری و ایتالیا فاشیست، تنها قوه مجریه و رئیس کشور صلاحیت تصویب معاهدات را برعهده داشته‌اند.

در تاریخ ایران هرچند علی‌الاصول تصویب معاهدات در صلاحیت پادشاه وقت قرار داشته است، ولی در پاره‌ای از موارد به علت اختلاف نظر بین پادشاه و رجال یا رجال قدرتمند رژیم، معاهده‌ای را که پادشاه رسماً تصویب نموده بود، قدرت قانونی خود را از دست می‌داده و منتفی می‌شده است مانند مخالفت طهماسب‌قلی خان (نادرشاه بعدی) با تصویب معاهده مورخ ۱۱۴۳ قمری که توسط محمدرضا عبدالله‌لو و راغب افندی به ترتیب نمایندگان پادشاه ایران (طهماسب میرزای صفوی) و خلیفه عثمانی در بغداد



منعقد شده بود، که سرانجام همین مخالفت سبب گردید معاهده مذکور منتفی گردد.<sup>۸۷</sup>

نوع دوم:

صلاحیت انحصاری قوه مقننه در تصویب معاهدات

این رویه بیشتر در کشورهایی که در آنها حکومت و قدرت در اختیار پارلمان است دیده می‌شود. در ترکیه پس از تشکیل جمهوری (قانون اساسی ۲۰ آوریل ۱۹۲۴، ماده ۲۶) تا هنگام کودتای ۱۹۶۰ انعقاد و تصویب معاهدات انحصاراً در اختیار مجمع کبیر ملی آنکارا قرار داشت. همچنین در اتحاد شوروی طبق نخستین قانون اساسی مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۲۳ تصویب معاهدات در صلاحیت انحصاری کنگره شوراها که عالی‌ترین ارگان کشور است قرار داشت<sup>۸۸</sup>، که در فاصله اجلاس کنگره نیز کمیته

۸۷. رک. به جهانگشای نادری (تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی، چاپ انجمن آثار ملی، تصحیح عبدالله انوار، ۱۳۴۱، ص ۱۷۳): «در بیان مصالحة شاه طهماسب با امنای دولت عثمانی و فسخ آن از جانب حضرت ظلّ اللّهی». نویسنده متن بیانیه‌ای را که به امضای نادر میرزا به ولایات ایران ارسال شده و در آن دلایل عدم تصویب معاهده با عثمانی تشریح شده است ذکر می‌کند: «... در خلال این احوال که از انجام مهمّ فراغی حاصل و سرکشان حدود خراسان راتیبیه کامل فرموده بودیم، نوشته عالیجاه محمد رضا خان عبدالله لورسید مشعر براینکه فیما بین او و اولیای دولت عثمانی چنین قرار یافته که ممالک آن طرف رود ارس به روس و این طرف به قزلباش تعلق داشته باشد. الحقّ این مصالحة در نظر ما حکم نقش بر آب و موج سراب دارد، زیرا که مقصد اصلی، استخلاص اسرای ایران است که مطلقاً به آن نپرداخته... چون صلح مزبور مغایر رضای جناب سبحانی و مخالف مصلحت ابد مدت خاقانی بود؛ لهذا به عزّ امضاء مقرون نفرمودیم...» (ص ۱۷۵ و ۱۷۷). همچنین در این زمینه به کتاب تاریخ مفضل ایران (تألیف پیرنیا و اقبال آشتیانی، ط تهران، ص ۷۱۸) مراجعه شود.

۸۸. در بعضی از کنوانسیونهای بین‌المللی مانند پروتکل لیتوانف مربوط به تحریم جنگ مورخ ۹ فوریه ۱۹۲۷ مصوّب ۱۴ فروردین ۱۳۰۸ مجلس شورای ملی در مقدمه آن در کنار نام پادشاهان و رؤسای جمهور، «کمیته اجرائیه مرکزی اتحاد جماهیر شوروی» ذکر شده است (مجموعه هدایتی، ص ۵۶). همچنین است معاهده تعریف تجاوز مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۳۳ مصوّب ۱۳۱۲/۴/۱۲ (مجموعه هدایتی، ص ۱۳۱).

اجرائی مرکزی این وظیفه را عهده دار بود؛ اما در قانون اساسی ۴ دسامبر ۱۹۳۶ (ماده ۴۹) این صلاحیت به پرزیدیم شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی واگذار شد.<sup>۸۹</sup> همین رویه در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی نیز رایج است.<sup>۹۰</sup>

نوع سوم:

صلاحیت مشترک قوه مقننه و قوه مجریه در تصویب معاهدات

اکثر کشورهایی که به روش دموکراسی غربی اداره می‌شوند، هم پارلمان و هم رئیس قوه مجریه هر دو صلاحیت اخذ تصمیم نسبت به تصویب معاهده بین‌المللی را دارا هستند. این صلاحیت در کشورهای اروپای غربی بعضاً در اختیار پارلمان قرار دارد (۱)، ولی در کشورهای امریکای لاتین و تا حدی در ایالات متحده آمریکا عمدتاً در اختیار رئیس جمهور است (۲).

## کشورهای اروپای غربی

قاعده اصلی که در این کشورها راجع به تفکیک صلاحیت بین پارلمان و رئیس کشور نسبت به تصویب معاهده وجود دارد، از قانون اساسی بلژیک مورخ ۷ فوریه ۱۸۳۱ (ماده ۶۸) اقتباس شده است. قانونهای اساسی فرانسه (۱۸۷۵، ۱۹۴۶ و ۱۹۵۸)، انگلیس، سویس و... نیز عیناً از قانون اساسی بلژیک پیروی نموده است. در این روش،

۸۹. قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۴۷ در ماده ۴۹ تصریح نموده است: «هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی عهدنامه‌های بین‌المللی اتحاد جماهیر شوروی را تصویب و فسخ می‌کند» (از انتشارات اداره نشریات به زبانهای خارجی، مسکو، ۱۹۴۷).

۹۰. شارل روسو: حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۱، ص ۹۴، شماره ۶۹.

معاهدات به دو گروه تقسیم می‌شوند: اول، آنها که کسب موافقت قوه مقننه برای تصویبشان ضروری است و دوم، توافقهائی که رئیس قوه مجریه خود مبادرت به تصویب آنها می‌نماید.<sup>۹۱</sup>

قبل از بررسی روش کشورهای که از این سیستم تبعیت می‌نمایند - یعنی بلژیک، فرانسه، انگلیس و سویس که ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرند - لازم به یادآوری است که قانون اساسی پاره‌انی از کشورهای اروپای غربی صلاحیت بررسی پارلمان را بر کلیه معاهدات تعمیم داده و لذا قوه مجریه را ملزم نموده است که انعقاد هرگونه معاهده با دولت خارجی را به تصویب پارلمان برساند. از این قبیل است قانون اساسی هلند متعاقب تغییرات ماده ۶۰ آن در سال ۱۹۲۲ و نیز قانون اساسی ترکیه طبق قانون مورخ ۳۱ مه ۱۹۶۳ آن کشور.

نمونه یکم. تصویب معاهدات در بلژیک:

در قانون اساسی بلژیک، اصل در تنظیم و انعقاد معاهدات، صلاحیت عمومی قوه مجریه (پادشاه) است. به همین دلیل بند اول اصل ۶۸ قانون اساسی بلژیک مورخ ۷ فوریه ۱۸۳۱ تصریح می‌نماید: «پادشاه... معاهدات صلح، اتحادیه‌های بین‌المللی و بازرگانی را تنظیم و منعقد می‌نماید و هرگاه منافع و امنیت کشور اجازه دهد آن را بفوریت به آگاهی مجلسین می‌رساند و به پیوست آن اسناد ضروری و مناسب را ایفاد خواهد نمود.»

در بند دوم همان اصل آمده است: «معاهدات بازرگانی و آنها که بر [بودجه] دولت تحمیلاتی ایجاد خواهند نمود و یا بر اتباع بلژیک التزاماتی خواهند نهاد، تنها پس از اینکه مورد موافقت مجلسین قرار گیرند، اعتبار خواهند داشت.»

۹۱. همچنانکه قبلاً در «مجله حقوقی» (شماره ۷، ص ۱۲۳ و ۱۲۴) بتفصیل بیان شده است قانون اساسی مشروطه ایران از این سیستم پیروی نموده بود.

و بالاخره در بند سوم آن آمده است: «هرگونه واگذاری، مبادله و الحاق اراضی تنها باوضع یک قانون امکان دارد. در هیچ موردی مواد محرمانه یک معاهده نمی‌تواند ناقض مواد آشکار آن باشد.»

از نظر حقوقدانان معاصر دو بند اخیر که تصویب معاهده را منوط به نظر قوه مقننه می‌نمایند باید به نحو مضیق و محدود مورد تفسیر قرار گیرند.<sup>۹۲</sup> بنابراین اصل عدم لزوم ارائه معاهدات به قوه مقننه برای تصویب است جز در مواردی که صراحتاً قانون اساسی موافقت پارلمان را لازم می‌داند.

بطور خلاصه طبق حقوق اساسی بلژیک کلیه معاهدات را قوه مجریه تنظیم می‌کند و پس از امضای پادشاه (در واقع پس از تأیید هیئت وزیران) اسناد تصویب آن با طرف خارجی مورد مبادله قرار می‌گیرد. بنابراین تنها در یک مورد موافقت قبلی پارلمان ضروری است و آن هم انتقال، مبادله و یا الحاق یک سرزمین یا اراضی آن به بلژیک و یا برعکس می‌باشد (بند ۳ از اصل ۶۸ قانون اساسی).<sup>۹۳</sup> پاره‌ای دیگر از حقوقدانان بلژیکی تفاوتی بین بندهای ۲ و ۳ اصل مذکور قائل نیستند و در هر دو مورد موافقت پارلمان را ضروری می‌دانند، ولی معتقدند که تهیه یک قانون و انجام تشریفات مربوط به آن اختصاص به بند سوم یعنی انتقال اراضی کشور دارد و در سایر معاهدات که قانون اساسی موافقت قوه مقننه را لازم می‌داند صرف تنظیم یک قطعنامه ساده کفایت می‌کند.<sup>۹۴</sup>

بطور کلی قانون اساسی بلژیک در این مورد در عمل به نحوی تفسیر می‌شود که دست قوه مجریه تا اندازه زیادی باز باشد. از این نظر دولت می‌تواند در پاره‌ای از شرایط یک معاهده را محرمانه تلقی نماید و محتوای آن را فاش نسازد. تنها محدودیتی که بنا به گفته یکی از شارحان موجود

۹۲. رک. به کتاب استاد روبرت سنل: R.Senelle تحت عنوان شرح قانون اساسی بلژیک (La Constitution belge Commentée) از انتشارات وزارت امور خارجه بلژیک،

۱۹۷۶، ص ۲۳۹ به بعد.

۹۳. R. Senelle, op. cit.

۹۴. Y. Masquelin: Le droit des traités dans l'ordre juridique et dans la pratique diplomatique belge, Bruxelles 1980 n° 188 et s.

می باشد این است «که مواد محرمانه یک معاهده نباید معارض مواد آشکار آن باشد»<sup>۹۵</sup> (مقایسه شود با اصل ۵۳ متمم قانون اساسی سابق ایران). از همه مهمتر اینکه در مواردی که قانون اساسی اراده معاهده به مجلسین را مقرر نموده است (معاهدات بازرگانی، معاهداتی که بر بودجه دولت تأثیر می گذارد، و معاهداتی که بر حقوق فردی اتباع بلژیک مانند ازدواج و سایر مسائل احوال شخصیه آنها در روابط بین المللی تأثیراتی داشته باشد) عدم موافقت مجلسین تأثیری در اعتبار معاهده نخواهد داشت.<sup>۹۶</sup> به عبارت دیگر، اخذ موافقت مجلسین فقط از وظایف قانونی قوه مجریه است و نه شرط اعتبار معاهده. از آن مهمتر حتی در مورد معاهداتی که بر حقوق فردی اتباع بلژیک تأثیر می نهد، یعنی در واقع موجب تغییر قانون داخلی می گردد، پاره ای از نویسندگان معتقدند که قوه مجریه می تواند به استناد بند ۱ اصل ۶۸ قانون اساسی بلژیک رأساً اخذ تصمیم نماید و اینگونه معاهدات را به تصویب برساند و اسناد آن را با دولت خارجی مبادله نماید.<sup>۹۷</sup>

#### نمونه دوم: تصویب معاهدات در فرانسه بوسیله پارلمان

در این کشور رئیس جمهور تصویب کلیه معاهدات را برعهده دارد<sup>۹۸</sup>، ولی در بعضی موارد که قانون اساسی معین نموده است موافقت پارلمان برای انجام تصویب ضرورت دارد. اصل ۵۳ قانون اساسی فعلی

95. R.Senelle, op. cit.

۹۶. روبرت سنل، همان کتاب، ص ۲۴۰: «سایر معاهدات نیاز به موافقت مجلسین دارد بدون اینکه این موافقت تأثیری در اعتبار آنها داشته باشد.»

۹۷. روبرت سنل، همان کتاب، ص ۲۴۱: «با تکیه بر تفسیر مضیق قانون اساسی، نویسندگان در نهایت امر پذیرفته اند که پادشاه می تواند به تنهایی با استناد به بند یک (اصل ۶۸ قانون اساسی) اقدام نماید؛ چون مستثنیات آن که در بندهای بعدی آمده اند باید به نحو محدود مورد تفسیر قرار گیرند.»

۹۸. نمونه ای از فرمان رئیس جمهور دایر بر تصویب یک معاهده را می توان در ترجمه فارسی جلد اول کتاب شارل روسو که توسط آقای دکتر محمدعلی حکمت به نام حقوق بین الملل عمومی ترجمه شده است ملاحظه کرد.

فرانسه مورخ ۴ اکتبر ۱۹۵۸ (مشابه ضوابطی که در قوانین اساسی قبلی ۱۸۷۵ و ۱۹۴۶ پیش‌بینی شده و در اصل از قانون اساسی ۱۸۳۱ بلژیک که فوقاً بیان شد اقتباس نموده است) مقرر می‌دارد: «معاهدات صلح، معاهدات بازرگانی، معاهدات یا موافقتنامه‌های مربوط به سازمان بین‌المللی و آنها که برای بودجه و محاسبات دولتی تعهدآورند و نیز آنهایی که مقررات واجد طبیعت قانون را تغییر می‌دهند و یا مربوط به احوال شخصیه بوده و یا حاوی واگذاری، مبادله یا الحاق سرزمین هستند مورد تصویب و تأیید واقع نمی‌شوند مگر طبق قانونی که در پارلمان تصویب شده باشد.»

از اصل فوق می‌توان نکات زیر را استنتاج نمود:

اولاً، از مقایسه اصطلاحات مذکور در صدر این اصل معلوم می‌شود که جز در مورد توافقیهای مربوط به صلح و بازرگانی که منبعاً باید به صورت معاهده رسمی<sup>۹۹</sup> منعقد شود، در بقیه موارد می‌توان بر حسب شرایط، موافقتنامه را یا به شکل معاهده رسمی و یا به صورت یک موافقتنامه ساده (تفاهم‌نامه) تنظیم نمود. در این صورت، تصویب معاهده توسط رئیس‌جمهور پس از موافقت پارلمان انجام می‌شود و تصویب موافقتنامه ساده با تأیید بعدی قوه مقننه صورت می‌پذیرد.<sup>۱۰۰</sup>

ثانیاً، اگر در قانون اساسی قبلی (مورخ ۱۹۴۶) کلیه معاهداتی که مقررات داخلی اعم از بخشنامه‌ها و آئیننامه‌های دولتی را تغییر می‌دادند نیاز به تصویب قوه مقننه می‌داشت، قانون اساسی فعلی (۱۹۵۸) تنها معاهده رسمی و یا موافقتنامه ساده‌ای که مقررات قانونی داخلی را تغییر می‌دهند محتاج به تصویب می‌داند. به عبارت دیگر، رئیس‌جمهور فرانسه می‌تواند به تنهایی معاهده‌ای را تصویب نماید که آن معاهده مقررات قانونی را که پارلمان در سالهای قبل از ۱۹۵۸ تصویب نموده است نقض نماید،

99. traité

۱۰۰. شارل روسو: حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ پاریس، ۱۹۷۰، ج ۱، ص ۱۰۶، شماره ۷۷.

مشروط بر اینکه مقررات مذکور فاقد «طبیعت قانونی» باشند و به منزله مقررات اجرائی تلقی گردند.

در عین حال، اصل ۵۳ قانون اساسی فرانسه نکات مبهمی دارد که تفسیر و اجرای آن را مشکل نموده است از جمله اینکه معلوم نیست چه نوع توافقیهای بین المللی مربوط به بودجه و محاسبات دولتی و یا سایر مواردی که تا آخر اصل ۵۳ ذکر شده مورد نظر بوده است. آیا مقصود تنها معاهدات رسمی است و یا اینکه موافقتنامه های ساده را نیز شامل می گردد؟ به عبارت دیگر، ضمیر «آنها»<sup>۱۰۱</sup> که در وسط و نیز انتهای اصل ۵۳ چندین بار تکرار شده تنها به «معاهدات» در صدر اصل مذکور معطوف است و یا به عبارت بعدی یعنی «معاهدات و موافقتنامه ها» نیز برمی گردد؟ دیگر آنکه اصل ۵۳ قابل انتقاد است؛ چون ممکن نیست توافقیهای انجام شده بین دو یا چند کشور و در مسائل بازرگانی را انحصاراً به صورت معاهده رسمی تنظیم نمود. در غالب موارد، این نوع توافقیهای بین المللی به صورت تفاهم نامه — مثلاً یادداشت تفاهم یا ترتیبات یا پروتکل و غیره — تنظیم می شوند. در نقطه مقابل، بعید است که انتقال قسمتی از سرزمین کشور در سندی بجز معاهده رسمی انجام پذیرد. از طرف دیگر، «معاهده مربوط به حقوق مالکیت اتباع فرانسه در خارج» که طبق قانون اساسی ۱۸۷۵ الزاماً می باید به تصویب پارلمان می رسد، در شرایط فعلی می تواند به صورت یک موافقتنامه ساده اجرائی منعقد شود.<sup>۱۰۲</sup> لازم به یادآوری است که این رویه معارض است با قاعده ای که طبق آن فقط از طریق تصویب یک قانون می توان در فرانسه محدودیتی به حقوق مالکیت اشخاص وارد نمود (ماده ۳۴

#### 101. ceux qui

۱۰۲. مانند موافقتنامه های منعقد شده بین فرانسه و جمهوری متحده عربی (مصر و سوریه) در ۲۲ اوت ۱۹۵۸ راجع به جبران خسارات ناشی از سلب مالکیت و مصادره اموال و نیز موافقتنامه مورخ ۹ فوریه ۱۹۵۹ بین فرانسه و رومانی و ۱۲ ژوئیه ۱۹۶۳ بین فرانسه و یوگسلاوی و ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۶ بین فرانسه و جمهوری عربی متحده (مصر) و ۱۶ مارس ۱۹۶۷ بین فرانسه و کوبا راجع به جبران خسارت مصادره اموال.

قانون اساسی ۱۹۵۸).

بجز موارد فوق الذکر که پارلمان فرانسه در تأیید معاهدات مداخله می‌نماید، تصویب معاهدات در پاره‌ای از موارد ممکن است به همه‌پرسی عمومی نهاده شود. در سیستم کنونی حقوق اساسی فرانسه رئیس‌جمهور می‌تواند تصویب معاهده‌ای را که «تأثیراتی بر عملکرد سازمان دولتی ایجاد می‌نماید»، هرچند تعارضی با قانون اساسی نداشته باشد، به فراندژم بگذارد.

نمونه سوم: تصویب معاهدات در انگلیس

● الف. نخستین ضابطه در حقوق انگلیس برای تفکیک معاهدات رسمی که نیاز به انجام تشریفات وضع قانون و تأیید پارلمان دارد، از توافقی‌های دیگر بین المللی که تأیید آن در صلاحیت پادشاه یعنی قوه مجریه می‌باشد مبتنی است بر تمیز بین موضوعاتی که داخل در صلاحیت انحصاری قوه مجریه است از مواردی که نیاز به وضع قانون دارد. از نمونه‌های بارز موارد اجرائی و صلاحیت انحصاری قوه مجریه توافقی‌های بین المللی مرتبط با مسائل نظامی و جنگی است که با کشور یا کشورهای خارجی منعقد می‌گردد. ۱۰۳ به همین دلیل است که اعلامیه پاریس ۱۸۵۶ در زمینه نحوه عملیات جنگی و یا کنوانسیونهای صلح لاهه مورخ ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ در زمینه حقوق جنگ، در انگلیس با تصویب پادشاه، یعنی هیئت وزیران و بدون ارائه یا تصویب پارلمان، لازم الاجرا گردیده‌اند ۱۰۴ و نیز بیانیه وزیر امور خارجه آن کشور درباره اعلام جنگ با

۱۰۳. مک‌نایر: حقوق معاهدات، ط لندن، ص ۸۹ و مواردی که ذکر کرده است.

۱۰۴. در ایران کنوانسیونهای مذکور در همان روز تنظیم، یعنی ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، بوسیله نماینده دولت ایران پرنس ارفع الدوله به امضاء رسید؛ ولی بعداً به مجلس ارائه نشده است. اسامی کنوانسیونها به این قرار می‌باشد: کنوانسیون راجع به تسویه مسالمت‌آمیز اختلافات بین المللی؛ کنوانسیون راجع به تهدید استعمال قوه مجریه برای مطالبه قروض؛ کنوانسیون راجع به شروع خصومت؛ کنوانسیون راجع به رسوم و قوانین جنگ بری و نظامنامه مربوط به



آلمان بدون تصویب پارلمان مورد تبعیت محاکم قرار گرفته است. ۱۰۵  
برعکس، کنوانسیون شماره ۱۲ صلح لاهه ۱۹۰۷ «راجع به تأسیس دیوان  
بین‌المللی غنائم» چون موجب تجدید نظر در احکام دادگاههای انگلیس  
توسط یک دیوان بین‌المللی می‌گردید، نیاز به تصویب پارلمان داشت، که  
بدین لحاظ به مجلس عوام انگلستان ارائه گردید، ولی به تصویب نرسید و  
رد شد.

بدین ترتیب، هر چند تصویب معاهده بین‌المللی در انگلیس غالباً  
در صلاحیت قوه مجریه قرار دارد، ولی چنانچه در نتیجه امضای آن تغییری  
اساسی در حقوق داخلی یا حقوق شهروندان ایجاد گردد، معاهده باید قبلاً  
به تصویب پارلمان برسد. البته این قاعده بطور مطلق عمومیت ندارد.  
فی‌المثل در مورد توافقات بین‌المللی که برای جبران خسارات اتباع  
انگلیس در کشورهای خارج بدون تصویب پارلمان منعقد گردیده است  
(مانند موافقتنامه‌های منعقد شده بین انگلیس با کشورهای چکسلواکی در  
۱۹۴۹، بلغارستان در ۱۹۵۵، مجارستان در ۱۹۵۶، لهستان در ۱۹۵۴ و  
یوگسلاوی در ۱۹۴۸) هر چند مبالغی که به اتباع انگلیسی به عنوان جبران  
مصادره و ملی شدن اموالشان پرداخت شده کمتر از مطالبات ادعائی آنها  
بوده ولی چون به عنوان حدّا کثر مبلغی بوده است که از نظر قوه مجریه انگلیس  
قابل وصول از دولتهای خارجی بوده و در واقع تصویب پارلمان انگلیس فقط

→ آن؛ کنوانسیون راجع به وظایف و حقوق دول و اشخاص بیطرف در صورت بروز جنگ  
بحری؛ کنوانسیون راجع به وضع کشتیهای تجارتي دشمن در ابتدای جنگ؛ کنوانسیون راجع  
به تبدیل کشتیهای تجارتي به کشتیهای جنگی؛ کنوانسیون راجع به مینهای دریائی که به  
محض تصادم منفر می‌شود؛ کنوانسیون راجع به بمباردمان از طرف قوای بحری در موقع  
جنگ؛ کنوانسیون راجع به اجرای اصول مندرج در کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو راجع به جنگ  
بحری؛ کنوانسیون راجع به بعضی تحدیدات در اجرای حق اسارت در جنگ بحری؛  
کنوانسیون راجع به تأسیس یک دیوان بین‌المللی غنائم؛ کنوانسیون راجع به حقوق و تکالیف  
دول بیطرف در جنگ بحری (رک. به راهنمای عهد و...، ص ۳۷۷).

۱۰۵. رأی مجلس لردها در قضیه Rex v. Bothill (1947) K.B. 41

می‌توانسته جنبهٔ صوری داشته باشد، لهذا موافقتنامه‌های مذکور تنها با تأیید قوهٔ مجریه لازم الاجرا شده است.<sup>۱۰۶</sup>

در زمینهٔ روابط دیپلماتیک و کنسولی، پس از اینکه مدتها تصویب معاهدات راجع به این نوع روابط انگلیس در صلاحیت قوهٔ مجریه تلقی می‌شد<sup>۱۰۷</sup>، برای نخستین بار کنوانسیون وین ۱۹۶۱ (راجع به روابط دیپلماتیک) از طریق یک مصوبهٔ قانونی به حقوق داخلی انگلیس وارد شد و در آن ادغام گردید و به صورت لازم الاجرا در آمد.<sup>۱۰۸</sup> بدین ترتیب منبسط کلیهٔ معاهدات راجع به روابط دیپلماتیک و کنسولی باید به تصویب پارلمان انگلیس برسد؛ اما در عین حال همچون گذشته اجرای سیاست خارجی یا پذیرش نمایندگان سیاسی یا کنسولی خارجی و نیز شناسائی مصونیت آنان از صلاحیتهای ویژهٔ قوهٔ مجریه است و محاکم قضائی انگلیس باید از آنها تبعیت نمایند.<sup>۱۰۹</sup>

● ب. دومین ضوابطه در حقوق انگلیس برای تصویب معاهده در پارلمان تصریح مندرجات معاهده به ضرورت این امر است. نمونهٔ کلاسیک این نوع معاهدات، موافقتنامهٔ بازرگانی بین انگلیس و پرتغال مورخ ۱۹۱۴ می باشد که در مادهٔ ۱۷ آن تصریح شده لازم الاجرا شدن مقررات مندرج در مادهٔ ۶ آن (یعنی ضرورت حمایت از نام برخی فراورده‌های پرتغال) موقوف به تصویب آن در پارلمان انگلیس است. به همین دلیل پارلمان انگلیس قانونی را به تصویب رسانید<sup>۱۱۰</sup> که در نتیجهٔ آن ورود فراوردهٔ کشور دیگری به انگلیس با استفاده از عناوین خاص رایج برای فراورده‌های الکلی در پرتغال ممنوع و جرم تلقی شده است.

۱۰۶. رک. به مقالهٔ N.H. Moller: "Compensation for British Owner Foreign Interests"

مندرج در Transaction of Grotius Society ج ۴۴، سال ۱۹۵۹، ص ۲۲۳ به بعد.

۱۰۷. مک نایر: حقوق معاهدات، ص ۹۲، ۱۰۵ و ۱۰۶.

۱۰۸. رک. به قانون The Diplomatic Immunity Act, 1964

۱۰۹. رک. به قضیهٔ Krajina v. Tass Agency (1949) 2 A 11 E.R. 272 (C.A.)

110. Anglo-Portugueses Commercial Treaty Act, 1914.

در اینگونه موارد ممکن است موافقت پارلمان انگلیس به صورت تدوین یک مصوبه قانونی اعلام شود و یا ممکن است به شکل تصویب یک قطعنامه پارلمان انجام گردد. از طرف دیگر، طبق رویه جدیدی که از سال ۱۹۲۴ در انگلستان معمول شده و اجرا می‌گردد، متن معاهدات امضاء شده با کشورهای خارجی در مدت سه هفته در اختیار دو مجلس (عوام و لردها) قرار می‌گیرد تا بدین طریق نمایندگان دو مجلس در جریان مذاکرات قرار گیرند و بحث و بررسی پارلمان بهسوی انجام پذیرد. هرچند این رویه در ابتدا منحصر به معاهداتی بوده که باید به تصویب پارلمان برسد ولی هم‌اکنون عملاً به کلیه توافقاتی بین المللی که انگلیس امضاء می‌نماید تعمیم یافته است و بنا به تقاضای فقط یک نماینده درباره آن بحث انجام خواهد شد. به عنوان مثال، متن موافقتنامه مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۶۲ بین فرانسه و انگلیس راجع به تولید هواپیماهای غیر نظامی مافوق صوت کنکورده را که ضرورتی به تصویب پارلمان انگلیس نداشت دولت به مجلس عوام ارائه داد و بنا به تقاضای یکی از نمایندگان مورد بحث و بررسی مفصل قرار گرفت و بدین ترتیب تأیید کلیه احزاب موجود در پارلمان را به دست آورد. ۱۱۱ همچنین معاهده منعقد شده بین دوازده کشور عضو جامعه اروپائی در ۱۹۸۵ به نام سند واحد اروپائی ۱۱۲ بدون تصویب پارلمان انگلیس فقط جزء اسناد Command paper در پارلمان منتشر و سپس لازم الاجرا گردید. ۱۱۳

۱۱۱. Treaty Series n°3 (1963) (Cmnd. 1976).

رک. به مقاله D.Lasok تحت عنوان The Concord Agreement در مجله Law Journal مورخ ۱۲ فوریه ۱۹۶۴.

#### 112. Single European Act

۱۱۳. رک. به سالنامه بریتانیائی حقوق بین الملل B.Y.I.L در سال ۱۹۸۶، ص ۵۵۶. در این مورد یکی از اعضای مجلس لردها به اقدام وزارت امور خارجه انگلیس انتقاد نموده و اظهار داشته است: «امضاء مترادف تصویب نیست. تصویب اقدام جداگانه ای است که طبق قوانین اساسی انگلیس چنانچه وضع قانون لازم باشد تصویب معاهده پس از وضع آن انجام می‌شود و این معاهده یکی از آن موارد است». وزیر خارجه انگلیس در پاسخ کتبی مورخ ۱۴

● ج. سوّمین ضابطه در حقوق انگلیس برای مداخلهٔ پارلمان در تدوین معاهدات بین‌المللی، ضرورت وضع قانون برای اجرای معاهده‌ای است که تغییراتی را در سیستم قانونی انگلیس ایجاد نماید. از نظر حقوق اساسی انگلیس یک معاهده ممکن است در روابط خارجی و بین‌المللی برای انگلیس معتبر و لازم‌الاجرا باشد، ولی از نظر داخلی فاقد اعتبار قانونی محسوب شود. بنا به گفتهٔ یکی از قضات معروف انگلیس «لرد آتکین»، انعقاد یک معاهدهٔ بین‌المللی در انگلیس اصولاً در صلاحیت قوهٔ مجریه است، ولی انجام التزامات ناشی از معاهدات در انگلیس اگر سبب تغییر در قوانین داخلی شود نیاز به تصویب یک قانون در پارلمان دارد.<sup>۱۱۴</sup> البته در سیستم حکومتی انگلیس اختلاف نظر میان قوهٔ مجریه و قوهٔ مقننه در تأیید معاهده یک احتمال فرضی بیش نیست؛ چون اصولاً حزبی که در مجلس عوام اکثریت آراء را به دست می‌آورد، تشکیل کابینه می‌دهد و حکومت را به مدت پنج سال در اختیار دارد. از طرف دیگر مجلس لردها نیز نفوذ چندانی در این زمینه نمی‌تواند داشته باشد؛ چون طبق قانونی که در سال ۱۹۱۱ تصویب گردید مجلس لردها فقط واجد حق وتوئی است که موجب تعویق در اجرای اینگونه تصمیمات می‌شود.<sup>۱۱۵</sup> بدین جهت بسیار بعید است که یک معاهده پس از اینکه از طرف قوهٔ مجریه مورد تأیید قرار گرفت به لحاظ مخالفت قوهٔ مقننه لازم‌الاجرا نشود. اگر چنین واقعه‌ای اتفاق بیفتد معلوم می‌شود که دولت مورد تأیید اکثریت پارلمان نیست؛ بنابراین یا باید

— آوریل ۱۹۸۶ اعلام نموده که تصویب معاهدات از وظایف و حقوق وزیر امور خارجه است؛ چون طبق رویهٔ جدید بعد از ۱۹۲۴، سند واحد اروپائی به پارلمان ارائه شده و دولت برای بحث دربارهٔ آن همه نوع آمادگی را اعلام نموده است. همچنین در پاسخ به سؤال دیگری در این زمینه وزیر خارجهٔ انگلیس در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۶ تصریح نموده است: «تصمیم متخذ در جلسهٔ وزرای امور خارجهٔ دوازده کشور عضو جامعهٔ اروپائی در ۱۹۸۵ نسبت به مبادرت به امضای سند واحد اروپائی معاهده‌ای نیست که نیاز به تصویب پارلمان داشته باشد.» (سالنامهٔ بریتانیایی حقوق بین‌الملل، سال ۱۹۸۶، ص ۴۹۶ و ۴۹۷).

114. A-G for Canada v. A-G for Ontario (1937) A.C. 326 (347)

115. Parliament Act, 1911

استعفا دهد یا اعلام نماید که معاهده غیرقابل اجرا است و نتیجتاً تبعات آن در روابط بین‌المللی را نیز متحمل بشود.

اکنون باید دید در چه مواردی اجرای داخلی یک معاهده بین‌المللی نیاز به تنظیم یک لایحه قانونی و تصویب آن در پارلمان انگلیس دارد.

در درجه اول باید از معاهداتی نام برد که موجب تغییر در حقوق داخلی انگلیس می‌شوند. علاوه بر مثالی که در مورد موافقتنامه بازرگانی انگلیس و پرتغال فوقاً بیان شد، می‌توان مهمترین نمونه آن را معاهده ۱۸۷۶ بلژیک و انگلیس شمرد که برای لجنهای پستی بلژیک همان مصونیتی را به رسمیت می‌شناسد که کشتیهای جنگی دارا هستند. در دعوائی که به نام پارلمان بلژیک<sup>۱۱۶</sup> در رویه قضائی انگلیس شهرت یافته است<sup>۱۱۷</sup> دادگاه عالی انگلیس به ریاست سررابرت فیلمورر رأی داد که پادشاه (یعنی قوه مجریه) صلاحیت محدود نمودن حقوق یک تبعه انگلیس را در درخواست جبران خسارت از دولت بلژیک برای غرق قایق متعلق به وی بوسیله یک لنج پستی بلژیک ندارد. هرچند این رأی به دلیل دیگری در دادگاه استیناف نقض می‌شود<sup>۱۱۸</sup> ولی این استدلال از آن زمان همواره به عنوان رویه قضائی انگلیس لازم‌الاتباع شناخته شده است و بنابراین هر معاهده‌ای که موجب تقلیل یا سلب حقوق شهروندان گردد، لازم‌الاجرا شدن آن در داخل کشور موقوف به وضع یک مصوبه قانونی است.<sup>۱۱۹</sup>

در درجه دوم معاهداتی که نیاز به وضع قانون مستقل در پارلمان دارند آنهایی هستند که مفاد آنها سبب افزایش صلاحیتهای پادشاه (یعنی قوه مجریه) شود.

گروه سوم نیز معاهداتی هستند که تعهدات اقتصادی یا مالی برای کشور ایجاد نمایند، که در این صورت لازم‌الاجرا شدن آنها نیاز به وضع قانون و الحاقیه‌ای بر بودجه کل کشور خواهد داشت.

116. (1879) 4, P.D. 129.

117. British international law cases, Vol 3, London, 1965 pp. 305-334

118. (1880) 5, P.A. 197

۱۱۹. مک‌نایر: حقوق معاهدات، ط آکسفورد، ۱۹۶۱، ص ۸۴.

و بالاخره در نوع چهارم، معاهداتی را باید ذکر کرد که موضوع آنها انتقال قسمتی از سرزمین دولت انگلیس به دولت دیگری باشد که پس از تدوین و تصویب یک قانون، در داخل انگلیس اعتبار اجرایی پیدا نماید.<sup>۱۲۰</sup>

نمونه چهارم: تصویب معاهدات در سوئیس

قانون اساسی سوئیس مورخ ۲۹ مه ۱۸۷۴ (اصل ۸۵، بند ۵) تصویب «پیمانها و معاهداتی [را] که با کشورهای خارجی منعقد می‌شوند» در صلاحیت پارلمان سوئیس قرار داده است. معذک حقوق اساسی این کشور تفسیر مضیقی از این عبارت نموده است.

اولاً، آن دسته از توافقیهای بین‌المللی به عنوان معاهده رسمی تلقی شده و نیاز به تصویب پارلمان دارد که تعهدات مشخصی را برای سوئیس ایجاد نماید.<sup>۱۲۱</sup> بنابراین تنظیم موافقتنامه‌ای که هیچگونه تکلیف جدیدی برای سوئیس ایجاد نمی‌نماید یا منحصراً حقوقی را برای سوئیس دربر دارد و یا آن کشور را از تعهداتی که در گذشته برعهده‌اش گذارده شده است، آزاد می‌سازد، ضرورتی به تصویب در مجمع فدرال<sup>۱۲۲</sup> ندارد.<sup>۱۲۳</sup> معذک اگر

۱۲۰. مک‌نایر، همان مرجع، همانجا. *موانع و ملاحظات فزنی*  
۱۲۱. به همین دلیل است که کنوانسیون راجع به اعلام سریع یک سانحه هسته‌ای را که در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶ در هشتمین اجلاس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تنظیم گردیده (متن آن در مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، ط پاریس، ۱۹۸۷، دفتر دوم، ص ۷۶۹ - ۷۷۹ چاپ شده است) سوئیس در همان روز امضاء و پس از یک ماه برایش لازم‌الاجرا شده (رک. به جدول ص ۷۷۹ همان مرجع)، در حالیکه برای کشورهای دیگر که باید علاوه بر امضاء، آن را به تصویب نیز برسانند، تاریخ تصویب ملاک قرار گرفته است مانند شوروی، دانمارک، فنلاند، مجارستان و غیره. ایران فقط تاکنون آن را امضاء کرده است.

122. Assemblée Fédérale

۱۲۳. رک. به . Répertoire Suisse de dr. int. pub. طبع سوئیس (بال) اداره سیاسی فدرال وزارت امور خارجه ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۴۵ و ۴۶: «طبق دکترین و رویه‌ای که از دهها سال پیش معمول می‌باشد تنها موردی که یک معاهده بین‌المللی به تصویب مجمع فدرال نیاز ندارد



معاهده‌ای برای اتباع بیگانه حقوق ناشی از بخشنامه‌های اداری را تثبیت و قانونگذار سوئیس را ملزم به رعایت آنها بنماید (مثلاً معاهده‌ی مربوط به اقامت و تجارت بیگانگان)، اعتبار آن منوط به تصویب پارلمان است. ۱۲۴

ثانیاً، پارلمان می‌تواند تصویب معاهدات را بطور عام یا به صورت خاص به شورای وزیران ۱۲۵ وکالت داده و به آن شورا واگذار نماید. ۱۲۶ و ۱۲۷

→ موقعی است که آن معاهده برای سوئیس فقط حقوقی را ایجاد کند بدون آنکه تکالیفی بر آن کشور تحمیل نماید، مانند موافقتنامه‌ی تأسیس دفاتر فرعی گمرکی سوئیس در سرزمین «بادوا» مورخ ۱۸۹۶، یا موافقتنامه‌ی بین سوئیس و آلمان راجع به الحاق منطقه‌ی گمرکی «ژستن» به گمرک آلمان مورخ ۱۹۳۵، یا ترتیبات بین‌المللی (arrangements) برای یکسان نمودن کاربرد مواد مخدر در «لادوها» مورخ اوت ۱۹۲۹، یا پروتکل ۲۰ مه ۱۹۵۲ آن که چون مندرجات آنها تعارضی با صلاحیتهای دولت سوئیس ندارد، تصویب پارلمان ضروری نیست.» (همان کتاب، ص ۴۲).

۱۲۴. مانند معاهده‌ی اقامت و تجارت سوئیس با آلبانی مورخ دسامبر ۱۹۲۹ که طبق نظریه‌ی وزارت دادگستری سوئیس (برخلاف نظر وزارت امور خارجه) لازم دانسته شده که به تصویب پارلمان سوئیس برسد (همان مرجع Répertoire، ج ۴، شماره ۱۰۱۵، ص ۲۸ و ۲۹).

#### 125. Conseil Fédérale

۱۲۶. نظریه‌ی بخش قضائی شورای فدرال مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۲ (همان مرجع، ج ۱، ص ۶۹، شماره ۱/۳۵):

“la remise de déclarations sous forme d'un échange de notes sans approbation du parlement suffit lorsqu' exceptionnellement, notre pays n'acquiert que des droits en adhérent à un accord ou lorsque le conseil fédéral a été autorisé par l'assemblée fédérale à couclure des conventions avec d'autres Etats dans un domaine déterminé, ou finalement lorsque les deux parties contractants considèrent que l'objet de leur déclaration existe déjà en droit et auéelles n'assurent donc pas une nourelle obligation.”

۱۲۷. رک. به نظریه‌ی P. Longos مورخ دسامبر ۱۹۳۱ مندرج در همان Répertoire، ج ۱، ص ۶۸، شماره ۱/۳۴: «راه حلی که می‌توان برای انعقاد موافقتنامه با فرانسه در پیش گرفت این است که شورای وزیران برای مجمع فدرال گزارشی در مورد رئیس اساسی این مذاکرات تهیه کرده و از پارلمان قبلاً برای انعقاد معاهده با فرانسه کسب اجازه نماید. Burckardt در شرح قانون اساسی سوئیس (Kommentar) (چاپ دوم: ص ۶۹۱، بند سوم) این رویه را مورد تأیید قرار داده است.» این رویه در ایران به هنگام انعقاد بیانیه‌ی الجزایر با دولت ایالات متحده آمریکا در تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۵۹ نیز اجرا شده است. رک. به «مجله حقوقی» شماره

ثالثاً، در مسائل جزئی و مواردی که به نام موافقتنامه‌های اداری و اجرائی خوانده می‌شود، شورای وزیران می‌تواند مستقیماً موافقتنامه را به تصویب برساند. فی‌المثل توافقی که برای اتباع خارجی جبران خسارات ناشی از سوانح را بوسیله بیمه‌های اجتماعی سویس همانند اتباع سویس قائل شود باید به صورت معاهده رسمی، یعنی پس از تصویب پارلمان، با کشور خارجی برقرار گردد. برعکس، توافقهائی که با دولتهای غیر عضو کنوانسیون ژنو ۱۹۲۵ (راجع به تساوی شرایط در استفاده از بیمه‌های اجتماعی) برای اجرای کنوانسیون نسبت به آنها منعقد می‌شود نیازی به تصویب پارلمان ندارد.<sup>۱۲۸</sup>

رابعاً، در موارد فوری و یا ضروری، یک موافقتنامه می‌تواند رأساً با تصویب قوه مجریه لازم‌الاجرا گردد مشروط بر اینکه آثار آن لااقل موقتی باشد.<sup>۱۲۹</sup>

در سآلهای اخیر نظارت پارلمان سویس در انعقاد معاهدات افزایش یافته و حتی در پاره‌ای موارد از تصویب موافقتنامه‌ای که با کشور خارجی منعقد شده امتناع ورزیده است.<sup>۱۳۰</sup>

→ ۷، ص ۱۵۰. متن بیانیه‌های الجزایر در شماره اول «مجله حقوقی»، ص ۲۴۰ به بعد چاپ شده است.

۱۲۸. مانند تبادل یادداشت بین دولت سویس و دولت لیختنشتاین در زمینه بیمه‌های اجتماعی مندرج در همان مرجع (ج ۱، شماره ۱/۳۵، ص ۶۹). در مورد تقسیم صلاحیتهای انعقاد معاهده بین دولت مرکزی و ایالت‌های فدرال در سویس و سایر کشورهای مشابه (کانادا، امریکا و غیره) رک. به کتاب:

Component Units of Federal States and International Agreements: Dr. Luigi Di Marzio (Sijthoff and Noordhoff, The Hague, 1980) p. 35.

۱۲۹. همان مرجع، ج ۱، ص ۶۷: «مجمع فدرال این را پذیرفته است که در موارد ضروری، شورای وزیران فدرال می‌تواند به اعتبار صلاحیت خویش موافقتنامه‌های بین‌المللی را منعقد نماید به شرط اینکه حداقل آثار موقت داشته باشند.»

۱۳۰. مانند تصمیم مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۴ شورای ملی سویس راجع به امتناع از تصویب موافقتنامه ۱۹۸۳ راجع به خودداری از اخذ مالیات مضاعف (مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۹۸۵، ص ۱۵۵).



خصوصیت دیگری که در نظام حقوقی سویس وجود دارد لزوم تصویب پاره‌ای از معاهدات بین‌المللی از طریق همه‌پرسی همگانی است. طبق اصلاحاتی که در سال ۱۹۲۱ در قانون اساسی سویس انجام پذیرفت، معاهدات بین‌المللی که برای مدت نامعین یا بیش از پانزده سال منعقد می‌گردد، بنا به درخواست هشت کانتون یا سی هزار نفر از اتباع سویس به همه‌پرسی عمومی گذارده خواهد شد. البته تا کنون فقط دو معاهده به فراندوم گذارده شده است که نخستین آنها معاهده مورخ ۷ اوت ۱۹۲۱ راجع به لغو مناطق آزاد گمرکی بین سویس و فرانسه بود که در فوریه ۱۹۲۳ همه‌پرسی در مورد آن برگزار گردید و با اکثریت مطلق آراء مردود اعلام شد، و دیگری معاهده مورخ ۲۷ مه ۱۹۵۷ بین سویس و ایتالیا درباره استفاده از نیروی هیدرولیک اسپول بود که به تصویب آرای عمومی مردم سویس رسید. ۱۳۱



## تصویب معاهدات در کشورهای امریکائی

در کشورهای امریکائی (شمالی، مرکزی و جنوبی) تصویب معاهدات عموماً در صلاحیت شخص رئیس جمهور است و بدین لحاظ اینگونه کشورها را دارای «سیستم ریاست جمهوری»<sup>۱۳۲</sup> می‌شناسند. نمونه ویژه‌ای از آن با ترکیبی از سیستم پارلمانی را می‌توان شناسائی نمود که ایالات متحده آمریکا است و ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرد.

### تصویب معاهدات در ایالات متحده آمریکا

طبق بند ۲ ماده ۲ قانون اساسی فدرال آمریکا مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷: «رئیس جمهور صلاحیت دارد با نظر و توافق سنا معاهدات را منعقد

۱۳۱. رک. به شارل روسو: حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۱، ص ۹۸، شماره ۷۴.

132. Régime Présidentiel

نماید مشروط بر اینکه اکثریت ۲/۳ سناتورهای حاضر در جلسه به این معاهدات رأی داده باشند.» بدین ترتیب، در حقوق امریکا تصویب معاهدات برعهده رئیس قوه مجریه است، ولی الزاماً باید موافقت سنا را نیز کسب نماید. از طرف دیگر، مداخله سنا در لازم الاجرا شدن معاهدات تنها منحصر به اظهار نظر و تأیید و تصویب آنها نیست، بلکه حتی در مرحله تنظیم معاهده و بطور کلی «نیروی معاهده سازی»<sup>۱۳۳</sup> باید آن را همپراز رئیس جمهور تلقی کرد. به عبارت دیگر، هر دو با مشارکت یکدیگر اراده حکومت را در انعقاد و تصویب معاهدات بیان می نمایند. در واقع، ماده ۲ (بند ۲) فوق از قانون اساسی امریکا مربوط به سیستم حکومت فدرالی و دخالت ایالت‌های مختلف آن در تصمیم گیریهای سنا و ریاست جمهوری است؛ اما در شرایط فعلی به دست آوردن اکثریت ۲/۳ آراء برای تصویب یک معاهده بین المللی بسیار دشوار است، بویژه هرگاه رئیس جمهور متعلق به حزبی باشد که واجد اکثریت در سنا نیست. در گذشته در پاره ای موارد یک معاهده بین المللی مهم مانند معاهده ورسای که پس از جنگ جهانی اول متضمن اساسنامه جامعه ملل بود با مخالفت سنا مواجه گردید و نتیجتاً به تصویب امریکا نرسید. این رویه سبب گردید که نه تنها رئیس جمهور در بسیاری از مسائل مربوط به سیاست خارجی با سنا هماهنگی و مشورت نماید، بلکه — چنانکه در صفحات آینده خواهد آمد — طرق دیگری غیر از تصویب به نامهای قبولی (پذیرش) یا تأیید و غیره برای لازم الاتباع شدن معاهدات بین المللی رایج گردد.

بطور خلاصه چون تصویب کلیه معاهدات توسط سنا مشکلاتی را در گذشته بوجود می آورد، لذا از دهها سال قبل در امریکا چنین معمول شده است که توافقیهای بین المللی غیر از معاهدات رسمی را به عنوان موافقتنامه های اجرائی (معادل تفاهم نامه) تلقی نموده و تصویب آنها را در صلاحیت رئیس جمهور بشناسند. بدین ترتیب، طبق حقوق اساسی امریکا

توافقی بین المللی که ذیلاً آورده می‌شود صرفاً «موافقتنامه‌های اجرائی» محسوب شده و لذا نیازی به تصویب سنا ندارد؛ از این قبیل است موافقتنامه‌های راجع به مسائل نظامی (مانند موافقتنامه‌های آتش‌بس در جنگ)، موافقتنامه‌های موقتی و یا مقدماتی که برای معاهدات دائمی تدوین می‌شود، موافقتنامه‌های حل و فصل دعاوی بین اتباع امریکائی و کشورهای خارجی<sup>۱۳۴</sup>، موافقتنامه‌های مربوط به نحوه اجرای شناسائی دولتها و یا کشورهای جدید و بالاخره موافقتنامه‌هایی که در اجرای یک قانون مصوب کنگره منعقد می‌شود.<sup>۱۳۵</sup>

بطور خلاصه در مدت ۱۵۵ سال بین تأسیس دولت ایالات متحده تا پایان جنگ دوم جهانی، ۸۴۵ معاهده بین المللی پس از تصویب سنا لازم الاجرا شده ولی در همان مدت ۱۴۹۲ موافقتنامه اجرائی فقط با امضای رئیس جمهور اعتبار قانونی یافته است.

پس از جنگ دوم جهانی تا به امروز کوششهای فراوانی برای محدود نمودن قدرت رئیس جمهور در انعقاد موافقتنامه‌های اجرائی<sup>۱۳۶</sup> بعمل آمده است. هدف از این اقدامات ملزم نمودن قوه مجریه برای ارائه موافقتنامه‌های اجرائی به کنگره و کسب موافقت قبلی برای تصویب آنها بوده، ولی این تلاشها تا کنون قرین موفقیت نبوده است.<sup>۱۳۷</sup>

شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۳۴. مانند بیانیه الجزایر (بیانیه عمومی دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر و بیانیه درباره حل و فصل ادعاهای توسط امریکا و ایران) مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ مندرج در «مجله حقوقی»، شماره اول، زمستان ۶۳، ص ۲۴۰ به بعد.

۱۳۵. مانند موافقتنامه‌های پستی که از سال ۱۷۹۲ و نیز موافقتنامه‌های گمرکی که از سال ۱۹۳۴ منعقد شده است و همچنین موافقتنامه‌های کمک نظامی برای دفاع مشترک از سال ۱۹۴۹ به بعد و موافقتنامه‌های کاربرد صلح آمیز نیروی هسته‌ای از سال ۱۹۵۴ به بعد.

#### 136. executive agreements

۱۳۷. اصلاحیه Bricker که ابتدائاً در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۵۱ به کنگره تقدیم شده بود در نهایت در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۵۴ با تفاوت یک رأی به تصویب اکثریت سنا نرسید و رد شد. مشابه این طرح بعداً نیز ارائه گردید، ولی رأی کافی به دست نیاورد.

در وضع کنونی بر اثر اشکال تراشیهائی که سنا در تصویب کنوانسیونهای مختلف و حتی نسبت به آنهایی که کشورهای زیادی در جهان به آنها ملتزم شده‌اند - مانند کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸-۱۳۸ - اکثریت عمده موافقتنامه‌های بین‌المللی به صورت اجرائی تنظیم شده و سپس با امضای رئیس‌جمهور قدرت قانونی پیدا می‌نماید.

از طرف دیگر، در مواردی هم که سنا موافق با تصویب یک معاهده بین‌المللی است، موافقت خود را بعضاً مقید و مشروط اعلام می‌دارد؛ از این قبیل است تصویب معاهداتی که در ۷ سپتامبر ۱۹۷۲ با پاناما به امضاء رسیده بود. سنای آمریکا موافقت خود را که در ۱۶ مارس و ۱۸ آوریل ۱۹۷۸ اعلام نموده بود، ملحق به اصلاحات، شروط و قیود و نیز تفاسیری از متن معاهدات کرده است، و بدین لحاظ در پروتکل مبادله اسناد تصویب آن بین پاناما و آمریکا قید گردیده که مندرجات معاهدات مصوبه در چهارچوب شرایط مندرج در نظریات سنا لازم الاجرا می‌باشد. همچنین علاوه بر معاهده مودت اسپانیا و آمریکا که قبلاً از آن سخن رفته است ۱۳۹ در معاهده ۲-سالت که در زمان حکومت کارتر بین آمریکا و شوروی به امضاء رسید نیز سنای آمریکا سه نوع قیود و شروط را به هنگام تصویب بدان ملحق نمود که برخی از آنها نیازی به ابلاغ رسمی به شوروی به عنوان طرف معاهده نداشت؛ ولی برخی دیگر فقط به شوروی ابلاغ

۱۳۸. سنای آمریکا در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۸۴ از اعطای اجازه برای تصویب کنوانسیون جلوگیری از کشتار دسته جمعی (ژنوسید) به بهانه اینکه موجب دخالت سایر کشورها در امور داخلی آمریکا می‌شود، امتناع نمود و فقط به پیشنهاد هوارد بیکر رئیس گروه جمهوریخواهان قطعنامه ای صادر نمود که اصول کنوانسیون مذکور را مورد تأیید قرار داده است (گزارش پروفیسور شارل روسودر مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، ط پاریس، ۱۹۸۵، ص ۴۲۸). این کنوانسیون در ایران در تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۳۴ به تصویب مجلس رسیده است (مجموعه قراردادها بین‌المللی چند جانبه ایران، ص ۲۸۷).

۱۳۹. رک. به «مجله حقوقی»، شماره ۷، ص ۱۷۹ (قسمت دوم این مقاله).

می‌شد و آخرین قسمت این نوع قیود و شروط باید علاوه بر ابلاغ، مورد موافقت روسها نیز قرار گیرد.<sup>۱۴۰</sup> این معاهده با انتخاب ریگان در ۱۹۸۱ متوقف گردید.

□ عنوان دوم:

نحوه تصویب معاهدات در سازمانهای بین‌المللی

الف. انعقاد معاهده توسط سازمانهای بین‌المللی

صلاحیت انعقاد معاهده توسط یک سازمان بین‌المللی اصولاً در ضوابط تشکیلاتی و مقررات سازمانی آن پیش‌بینی می‌شود؛ بنابراین برخلاف معاهدات بین دولتها در مورد سازمانهای بین‌المللی نمی‌توان علی‌القاعده به «قدرت ظاهری» مسئولان آن (یعنی دبیرکل یا مدیرکل یا ... سازمان بین‌المللی مربوط) برای انعقاد موافقتنامه‌ها استناد نمود.<sup>۱۴۱</sup> به همین لحاظ ماده ۶ کنوانسیون وین مورخ ۲۱ مارس ۱۹۸۶ درباره حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی یا بین سازمانهای بین‌المللی مقرر می‌دارد: «صلاحیت یک سازمان بین‌المللی برای انعقاد معاهده، برطبق ضوابط سازمان مذکور می‌باشد». بنابراین رعایت دقیق مندرجات اساسنامه سازمان بین‌المللی، چه در مرحله امضای ابتدائی معاهده و چه در مرحله تأیید و تصویب آن، توسط مراجع و یا مقامات صلاحیتدار ضروری می‌باشد.<sup>۱۴۲</sup>

140. Michael J. Glennan: "The senate role in treaty ralisation" A.J.I.L. 1983. p. 257.

141. Plidis: La capacité de conclure des traités Internationaux des organisations internationales (Paris 1952).

Kasme: La capacité de l'organisation des Nations-Unies de clure des traités internationaux (Paris 1960)

۱۴۲. حتی کنوانسیون وین ۱۹۸۶ درباره معاهدات بین سازمانهای بین‌المللی در بند ۲ ماده ۸۴ مقرر داشته که «سند الحاق یک سازمان بین‌المللی [به این کنوانسیون] باید حاوی اعلامیه‌ای باشد که در آن صلاحیت سازمان مذکور برای انعقاد معاهده مورد گواهی قرار گرفته است.»

اما در مورد اینکه چه مقاماتی در سازمان بین‌المللی معمولاً صلاحیت انعقاد معاهده را دارا هستند، این امر مورد بحث و گفتگوی بسیار قرار گرفته به نحوی که مشکل است بتوان برای تعیین مقامی که واجد صلاحیت برای انعقاد قطعی و کامل معاهده می‌باشد و به اصطلاح «قدرت معاهده‌سازی» را دارا است قواعد کلی به دست داد. شکی نیست که مجمع عمومی<sup>۱۴۳</sup> در اکثر سازمانهای بین‌المللی کلاسیک چنین قدرتی را حائز است. حتی به نظر دوپویی، حقوقدان فرانسوی، اگر مقام و یا مرجع دیگری در سازمان بین‌المللی، صالح برای انعقاد نهائی معاهده باشد، مقام مزبور در واقع به نمایندگی از مجمع عمومی به چنین کاری مبادرت می‌ورزد.<sup>۱۴۴</sup>

در گزارش پرفسور بریرلی در مورد تدوین کنوانسیون حقوق معاهدات سازمانهای بین‌المللی، ذیل ماده ۴ بند ۳ آن خاطر نشان شده است که در صورت سکوت اساسنامه سازمان بین‌المللی، اصل و قاعده براین است که مجمع عمومی، صالح برای انعقاد معاهده محسوب می‌شود.<sup>۱۴۵</sup> نویسندگان معتقدند که حتی اگر مجمع عمومی یک سازمان بین‌المللی اختیار انعقاد معاهده را به مقام دیگری واگذار نماید، وی بعداً می‌تواند معاهده منعقد را مورد تأیید قرار داده و لازم الاجرا گرداند یا آن را رد نماید.<sup>۱۴۶</sup>

در عین حال باید توجه داشت که قاعده فوق‌الذکر که بموجب آن مجمع عمومی علی‌الاصول واجد صلاحیت برای انعقاد معاهده محسوب می‌شود، در مواردی که مقام دیگری در سازمان بین‌المللی صاحب اقتدار بیشتری باشد، قابل اجرا نخواهد بود. مثالی که از جامعه اروپائی زغال سنگ و فولاد آورده می‌شد تقابل میان شورای وزیران و هیئت عالی بود که بعضی از نویسندگان را بر آن داشته بود که هر دو را واجد صلاحیت برای

143. Plenary organ

144. Depuy, "Le Droit des relations entre les organisations internationales, Recueil des cours de la Haye, 1960-II, pp. 502-3.

145. Pr. Briery, Report on the Law of Treaties, A/CN/4/23 p. 46.

146. Dapuy, op. cit p. 503.

انعقاد معاهده بدانند؛ منتهی قلمرو صلاحیت هریک را در زمینه خاص خود کافی می‌دانستند.<sup>۱۴۷</sup> در مورد سازمان ملل متحد، شورای امنیت برای انعقاد معاهده در مواردی که «برای حفظ صلح، اتخاذ ضوابط ضروری» لازم تشخیص داده شده باشد، صالح شناخته شده است.<sup>۱۴۸</sup>؛ در حالیکه قاعده اصلی، صلاحیت مجمع عمومی برای انعقاد معاهده بین سازمان ملل متحد با یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی می‌باشد، همچنانکه در مورد استقرار نیروهای سازمان ملل در مصر ذیلاً بدان اشاره خواهد رفت.

بنابراین طبق نظریه مورد بحث که به نام صلاحیتهای «متوازی» یا «متعدد»<sup>۱۴۹</sup> خوانده شده است صلاحیت انعقاد معاهده اختصاص به یک مرجع معین در سازمان بین‌المللی ندارد، بلکه برحسب اساسنامه سازمان مذکور ممکن است هریک از مراجع مختلف در زمینه‌های خاصی چنین صلاحیتی را اختصاصاً واجد باشند. اشکالی که بر این رویه ممکن است وارد باشد این است که بر اثر عدم هماهنگی بین مراجع مختلف سازمان بین‌المللی، مشکلاتی ایجاد خواهد شد و بدین جهت، مرجع اجرائی، صالح شناخته نشود.

صلاحیت انعقاد معاهده توسط مقام اجرائی، یعنی دبیرخانه یک سازمان بین‌المللی، به عنوان یک حالت استثنائی شناخته شده است. بجز پاره‌ای از اساسنامه‌های سازمانهای بین‌المللی (مانند ماده ۳۳ اساسنامه سازمان بهداشت جهانی)<sup>۱۵۰</sup> خاصتاً چنین اختیاری به دبیر کل داده نمی‌شود. همچنین ممکن است موافقتنامه‌های اجرائی در مسائل فنی بین مسئولان اداری سازمان بین‌المللی از یک طرف و مقامات اجرائی یک کشور یا سازمان بین‌المللی از طرف دیگر به امضاء برسد<sup>۱۵۱</sup> که البته این رویه

147. Reuter, *Institutes internationales*, (Paris, 1956) p. 321.

148. Pilidis, *La capacité de conclure des traités internationaux des organisations internationales*, (Paris 1952) p. 152.

149. *parallél et pluralisme*

۱۵۰. ر.ک. به قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران، ص ۲۴۳.

151. Depuy, "Le Droit des relations entre les Organisations internationales" *Recueil des cours, de la Haye, 1960-II* p. 513.

نمی‌تواند سازمان بین‌المللی را به عنوان یک شخصیت حقوقی، متعهد نماید بلکه فقط مرجع مسئول را ملتزم خواهد نمود.

### ب. مراحل مختلف

معمولاً در مرحله تنظیم معاهده، مسئولان اجرائی یک سازمان بین‌المللی، یعنی دبیرکل، باید قبلاً از مرجع عالی یا هیئت عمومی سازمان مذکور برای مذاکره و انعقاد معاهده کسب اجازه نمایند، و در مرحله دوم پس از تهیه معاهده آن را به تأیید و تصدیق هیئت عمومی برسانند. بدین ترتیب، هیئت عمومی سازمان بین‌المللی نظارت بر معاهده‌ای را که توسط مسئولان اجرائی با یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی منعقد شده است در دو مرحله اعمال می‌نماید: نخست از طریق تفویض اختیار به دبیرکل یا مسئولان اجرائی، و دوم از طریق تأیید بعدی آن پس از امضای مقام اجرائی. معذک پارهای از نویسندگان معتقدند که در اکثر موارد، اساسنامه سازمانهای بین‌المللی یکی از دو روش فوق را انتخاب، و نظارت بر انعقاد معاهده را فقط در یک مرحله اعمال می‌نماید. به عبارت دیگر، اساسنامه‌ها ممکن است یا اجازه قبلی مجمع عمومی را برای انعقاد معاهده کافی بدانند و یا تأیید بعدی امضای دبیرکل را. طبق این نظریه بندرت می‌توان دو نظارت، یکی قبل و دیگری بعد، را ملاحظه نمود.<sup>۱۵۲</sup> معذک چنانکه در صفحات آینده خواهیم دید نظارت مقامات عالی سازمانهای بین‌المللی همواره در عمل و در قانون، هم در مرحله تفویض اختیار به دبیرکل اعمال می‌شود و هم در مرحله تصدیق نهائی آن.

بدین لحاظ تقریباً اکثریت اساسنامه‌های سازمانهای بین‌المللی لزوم ارائه موافقتنامه‌های منعقد را برای تصدیق مقام عالی سازمان بین‌المللی ضروری می‌دانند، چنانکه در صفحات آینده از آن سخن خواهیم گفت.

152. T.I.H. Detter: The organs of international organisation exercising their treaty-making power, British Yearbook int. Law. 1963. p. 437.



در پاره ای از موارد، تنظیم موافقتنامه بین یک دولت و سازمان بین‌المللی دارای مراحل متعدّد و پیچیده‌ای است. در مورد موافقتنامه ۱۹۵۶ مصر و سازمان ملل متحد درباره حضور نیروهای سازمان ملل در مصر، مذاکرات منتهی به یک سند کتبی گردید که متعاقباً به تأیید دولت مصر و نیز تأیید دبیرکل سازمان ملل رسید و به لحاظ اینکه سازمان ملل به مفاد آن ملتزم گردد به نظر دبیرکل ضروری آمد که مجمع عمومی نیز موافقت خود را با سند مذکور اعلام نماید. بدین ترتیب، متن موافقتنامه فوق‌الذکر پس از طی سه مرحله لازم‌الاجرا گردید: نخست امضای متن توافق ۱۵۳، دوم تأیید دولت مصر، سوم تأیید بوسیله قطعنامه مجمع عمومی. ۱۵۴

### ج. تصدیق رسمی ۱۵۵ معاهده در سازمان بین‌المللی

طبق کنوانسیون ۱۹۸۶ وین برای تأیید قطعی معاهدات در سازمانهای بین‌المللی باید سندی برای تصدیق رسمی آن معاهده صادر شود. ۱۵۶ بموجب بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون مذکور: «رضایت یک سازمان بین‌المللی برای التزام به یک معاهده در شرایط زیر به صورت تصدیق رسمی ابراز می‌شود:

الف. هرگاه معاهده پیش‌بینی نموده باشد که چنین رضایتی بوسیله تصدیق رسمی اعلام خواهد شد؛

۱۵۳. به نام aide-mémoire

154.S. Bastide: Les traités dans la vie internationale (conclusion et effets), Paris, Economica, p. 244 et 5.

155. Confirmation formelle

۱۵۶. استاد سوزان باستید در کتاب خود به نام Les traités dans la vie internationale

(ط پاریس، ۱۹۸۵، ص ۲۴۴) می‌نویسد که در کنوانسیون ۱۹۸۶ وین اصطلاحات جدیدی وضع گردیده است منجمله اصطلاح "acte de confirmation formelle" و آن را به عنوان اقدامی دانسته که مترادف تصویب توسط یک دولت است و بوسیله آن یک سازمان بین‌المللی در سطح بین‌المللی رضایت خود را به التزام به معاهده ابراز می‌دارد (ماده ۲، بند ۱ «ب»).

ب. هرگاه به طریق دیگری احراز شود که دولتها و سازمانهای بین‌المللی و یا برحسب مورد سازمانهای شرکت‌کننده در مذاکرات توافق نموده‌اند که یک سند تصدیق رسمی ضروری است؛

ج. هرگاه نماینده سازمان مذکور معاهده را به شرط تصدیق رسمی امضاء نموده باشد؛

د. هرگاه خواسته این سازمان از اینکه امضاء باید مشروط به تصدیق رسمی باشد، از اعتبارنامه نماینده‌ای استنتاج گردد یا در طول مذاکرات این امر اعلام شده باشد.»

قبل از تنظیم کنوانسیون ۱۹۸۶ وین بین حقوقدانان درباره اینکه می‌توان از کلمه «تصویب»<sup>۱۵۷</sup> برای اعلام قطعی رضایت یک سازمان بین‌المللی استفاده نمود، اختلاف نظر وجود داشت. کمیسیون حقوق بین‌الملل چون کلمه مذکور را مربوط به رئیس کشور و پادشاه می‌دانست، آن را در مورد سازمانهای بین‌المللی نپذیرفت و بنابراین در مواد ۱۱، ۱۴ و ۱۶ کنوانسیون ۱۹۸۶ وین «سند تصدیق رسمی» را جایگزین آن نمود.<sup>۱۵۸</sup>

#### 157. Ratification

۱۵۸. در کنوانسیون ۱۹۸۶ وین راجع به حقوق معاهدات بین سازمانهای بین‌المللی و دولتها در بند ۲ ماده ۱۱ در مورد اعلام رضایت نهائی یک سازمان بین‌المللی راجع به یک معاهده، همان رویه‌ها و اصطلاحات مذکور در بند یک راجع به دولتها و نیز در کنوانسیون ۱۹۶۹ (یعنی امضاء، مبادله اسناد تدوین یک معاهده، قبولی، تأیید، الحاق یا هر طریق دیگر مورد توافق) را نام برده و بعلاوه از رویه دیگری به نام «سند تصدیق رسمی» اسم برده است که به منزله وسیله‌ای است که مقامات عالی‌رتبه سازمان بین‌المللی — به شرحی که قبلاً بحث شد — تأیید نهائی خود را درباره انعقاد معاهده اعلام می‌نمایند. در ماده ۲ همان کنوانسیون و جزو تعاریف، سند تصدیق رسمی اینگونه تعریف شده است: «منظور از عبارت «سند تصدیق رسمی»، یک سند بین‌المللی معادل سند تصویب دولت است که به آن وسیله یک سازمان بین‌المللی رضایت خود را در سطح بین‌المللی برای التزام به معاهده ابراز و تثبیت می‌نماید.» (ماده ۲، پاراگراف ۱، بند «ب» ثانیاً) که متن فرانسه آن چنین است:

“l'expression ‘acte de confirmation formelle’ s'entend d'acte international correspondant à celui de la ratification par un Etat et par legal organisation internationale établit sur le plan international son consentement à être liée par un traité”.

بعضی از نمایندگان سازمانهای بین‌المللی (مانند «فائو» و بانک جهانی) این تبعیض را مورد انتقاد قرار دادند و از کاربرد کلمه «تصویب» در مورد سازمانهای بین‌المللی دفاع نمودند. ولی کنفرانس دیپلماتیک به تبعیت از آنچه در کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۹۸۲ پذیرفته شده بود و نیز به عنوان تعدیل کاربرد کلمه «اعتبارنامه کامل»<sup>۱۵۹</sup> در ماده ۷ که اصولاً در مورد کشورها بکار می‌رود (به جای لفظ پیشنهادی «اقتدارات»)<sup>۱۶۰</sup> در خصوص سازمانهای بین‌المللی (واژه جدید «سند تصدیق رسمی» را به جای «تصویب» انتخاب نمود.<sup>۱۶۱</sup>

این نکته شایان توجه است که واژه جدید «تصدیق رسمی» از آن پس در تدوین کنوانسیونهایی که مرتبط به سازمانهای بین‌المللی می‌باشد بکار رفته است، مانند کنوانسیون سازمان ملل راجع به شرایط ثبت کشتیها-ژنو ۱۹۸۶ (ماده ۲، شق «د»). اما این اصطلاح جدید از نظر اجرائی برای سازمانهای بین‌المللی هیچگونه تأثیری ایجاد نخواهد کرد؛ چون از نظر تشریفات به همانگونه که در مورد «تصویب» یا قطعیت معاهدات در سازمان بین‌المللی اقدام می‌شد، در مورد «تصدیق رسمی» نیز عمل خواهد شد.

از طرف دیگر، کنوانسیون ۱۹۸۶ وین هیچگونه ضوابطی به دست نمی‌دهد تا بتوان مقاماتی را که برای تصدیق رسمی معاهده در یک سازمان بین‌المللی واجد صلاحیت می‌باشند، تعیین نمود و نیز حتی نمایندگی سازمان بین‌المللی برای مذاکره و امضای یک معاهده را مشخص ننموده است. چون این امر مربوط به نظام داخلی هر سازمان بین‌المللی است و تعیین چنین مقاماتی در مورد کشورها بوسیله قانون اساسی و سایر قوانین مشخص می‌شود، لذا در مورد سازمانهای بین‌المللی قاعداً اساسنامه آنها باید

159. Pleins pouvoirs

160. Pouvoirs

161. Ph. Manin: La convention de vienne sur les accords entre Etats et organisations internationales ou entre organisations internationales, Ann. fr. oir. int. 1986 p. 454 sp. 463.

ضوابط روشنی را در این زمینه مشخص نماید. ذیلاً به مطالعه روش تصدیق معاهده در سازمانهای بین‌المللی مختلف می‌پردازیم (د) و به عنوان نمونه‌ای بارز و روشن، عملکرد جامعه اروپائی در تصویب معاهدات را مورد بررسی قرار می‌دهیم (ه).

د. وضعیت تصدیق رسمی در اساسنامه سازمانهای مختلف بین‌المللی

با بررسی پاره‌ای از اساسنامه‌های سازمانهای بین‌المللی ملاحظه می‌شود که در اکثر موارد، لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه‌های منعقدۀ توسط سازمانهای مذکور موکول به تأیید آنها از طرف مجمع عمومی آن سازمان بین‌المللی یا مراجع مشابه آن می‌باشد. مثلاً اساسنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در ماده ۶۳ پیش‌بینی نموده است که «سازمانهای تخصصی می‌توانند با دولتها نسبت به انعقاد موافقتنامه اقدام نمایند؛ ولی اعتبار این موافقتنامه‌ها منوط به تأیید مجمع عمومی است». همچنین اساسنامه سازمان خواربار و کشاورزی مقرر داشته است که سازمان مذکور می‌تواند با سازمانهای بین‌المللی عمومی دیگر موافقتنامه‌هایی برای تقسیم مسؤلیتها نسبت به روشهای همکاری منعقد نماید (ماده ۱۲). این موافقتنامه‌ها باید بوسیله کنفرانس که مجمع عمومی فائو محسوب می‌شود یا «مقامات صالح» سازمان بین‌المللی دیگر منعقد گردند. از طرف دیگر، دبیرکل سازمان فائو پس از کسب موافقت کنفرانس می‌تواند «با سازمانهای بین‌المللی عمومی برای انجام خدمات مشترک یا ترتیبات مشترک مرتبط با استخدام، کارآموزی، شرایط خدمات و مسائل مربوط دیگر و نیز جابجائی کارمندان مبادرت به انعقاد موافقتنامه نماید». ماده ۱۳ همان اساسنامه مقرر می‌دارد که می‌توان بین فائو و سازمان ملل متحد ارتباط برقرار نمود که از آن به عنوان «ترتیبات»<sup>۱۶۲</sup> نام می‌برد و باید مورد تأیید کنفرانس قرار گیرد.

به همین نحو نیز سازمان بهداشت جهانی می‌تواند با سازمان ملل متحد یا سازمانهای دیگر بین‌المللی مبادرت به انعقاد موافقتنامه نماید. طبق ماده ۶۹ و ۷۰ اساسنامه آن، چنین موافقتنامه‌هایی باید به تأیید دوسوم آرای مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی برسد<sup>۱۶۳</sup> و به همین لحاظ باید توسط دبیرکل سازمان مذاکره و سپس امضاء شود و آنگاه به ترتیب فوق به تأیید مجمع عمومی آن نیز برسد.

در عین حال، طبق ماده ۷۱ اساسنامه مذکور «سازمان در مسائلی که مربوط به صلاحیتش می‌باشد می‌تواند برای مشورت و همکاری با سازمانهای بین‌المللی غیردولتی و با کسب موافقت دولت مربوطه با سازمانهای ملی، دولتی یا غیردولتی ترتیبات لازمه را منعقد نماید». اما هیچگونه توضیحی درباره چگونگی انعقاد این ترتیبات به دست نداده است.

همچنین ماده ۱۱ اساسنامه سازمان یونسکو که راجع به انعقاد موافقتنامه با سایر سازمانهای بین‌المللی است، تصریح می‌کند که دبیرکل مبادرت به انعقاد موافقتنامه نموده و سپس آن را به تأیید هیئت اجرائی می‌رساند؛ بعلاوه می‌تواند با سازمانهای بین‌المللی غیردولتی «ترتیبات» منعقد کند:

«۱. سازمان می‌تواند با سازمانها و مؤسسات تخصصی بین‌الدول که کار و فعالیتشان سازگار با کار و فعالیت اوست همکاری کند. برای این منظور، دبیرکل می‌تواند تحت نظارت هیئت اجرائی مناسبات حقیقی با آن سازمانها و مؤسسات برقرار کند و کمیسیونهای مختلط را که برای تأمین همکاری مؤثر لازم باشد، تشکیل دهد. هر موافقتنامه‌ای که با این سازمانها یا مؤسسات تخصصی بسته شود باید به تصویب هیئت اجرائی برسد.»<sup>۱۶۴</sup>

۱۶۳. مجموعه قوانین ۱۳۲۷، ص ۸ ط اول و ص ۷ ط دوم.

۱۶۴. اساسنامه سازمان یونسکو مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ مصوب ۱۵ تیرماه ۱۳۲۷ مندرج در مجموعه قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران، گردآوری دکتر هدایتی، ص ۲۴۰. متن انگلیسی در

اساسنامه پیشنهادی برای سازمان تجارت بین المللی وابسته به سازمان ملل متحد در ماده ۷۱ شبیه این قواعد را ذکر نموده است، بدین ترتیب که موافقتنامه ای که در ارتباط با سازمان ملل متحد تنظیم می شود «باید توسط دبیرکل انعقاد یابد و مورد تأیید کنفرانس (سازمان) واقع شود». اما در مورد سایر سازمانهای بین المللی که ارتباط با آنها توسط دبیرکل برقرار می شود، «ترتیبات رسمی برای همکاری»<sup>۱۶۵</sup> بوسیله هیئت اجرائی منعقد می گردد. اگر کنفرانس و مقامات صالحه سازمان بین المللی دیگر معتقد باشند که سازمان تجارت بین المللی باید تکالیفی را از سازمان مربوط به خود منتقل نماید «دبیرکل با کسب تأیید کنفرانس می تواند ترتیبات مورد قبول طرفین را تنظیم و برقرار سازد».

از این قبیل باز هم می توان ماده ۶۴ معاهده تأسیس سازمان هوانوردی بین المللی کشوری (ایکائو) را نام برد که طبق آن سازمان ایکائو می تواند «براساس رأی مجمع» با سازمان ملل متحد ترتیبات ضروری را منعقد نماید. ماده ۶۵ آن مقرر می دارد: «شورا (ایکائو) به نمایندگی از طرف سازمان می تواند موافقتنامه هائی با سایر هیئتهای بین المللی بمنظور نگهداری سرویسهای عمومی و اتخاذ ترتیباتی راجع به کارمندان منعقد نماید و همچنین با موافقت مجمع می تواند داخل هر ترتیبات دیگری که ممکن است موجبات تسهیل کار سازمان را فراهم سازد، بشود».<sup>۱۶۶</sup> ممکن است متن پاره ای از معاهدات که بین سازمان بین المللی با یک یا چند کشور منعقد می شود، فقط تصویب آن را توسط کشورهای متعاقد پیش بینی نموده باشد، چنانکه ماده ۴۳ منشور سازمان ملل متحد در مورد تشکیل

→ اسناد مربوط به یونسکو The Defense of peace بخش ۱ انتشارات وزارت خارجه امریکا، شماره ۲۴۵۷، سال ۱۹۴۶، ص ۲۰.

165. federal arrangements for cooperation

۱۶۶. کنوانسیون تأسیس سازمان هوایمائی کشوری بین المللی مورخ ۷ دسامبر ۱۹۴۴ مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۲۸ مجلس شورای ملی (مجموعه قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران، ص ۱۸۴؛ مجموعه قوانین ۱۳۲۸، ص ۱۴۵ ط اول و ص ۱۰۲ ط دوم).

نیروهای مسلح «حافظ صلح و امنیت بین المللی» مقرر می‌دارد که موافقتنامه منعقد بین شورای امنیت با کشورهای شرکت کننده در نیروهای مذکور باید طبق مقررات قوانین اساسی خود به تصویب برسد.<sup>۱۶۷</sup> برعکس، در مورد موافقتنامه‌های قیمومت، مواد ۸۳ و ۸۵ منشور مقرر می‌دارد که متن آنها باید به تصویب شورای امنیت و مجمع عمومی برسد.<sup>۱۶۸</sup>

#### ه. جامعه اروپائی و تصویب معاهدات

تنها سازمان بین المللی که تا اندازه‌ای بطور واضح نحوه تصویب معاهدات توسط مراجع مختلف آن مشخص می‌باشد، جامعه اروپائی است (EC). نحوه انعقاد معاهدات بین المللی بین آن سازمان و سایر کشورها یا سازمانهای بین المللی بتفصیل در اساسنامه جامعه، یعنی معاهده ۱۹۵۷ رم، پیش بینی شده است. طبق مقررات ماده ۱۱۳ معاهده رم، کمیسیون اروپائی می‌تواند در زمینه روابط بازرگانی براساس ضوابطی که قبلاً به تأیید شورای وزیران جامعه اروپائی رسیده است<sup>۱۶۹</sup> با کشورهای ثالث وارد مذاکره

۱۶۷. ماده ۴۳ منشور ملل متحد: «۳. مذاکرات مربوط به موافقتنامه یا موافقتنامه‌های مزبور به ابتکار شورای امنیت هرچه زودتر صورت خواهد گرفت. این موافقتنامه‌ها بین شورای امنیت و اعضا یا بین شورای امنیت و گروههایی از اعضا منعقد خواهد گردید و کشورهای امضا کننده باید آن را برطبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب نمایند.»

۱۶۸. ماده ۸۳ منشور ملل متحد: «۱. کلیه وظایف ملل متحد مربوط به مناطق سوق الجیشی منجمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح احتمالی آن توسط شورای امنیت انجام می‌شود...»

ماده ۸۵ همان منشور: «۱. وظایف ملل متحد در مورد قراردادهای قیمومت کلیه مناطقی که سوق الجیشی قلمداد نشده‌اند، منجمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح آن توسط مجمع عمومی انجام می‌شود...» (اسناد بین المللی حقوق بشر، ج ۱، تهران ۱۳۵۰، ص ۴۸؛ مجموعه قراردادهای بین المللی چندجانبه ایران، ص ۲۰۶).

۱۶۹. فی المثل کمیسیون اروپائی در مورد روابط بازرگانی با آمریکا در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ سند شماره Com ۱۵۹/۸۸ طرح اعطای اختیار و انجام مذاکرات را به شورای وزیران تقدیم نموده است.

گردد ۱۷۰ و پس از امضاء، متن آن باید به تصویب شورای وزیران برسد و بدین ترتیب معاهده منعقد می‌شود.

بعلاوه ماده ۲۳۷ معاهده رم نیز در مورد انعقاد موافقتنامه‌های همکاری با کشورهای دیگر ۱۷۱ و ماده ۲۳۵ در مورد حصول به اهداف جامعه اقتصادی اروپائی از طریق انعقاد موافقتنامه با ممالک دیگر همین رویه را بازگو می‌کند. از طرف دیگر، ماده ۲۲۸ معاهده رم نیز تصریح می‌کند که طرح موافقتنامه‌ها نخست توسط کمیسیون اروپائی با کشورهای ثالث مورد مذاکره قرار گرفته و سپس شورای وزیران آن را تصویب و منعقد می‌نماید. ۱۷۲

۱۷۰. از این قبیل است مصوبه شورای وزیران کشاورزی مورخ ۱۶ و ۱۷ مه ۱۹۸۸ در مورد روابط جامعه اروپائی با مراکش که طبق صورتجلسه منتشره آن چنین مقرر داشته است: «شورا نتیجه مذاکرات برای موافقتنامه‌های زیر را مورد تأیید قرار داد: — پروتکل الحاقی به موافقتنامه همکاری بین جامعه اقتصادی اروپائی و پادشاهی مراکش؛ پروتکل موافقتنامه بین جامعه فولاد و زغال سنگ و پادشاهی مراکش متعاقب الحاق اسپانیا و پرتغال به جامعه اروپائی؛ پروتکل مربوط به همکاری مالی و فنی بین جامعه و پادشاهی مراکش — و تصمیم به امضای اسناد مذکور گرفته و طبق ماده ۲۳۸ معاهده رم از پارلمان اروپائی درخواست نظر موافق نموده است.»

۱۷۱. پارلمان اروپائی به پیشنهاد کمیته سیاسی آن (سند شماره ۲-۲/۸۷ الف مورخ ۶ آوریل ۱۹۸۷ گزارش آقای پروت) از کمیسیون اروپائی خواسته است که با تفسیر موسع ماده ۲۳۸ که تصویب موافقتنامه‌های «ایجاد کننده یک همکاری مشترک» (créant une association) را منوط به موافقت پارلمان اروپائی می‌داند این حکم را شامل کلیه موافقتنامه‌های ساده همکاری (cooperation) نیز نموده و اینگونه موافقتنامه‌ها را باید به تأیید پارلمان اروپائی برسانند.

۱۷۲. طبق نظر برخی از حقوقدانان (آنتونی پاری و استفان هاردی کتاب EEC-Law چاپ لندن ۱۹۷۳، ص ۴۳۵، بندهای ۱۶ — ۳۷) قدرت کمیسیون اروپائی برای انجام مذاکره جهت انعقاد معاهدات با کشورهای ثالث بسیار وسیع است؛ ولی این امر باید با همکاری یک کمیته اختصاصی (موسوم به کمیته ماده ۱۱۳) انجام شود. بنابراین کمیسیون اروپائی همیشه مسئول انجام مذاکره است (مانند قوه مجریه) و شورای وزیران آن جهت انعقاد و تصویب معاهده وارد عمل می‌شود (ماده ۱۱۴) و مداخلات پارلمان اروپائی جنبه مشورتی و بعضاً استفاده از حق و تودارد.



لازم به یادآوری است که وضعیت حقوقی جامعه اروپائی هنگام الحاق به هر کنوانسیون بین المللی، مستقل از کشورهای عضو خود می باشد و بنابراین حقوق و تکالیفی را که از الحاق به کنوانسیون ایجاد می شود، مستقیماً برعهده می گیرد<sup>۱۷۳</sup>، اعم از اینکه کشورهای عضو جامعه اروپائی به کنوانسیون مورد نظر ملحق شده یا نشده باشند. مثلاً جامعه اروپائی مستقلاً کنوانسیون بین المللی درباره سازه و هماهنگ نمودن تشریفات گمرکی (کیوتو، ۱۸ مه ۱۹۷۳) را در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۷۴ مورد قبولی<sup>۱۷۴</sup> قرارداد و طبق ماده ۱۲ آن سه ماه بعد، یعنی در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۴، نسبت به جامعه اروپائی لازم الاجرا گردید. تأیید<sup>۱۷۵</sup> شورای وزیران متعاقباً، یعنی در ۱۸ مارس ۱۹۷۵، صادر گردید.<sup>۱۷۶</sup> البته این مراحل بعد از تشریفات است که برای تصویب کنوانسیون توسط هریک از کشورهای عضو جامعه اروپائی انجام می پذیرد.<sup>۱۷۷</sup>



۱۷۳. دیوان دادگستری اروپائی (Cours te Justic des Communautés Européennes) در رأی ۷۶/۱ مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۷۷ اعلام نموده است: «حقوق جامعه اروپائی صلاحیتهائی را در زمینه داخلی برای ارگانهای مختلف جامعه اروپائی برای وصول به اهداف معین به رسمیت شناخته است. از طرف دیگر جامعه، خود برای پذیرفتن تعهدات بین المللی که برای وصول به اهداف مذکور ضروری است واجد صلاحیت می باشد، هرچند متن صریحی در این مورد وجود نداشته باشد.»

174. acceptance

175. approval

۱۷۶. مصوبه شورای وزیران جامعه اروپائی شماره ۷۵/۱۹۹ (مندرج در روزنامه رسمی مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۷۵، شماره ال ۱۰۰، ص ۱).

۱۷۷. رک. به کتاب Multilateral Conventions by E.C ، ص ۱۱، چاپ ۱۹۸۷، انتشارات رسمی جامعه اروپائی.

## تصویب معاهده توسط کشورهای ثالث: روش الحاق به معاهدات

### الف. تعریف

«الحاق»<sup>۱۷۸</sup> عبارت از ترتیبی است که بوسیله آن کشوری که در تدوین یک معاهده بین المللی مشارکت نداشته، رسماً به عضویت آن درآمده و مقررات مندرج در آن را متقبل می‌گردد. طبق ماده ۱۵ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ وین راجع به حقوق معاهدات، اعلام موافقت نسبت به یک معاهده از طریق الحاق در سه مورد ممکن است محقق شود:

اول، در متن معاهده تصریح شده باشد که می‌توان بوسیله الحاق مندرجات معاهده را پذیرفت.

دوم، به طریق دیگر ثابت شود که کشورها یا سازمانهای شرکت کننده در مذاکرات توافق داشته‌اند براینکه بوسیله الحاق نیز می‌توان مندرجات معاهده را پذیرفت.

سوم، هرگاه کلیه طرفها بعداً توافق نمایند که بوسیله الحاق می‌توان به معاهده ملتزم شد.

بدین ترتیب، الحاق به معاهدات از طریق ارسال سند واحد و یکجانبه‌ای که به کشورهای طرف معاهده ابلاغ و یا نزد کشور نگهدارنده

۱۷۸. معادل آن در زبانهای لاتین، Adhesion و یا Accession است. در گذشته بین این دو واژه لاتین تفاوت قائل بودند؛ چون واژه اخیر هنگامی بکار می‌رفت که کشور ثالث «مورد دعوت» قرار می‌گرفت، مانند سیزده کشوری که (منجمله ایران) در ضمیمه یک میثاق جامعه ملل «دعوت به عضویت» در جامعه ملل شده بودند؛ زیرا کشورهای فاتح جنگ بین الملل اول نمی‌خواستند آن کشورها را نیز از مزایای جبران خسارات جنگ بهره‌مند نمایند (اسامی کشورهای مذکور را می‌توان در مجموعه قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران گردآوری دکتر محمدعلی هدایتی، ص ۱۰، ملاحظه کرد). ولی این تفاوت بتدریج از میان رفت و امروزه هر دو واژه مترادف یکدیگر شناخته می‌شود.

اسناد تودیع می‌شود، انجام می‌پذیرد. در سند اعلام الحاق تصریح می‌شود که معاهده مورد قبول و تصویب قرار گرفته است. در هرگونه الحاق بین اینکه معاهده تا تاریخ الحاق لازم‌الاجرا شده باشد یا نه، فرقی وجود ندارد. ۱۷۹ امروزه در رویه معمول بین المللی، حتی کشوری هم که قبلاً در تنظیم یک کنوانسیون چندجانبه مشارکت نموده است امکان دارد تنها از طریق الحاق بتواند بدان ملتزم شود و این امر در مواردی پیش می‌آید که مهلت پیش‌بینی شده در معاهده برای امضاء و سپس تصویب آن منقضی گردیده و الحاق به عنوان تنها راه عضویت در کنوانسیون باقی مانده باشد. ۱۸۰ و ۱۸۱ همچنین در مواردی که توسط یکی از مراجع سازمان ملل متحد کنوانسیونی تهیه شده و پس از تأیید مجمع عمومی سازمان ملل برای امضای کشورهای مفتوح باشد، هر کشوری تنها از طریق الحاق می‌تواند به مندرجات آن ملتزم گردد. ۱۸۲

۱۷۹. براون لی: اصول حقوق بین الملل، لندن ۱۹۶۸، ص ۶۰۴.
۱۸۰. رک. به کتاب فیلیپ ماینسن Ph. Manin تحت عنوان حقوق بین الملل عمومی، پاریس ۱۹۷۹، ص ۸۸، مانند کنوانسیون لاهه راجع به حمایت از اموال فرهنگی هنگام جنگ مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ که طبق ماده ۳۰ کنوانسیون مزبور تا آخر همان سال امضای آن برای شرکت کنندگان ممکن بوده و پس از آن از طریق الحاق، عضویت در آن امکان پذیر شده است. ایران در تاریخ ۱۳۳۷/۲/۲۰ بدان ملحق گردیده است (مجموعه قوانین، ۱۳۳۷).
۱۸۱. در پاره‌ای از موارد ممکن است کشورها مجاز باشند قبل از الحاق رسمی به کنوانسیون مورد نظر، وفق مندرجات آن، مقررات آن را بطور موقت اجرا نمایند و این امر خصوصاً در کنوانسیونهای بازرگانی جهانی بیشتر بچشم می‌خورد مانند موافقتنامه بین المللی قهوه مورخ ۱۹۸۳ لندن که از طرف نیجریه از تاریخ ۱۹۸۳/۹/۲۹ بطور موقت اجرا شده ولی رسماً در ۱۹۸۴/۵/۳۱ به آن ملحق شده است و نیز کنوانسیون بین المللی گندم مورخ ۱۹۸۶ که از طرف هند از تاریخ ۱۹۸۶/۶/۲۷ بطور موقت اجرا شده ولی رسماً در ۱۹۸۶/۹/۲۴ به آن ملحق شده است رک. به:

Multilateral Convention and Agreements, Signatures by European Communities, and Agreements

نشریه کمیسیون اروپائی، بروکسل ۱۹۸۷، ص ۲۲۹ و ۳۴۱.

۱۸۲. براون لی، همانجا. مانند کنوانسیون نیویورک راجع به امتیازات و مصونتهای سازمان ملل متحد مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ در مجمع عمومی (مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد، شماره ۴،

←

## ب. خصوصیات الحاق

برای الحاق می‌توان سه خصوصیت به شرح زیر برشمرد:

۱. خصوصیت اول الحاق این است که کشور متقاضی به هنگام تدوین کنوانسیون علی‌الاصول حضور ندارد. به همین لحاظ، ماهیت حقوقی الحاق در پنجاه ساله اخیر تحوّل چشمگیری را شاهد بوده است و به جای ماهیت قراردادی و دوجانبه آن (توافق بین کشورهای عضو اصلی معاهده و کشورهای ثالث ملحق شونده) که مورد توجه پاره‌ای از حقوقدانان ایتالیائی قرار داشت<sup>۱۸۳</sup> بتدریج امروزه الحاق یک اقدام یکجانبه و یکطرفه<sup>۱۸۴</sup> شناخته می‌شود. نتیجه‌ای که براین تحلیل حقوقی جدید مترتب می‌شود این است که الحاق به منزله تسری وضعیت حقوقی موجود است نسبت به کشور ملحق شونده که از تاریخ الحاق به بعد شمول خواهد یافت. لذا کلیه تصمیماتی که توسط اعضای فعلی کنوانسیون تا تاریخ الحاق اتخاذ شده است به کشوری که بعداً به عضویت آن درآید، خود بخود تحمیل خواهد شد مگر اینکه الحاق مقید و مشروط باشد، مانند شروط پنجگانه‌ای که دولت امریکا در ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۹ برای الحاق پروتکل امضای اساسنامه دیوان داور بین‌المللی مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۲۰ مطرح نمود و کشورهای عضو، منجمله ایران، آنها را پذیرفتند (مصوب مردادماه ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی).<sup>۱۸۵</sup>

→ مجلد ۱، ص ۱۵) که تاکنون بیش از ۱۵۰ کشور به آن ملحق شده‌اند و دولت ایران در ۸ مه ۱۹۴۷ سند الحاق خود را تودیع نموده است، و نیز کنوانسیون راجع به امتیازات و مصونیت‌های آژانس‌های تخصصی ملل متحد مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ که ایران در ۱۶ مه ۱۹۷۴ به آن ملحق شده است.

183. V. Zannini, L'adesione di trattati internazionale, pavie, 1946; L. Ferreri Bravo: "Natura giuridica, dell'adesione agli accordi internazionali" Annuario di D.I. 1966, pp. 183-196.

184. unilateral

۱۸۵. مجموعه قوانین ۱۳۱۰؛ مجموعه قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران، ص ۸۶ — ۸۹؛ راهنمای عهد... ص ۳۸۱.

۲. خصوصیت دوم این است که الحاق کشورهای ثالث به یک معاهده بین‌المللی معمولاً هنگامی میسور است که این امر در معاهده پیش‌بینی شده باشد.<sup>۱۸۶</sup>

چنانکه فوقاً اشاره شد ماده ۱۵ کنوانسیونهای وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات و ۱۹۸۶ درباره حقوق معاهدات بین‌المللی و سازمانهای بین‌المللی، الحاق به یک معاهده بین‌المللی را در مواردی معتبر تلقی می‌نمایند که اعضای دیگر آن معاهده نسبت به الحاق نظر موافق داشته باشند. به عبارت دیگر، ماده ۱۵ نظریه قراردادی بودن الحاق را بر نظریه یکجانبه بودن آن مرجح دانسته، ولی آن را تسهیل نموده است؛ به این ترتیب که الحاق به یک معاهده را ممکن دانسته حتی بدون اینکه صریحاً این نکته در متن معاهده ذکر شده باشد. معذک این راه حل ابتکاری هنوز نتوانسته است مشکل مهم ارائه دلیل را در این زمینه حل نماید؛ چون همیشه می‌توان نسبت به امکان یا عدم امکان الحاق کشورهای ثالث و یا در مورد نظر و عقیده کشورهای تدوین‌کننده یک کنوانسیون در زمینه موافقت یا مخالفت آنها با الحاق کشورهای ثالث بحث و مجادله نمود. نکته مهم در ماده ۱۵ کنوانسیونهای وین این است که برای تشخیص امکان یا عدم امکان الحاق کشورهای ثالث هیچگونه اشاره‌ای به موضوع و یا مفاد و محتوای یک کنوانسیون نشده است<sup>۱۸۷</sup> و بدین لحاظ هیچگونه تفاوتی درباره امکان الحاق بین کنوانسیونهای مختلف و معاهدات متفاوت وجود

۱۸۶. معذک در پاره‌ای موارد می‌توان مشاهده کرد که بعضی از کنوانسیونهای بین‌المللی بدون تصریح حق الحاق کشورهای ثالث به لحاظ طبیعت آن قابل عضویت برای همه کشورهای است، مانند کنوانسیون بین‌المللی حفظ جان اشخاص در دریا که در لندن در ۱۷ ژوئن ۱۹۱۰ تدوین شد و در ایران از تاریخ ۳۱ مه ۱۹۶۶ لازم‌الاجرا گردید (مجموعه قوانین ۱۳۴۵؛ مجموعه قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران، ص ۷۹۳؛ فهرست عهدنامه‌های چند جانبه ایران، از انتشارات دفتر حقوقی وزارت امور خارجه ایران، مورخ ژانویه ۱۹۷۹، ص ۲۹).

187.S. Bestide: Les traité dans la vie internationale (conclusion et effets), Paris, Economica, 1985, p. C4 n°52.

ندارد.

معذلك می‌توان بین معاهدات بین‌المللی از حیث امکان الحاق کشورهای ثالث تقسیماتی قائل شد و برحسب مفید بودن یا نبودن آن و یا شرایط این الحاق مراتبی قائل گردید. بطور کلی معاهدات بین‌المللی از این لحاظ به سه گروه تقسیم می‌شوند:

● الف. گروه نخست، کنوانسیونهایی هستند که هر کشوری بدون تبعیض می‌تواند به آنها ملحق شود و این امر صریحاً در خود کنوانسیون پیش‌بینی شده است مانند ماده ۳ عهدنامه تحریم جنگ مورخ ۲۷ اوت ۱۹۲۸ که ایران در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۰۷ به آن ملحق شده است<sup>۱۸۸</sup>، ماده ۳ کنوانسیون مسکو مورخ ۵ اوت ۱۹۶۳ راجع به منع بعضی آزمایشهای هسته‌ای که الحاق ایران به آن در ۱۷ مردادماه ۱۳۴۲ صورت گرفته است<sup>۱۸۹</sup>، ماده ۲۳ معاهده بین‌المللی مربوط به خط شاهین کشتیها مورخ پنجم ژوئیه ۱۹۳۰ که ایضاً ایران در سال ۱۳۴۴ به آن ملحق شده است<sup>۱۹۰</sup>، ماده ۹ کنوانسیون مبادله بین‌المللی مدارک و نوشتجات رسمی و نشریات علمی و ادبی مورخ ۷ ژوئن ۱۹۴۹ که الحاق ایران به آن در ۱۰ اسفندماه

۱۸۸. مجموعه قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران، ص ۶۶؛ مجموعه قوانین ۱۳۰۷، ص ۱۵. همچنین قانون اجازه شرکت دولت ایران در عهدنامه تحریم جنگ (مجموعه قوانین ۱۳۰۸، ص ۳۰).

۱۸۹. مجموعه قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران، ص ۷۹۸ و مجموعه قوانین ۱۳۴۲.

۱۹۰. مجموعه قوانین ۱۳۴۴، ص ۲۱۸ به بعد، قانون الحاق دولت ایران به هفت کنوانسیون بین‌المللی دریائی. همچنین ماده ۱۲ معاهده بین‌المللی تحدید مسئولیت صاحبان کشتیهای دریایما مورخ دهم اکتبر ۱۹۵۷ و ماده ۱۵ معاهده بین‌المللی برقراری بعضی از مقررات متحدالشکل در تصادم کشتیها و پروتکل امضای آن مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۰، ماده ۱۲ کنوانسیون متحدالشکل کردن بعضی از مقررات مربوط به بارنامه‌ها مورخ ۲۵ اوت ۱۹۲۴ و ماده ۱۷ کنوانسیون یکنواخت کردن بعضی از مقررات مربوط به معاضدت و نجات در دریامورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۰ و ماده ۱۸ کنوانسیون متحدالشکل کردن بعضی از مقررات مربوط به حمل مسافر از طریق دریا مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۶۱ مندرج در مجموعه قوانین فوق‌الذکر و مجموعه قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران، ص ۷۵۷ به بعد.

۱۳۳۷ صورت گرفته است<sup>۱۹۱</sup>، ماده ۱۳ کنوانسیون بین المللی اتومبیلرانی مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۲۶ که ایران در ۳ دی ماه ۱۳۱۳ به آن ملحق گردیده است<sup>۱۹۲</sup>، ضمیمه ماده ۲ پروتکل لیتوانف راجع به تعریف تجاوز مورخ سی ام ژوئیه ۱۹۳۳ که ایران بموجب مصوبه ۱۲ تیرماه ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی الحاق خود را به آن انجام داده است<sup>۱۹۳</sup>، ماده ۵۵ کنوانسیون ژنورا راجع به حمایت افراد غیر نظامی در زمان جنگ مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و بالاخره ماده ۵۹ کنوانسیون ژنورا راجع به بهبود سرنوشت زخمیها و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹<sup>۱۹۵</sup> و غیره.

این گروه از کنوانسیونها به عنوان کنوانسیونهای چند جانبه غیر محدود شناخته شده و برای عضویت همه کشورها مفتوح است.

از نظر شکلی، الحاق کشورها به اینگونه معاهدات از طریق اعلامیه یکجانبه ای که<sup>۱۹۶</sup> به کشور نگه دارنده اسناد ارسال می شود، تحقق می پذیرد. در اغلب آنها پیش بینی شده است که همه کشورها می توانند به عضویت آنها در آیند. تعداد کشورهای نگه دارنده اسناد در اینگونه کنوانسیونها - چنانکه بعداً توضیح داده خواهد شد - عملاً موجب می گردد که عضویت در آن برای همه کشورها میسر باشد. از طرف دیگر، در مورد کنوانسیون وین ۱۹۶۹ و الحاق کشورهای ثالث به آن، بیست و هشتمین

۱۹۱. مجموعه قوانین ۱۳۳۷ و مجموعه قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران، ص ۲۹۴. همچنین است ماده ۱۱ اساسنامه سازمان بین المللی اندازه شناسی قانونی مورخ ۱۹۵۸ مصوب ۱۳۳۷/۱۱/۲ مندرج در قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران، ص ۶۰۵.
۱۹۲. مجموعه قوانین ۱۳۱۳ و قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران، ص ۴۹.
۱۹۳. مجموعه قوانین ۱۳۱۲ و قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران، ص ۴۴۱.
۱۹۴. مجموعه قوانین ۱۳۳۴، ص ۱۲۰ به بعد و قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران، ص ۳۹۸.
۱۹۵. همان مجموعه و کتاب فوق الذکر، ص ۳۲۲. ماده ۱۳۹ کنوانسیون ژنورا راجع به معامله با اسیران جنگی مقرر داشته است: «این معاهده به محض اینکه اعتبار یافت برای الحاق هر دولتی که آن را امضاء نکرده باشد، مفتوح خواهد بود.»

196. Adhesion par acle unilatéral

اجلاسیة مجمع عمومی قطعنامه ای را به تصویب رسانید که ضمن آن تأکید شده بود دبیرخانه سازمان ملل به عنوان نگهدارنده اسناد می تواند نظر مجمع عمومی را قبل از وصول یک سند الحاق نسبت به این امر درخواست نماید. بدین ترتیب، مداخله مجمع عمومی قاعدتاً به نفع عضویت بیشتر کشورها در کنوانسیون وین خواهد بود.

بطور کلی در مورد کنوانسیونهایی که مقررات بین المللی را تدوین می نمایند، جریانی که موافق عضویت تمامی کشورها به آنها می باشد بیشتر تقویت شده و بدین ترتیب مجمع عمومی طی قطعنامه ای (به شماره ۳۲۳۳، اجلاس ۲۹) از کلیه کشورها دعوت نموده است تا نسبت به الحاق و عضویت در کنوانسیون راجع به مأموریت های مخصوص (مصوبه مجمع عمومی که از ۸ دسامبر ۱۹۶۹ برای امضاء و الحاق کشورها مفتوح می باشد) اقدام نمایند. (ضمناً ایران نیز در ۵۳/۱۲/۱۵ بدان ملحق گردیده است، مجموعه قوانین ۱۳۵۴، ص ۱۴). همچنین راجع به کنوانسیون مربوط به نمایندگی کشورها در سازمان های بین المللی، مجمع عمومی طی قطعنامه ای (شماره ۳۲۴۷، اجلاس ۲۹) خواست که از همه کشورها جهت مشارکت در تدوین آن دعوت بعمل آید.

بدین ترتیب، می توان گروه دومی از کنوانسیونها را که دعوت از کشورهای ثالث، شرط الحاق به آنها می باشد مورد شناسائی قرار داد که ذیلاً مورد بحث قرار می دهیم.

● ب. گروه دوم اصولاً کنوانسیونهایی هستند که الحاق به آنها محدود و مختص کشورهای ویژه ای است؛ اعم از اینکه عضویت در یک اتحادیه بین المللی (مانند جامعه ملل یا سازمان ملل متحد و غیره) شرط الحاق باشد ۱۹۷، یا دعوت از آن کشور توسط سازمان ملل جهت الحاق به

۱۹۷. مانند کنوانسیون گوادالاخارا مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۶۱ مصوب ۱۳۵۴/۳/۲۲ (مجموعه قوانین ۱۳۵۴، منتشره در روزنامه رسمی ۱۳۵۴/۴/۵) در مورد یکسان نمودن برخی از مقررات مربوط به حمل و نقل هوایی بین المللی که در ماده ۱۴ تصریح می کند: «این





کنوانسیون قبلاً باید بعمل آمده باشد<sup>۱۹۸ و ۱۹۹</sup>، یا اینکه اگر کنوانسیون مربوط به یک منطقه جغرافیائی است، کشور متقاضی الحاق، در آن منطقه واقع

→ کنوانسیون جهت الحاق هریک از دول عضو سازمان ملل متحد و یا هریک از سازمانهای تخصصی مفتوح خواهد ماند.»

۱۹۸. مانند کنوانسیون تکمیلی منع بردگی و برده فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۵۶ مصوب ۳ اسفند ماه ۱۳۳۷ (مجموعه قوانین ۱۳۳۷ و مجموعه قرارداد های بین المللی چند جانبه ایران، ص ۵۲۹) که در بند ۲ ماده ۱۰ تصریح می کند: «این معاهده برای الحاق کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا مؤسسات اختصاصی تابعه یا سایر دولتهائی که دعوتنامه الحاق از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای آنها ارسال شده است مفتوح خواهد بود». پروتکل اصلاح کنوانسیون مربوط به یکسان کردن برخی از مقررات حمل و نقل هوائی بین المللی که در ۸ مارس ۱۹۷۱ در گواتمالا تدوین و در ۳/۲۲/۱۳۵۴ ایران به آن ملحق شده است در ماده ۱۸ می گوید: «این پروتکل برای ... هر دولت دیگری که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد جهت عضویت در این پروتکل دعوت شود، مفتوح خواهد ماند». ماده ۱۱ کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ مصوب ۳۰ آذر ۱۳۳۴: «از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۰ هر عضو سازمان ملل یا هر دولت غیر عضو که به شرح بالا از آن دعوت شده باشد می تواند به این معاهده ملحق شود.» (مجموعه قرارداد های ...، ص ۲۸۸). ماده ۹ کنوانسیون برای جلوگیری از اشاعه معامله نثریات مخالف اخلاق مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۳۳ مصوب ۳۱ سنبله ۱۳۰۲: «... هر دولت عضو جامعه ملل و هر دولتی که شورای جامعه نسخه ای از قرارداد را برای امضای آن فرستاده باشد می تواند به این قرارداد ملحق شود.» (همان کتاب، ص ۲۸). شبیه همین عبارت در ماده ۲۵ کنوانسیون تسهیل مراسم گمرکی مورخ ۳ نوامبر ۱۹۲۳ مصوب ۴ شهریور ۱۳۰۹ دیده می شود (همان کتاب، ص ۴۳) و نیز ماده ۱۷ کنوانسیون امداد مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۷ مصوب ۱۴ تیر ماه ۱۳۱۱ (همان کتاب، ص ۵۸) و ماده ۵ کنوانسیون راجع به جلوگیری از معامله نسون کبیره مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ مصوب ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳ (همان کتاب، ص ۱۴۲) و ماده ۱۶ کنوانسیون تسهیل دوران بین المللی فیلمهای تربیتی مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ مصوب ۲۰ دی ماه ۱۳۱۳ (همان کتاب، ص ۱۴۷). مواد ۴ و ۶ موافقتنامه راجع به متحدالشکل بودن طرز علامت گذاری دریائی مورخ ۱۳ مه ۱۹۳۶ مصوب ۲۱ خرداد ماه ۱۳۱۶ تصریح نموده هر دولتی که در کنفرانس وحدت علائم و روشنائی سواحل که از ششم تا بیست و سوم اکتبر ۱۹۳۰ در لیزبون تشکیل یافته بود و یا دعوت به اعزام نماینده شده بود می تواند به این موافقتنامه ملحق شود (همان کتاب، ص ۱۶۳).

۱۹۹. کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک (تاریخ الحاق ۱۹۶۵/۲/۳) در ماده ۵۰ اعلام نموده است: «این کنوانسیون برای الحاق هر کشوری که جزویکی از چهار طبقه

باشد<sup>۲۰۰</sup>، یا بعد از تحقق شرایط خاصّ و یا موافقت تعداد معینی از اعضای اصلی، الحاق به کنوانسیون ممکن باشد<sup>۲۰۱</sup> و بالاخره ساده‌ترین شرط الحاق کشورهای ثالث ممکن است عدم مخالفت و یا سکوت کشورهای عضو در قبال درخواست کتبی الحاق باشد، مانند ماده ۶۶ کنوانسیون مربوط

→ مذکور در ماده ۴۸ باشد مفتوح خواهد بود». ماده ۴۸: «این کنوانسیون برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا یک سازمان تخصصی و نیز هر کشور پیوسته به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و هر کشور دیگر که به این منظور از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت گردد... مفتوح خواهد بود...» (مجموعه قوانین ۱۳۴۴ و مجموعه قراردادهای...، ص ۷۵۲).

۲۰۰. مانند ماده ۲۳۷ معاهده رم مورخ ۲۵ مارس ۱۹۵۷ که جامعه اقتصادی اروپایی را تأسیس نموده و عضویت در آن را منحصر به کشورهای اروپایی دانسته است (به همین دلیل درخواست اخیر مراکش مورد قبول شورای وزیران جامعه در اجلاس مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۷ قرار نگرفت - بولتن جامعه اروپایی شماره ۷ و ۸، سال ۱۹۸۷، ص ۸۷) و ماده ۲۵ معاهده مکزیکو مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۶۷ راجع به ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای در امریکای لاتین و ماده ۲۸ میثاق وحدت افریقا مورخ ۲۵ مه ۱۹۶۳.

۲۰۱. مانند کنوانسیون تجارت گندم ۱۹۷۱ مصوب ۱۳۵۵/۵/۴ که در ماده ۲۵ آن آمده است: «۲). بعد از ژوئن ۱۹۷۱ هر دولتی که برای شرکت در کنفرانس گندم ۱۹۷۱ سازمان ملل دعوت گردیده است، بموجب شرایطی که شورا مقتضی بداند می‌تواند با دوسوم آرای داده شده بوسیله کشورهای صادرکننده و دوسوم آرای داده شده بوسیله کشورهای واردکننده، به این کنوانسیون ملحق گردد.» (مجموعه قوانین ۱۳۵۴، ص ۷۵۷ هفتگی)، و نیز تقریباً شبیه این مقررات در ماده ۷ پروتکل مورخ ۱۹۷۹ راجع به پنجمین تمدید کنوانسیون تجارت گندم ۱۹۷۱ مصوب ۱۳۵۹/۴/۴ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران (مندرج در مجموعه قوانین ۱۳۵۹، ص ۲۳۳ به بعد) تکرار شده است.

نویسنده انگلیسی لاتریباخت در مجموعه International law, t.4: The law of peace (ص ۱۹۴) مثالهای دیگری به شرح زیر برشمرده است: ماده ۲ اساسنامه سازمان یونسکو مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ خاطر نشان نموده که کشورهای غیر عضو سازمان ملل متحد براساس توصیه هیئت اجرایی می‌توانند پس از موافقت اکثریت دوسوم اعضای کنفرانس به عضویت سازمان درآیند (U.N.T.S. 4 (1947) 280). همچنین است اساسنامه سازمان بین‌المللی کار مورخ نوامبر ۱۹۴۵ (U.N.T.S.2. (1947) 18)، اتحادیه پستی جهانی مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۴۷ (Treaty Series n°57 1949)، سازمان هواشناسی جهانی مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۴۷، اتحادیه بین‌المللی تله‌کمونیکاسیون مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۴۷، سازمان مشورتی دریانوردی بین‌الدولی.

به حمل و نقل مسافران و چمدان با راه آهن ۲۰۲ که بموجب آن درخواست الحاق نباید با مخالفت حداقل دو کشور عضو کنوانسیون مواجه شود.

از نظر شکلی، الحاق به اینگونه کنوانسیونها با تبادل اعلامیه ۲۰۳ بین کشور متقاضی و کشور یا سازمان نگهدارنده اسناد انجام می شود.

● ج. گروه سوم، کنوانسیونهایی هستند که الحاق کشورهای ثالث به آنها باید با توافق کشورهای عضو اصلی کنوانسیون انجام گیرد. این رویه خصوصاً در مورد پیمانهای نظامی و دفاعی بیشتر معمول است، مانند موافقتنامه مورخ ۹ نوامبر ۱۹۶۰ مربوط به وضع مزایای سازمان پیمان مرکزی (سنتو) مصوب ۱۸/۸/۱۳۳۸، یا پیمان همکاری متقابل ترکیه و عراق و انگلیس معروف به پیمان بغداد مورخ ۴ آوریل ۱۹۵۵، یا پیمان

۲۰۲. مورخ ۵ فوریه ۱۹۶۱: «ماده ۶۶. الحاق به کنوانسیون:

۱. هر کشوری که این کنوانسیون را امضاء نکرده است و بخواهد به این کنوانسیون ملحق شود تقاضای خود را به دولت سویس ارسال می دارد. دولت سویس این تقاضا را به کشورهای عضو کنوانسیون با یک اطلاعیه اداره مرکزی درباره مشخصات راه آهنهای کشور تقاضا کننده برای مطالعه از لحاظ حمل و نقل بین المللی ارسال می دارد.

۲. در مدت حداقل شش ماه از تاریخ اعلام اگر حداقل دو کشور مخالفت خود را به دولت سویس اطلاع ندهند، تقاضا مورد قبول تلقی می شود. در صورت عکس، دولت سویس به کشور تقاضا کننده و کشورهای عضو کنوانسیون اطلاع می دهد که تقاضا معوق می ماند.

۳. هر فقره قبول تقاضا نتایج خود را یک ماه بعد از تاریخ ارسال اعلامیه از طرف دولت سویس به دست می آورد یا اگر در انقضای این مهلت هنوز کنوانسیون به موقع اجرا گذاشته نشده باشد از تاریخ اجرای کنوانسیون. « (مجموعه قراردادهای چند جانبه ایران، ص ۷۱۳) ».

### 203. Adhesion par déclarations échangées

۲۰۴. ماده ۲۵ موافقتنامه مربوط به وضع مزایا و مصونتهای سازمان پیمان مرکزی، نمایندگان ملی و کارمندان بین المللی آن: «این موافقتنامه جهت امضای کشورهای عضو سازمان پیمان مرکزی و سایر کشورهایی که مورد موافقت اعضای سازمان قرار گیرند مفتوح بوده و باید به تصویب قوه مقننه برسد.» (مجموعه معاهدات معتبر ایران، از انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۰۴).

۲۰۵. طبق ماده ۵ پیمان بغداد: «این پیمان برای الحاق هر یک از دول اتحادیه عرب یا هر یک از کشورهای دیگری که به امنیت و صلح این ناحیه علاقمند هستند و طرفین متعاهدین معظمتین آن کشور را به رسمیت کامل شناخته باشند، باز خواهد بود. الحاق از تاریخی

←

اتلانتیک شمالی بین امریکا و بعضی از کشورهای اروپای غربی. در اینگونه معاهدات، الحاق کشورها بوسیله انعقاد یک معاهده ویژه<sup>۲۰۶</sup> صورت می پذیرد، همچنانکه الحاق دولت پاکستان به پیمان بغداد طبق معاهده مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ و الحاق دولت ایران به آن طبق معاهده مورخ ۳۰/۷/۱۳۳۳ انجام شده است<sup>۲۰۷</sup>؛ همچنین الحاق ترکیه و یونان به پیمان اتلانتیک شمالی طبق پروتکل مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۵۱ به امضای کشور ملحق شونده و ممالکی که عضو اصلی پیمان بودند انجام پذیرفته است.

۳. خصوصیت سوم الحاق این است که کشور ملحق شونده از تاریخ تودیع اسناد الحاق بطور قطعی به مندرجات کنوانسیون ملتزم می شود. برخلاف عضویت در یک کنوانسیون در مرحله امضای آن که چون کشورهای آن مشارکت نموده اند<sup>۲۰۸</sup> فقط با امضای آن مقدماتاً عضویت غیر قطعی را در کنوانسیون به دست می آورند. هر چند بعداً بر اثر امتناع از تصویب آن هیچگونه تعهد قطعی را برعهده نگیرند - اما در الحاق

درسمیت دارد که سند الحاق به وزارت امور خارجه عراق تسلیم شده باشد. هر دولت عضو که به پیمان فعلی ملحق شود می تواند طبق ماده ۱ با یک یا چند دولت عضو پیمان، قراردادهای خاص منعقد سازد». ولی برعکس آن، در پیمان سعدآباد که به نام عهدنامه عدم تعرض بین ایران و افغانستان و ترکیه و عراق در ۱۷/۴/۱۳۱۶ امضاء شده بود، هیچگونه مقرراتی برای امکان الحاق یک کشور ثالث به آن پیش بینی نشده بود (مجموعه قوانین ۱۳۱۶، ص ۱۴۶).

#### 206. Adhesion par traité spécial

۲۰۷. رک. به متن ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل متحده بین دولتین عراق و ترکیه مصوب ۳۱/۷/۱۳۳۴ در مجموعه قوانین ۱۳۳۴، ص ۲۱.

۲۰۸. ممکن است الحاق برای شوراهایی نیز پیش بینی شود که در تدوین کنوانسیون مشارکت نموده ولی مبادرت به امضای آن ننموده اند، مانند کنوانسیون بین المللی متحدالشکل کردن بعضی از مقررات مربوط به بارنامه هامورخ ۲۵ اوت ۱۹۲۴ مصوب تیرماه ۱۳۴۴ (مجموعه قوانین ۱۳۴۴، ص ۲۱۸ به بعد و مجموعه قراردادها...، ص ۷۸۱). ماده ۱۲: «دولی که این کنوانسیون را امضاء ننموده اند، خواه در کنفرانس بین المللی بروکسل شرکت داشته و یا نداشته باشند، می توانند به این کنوانسیون ملحق شوند...».

کشور ملحق شونده بطور قطع به یک کنوانسیون ملتزم می‌شود. معذک در پاره‌ای از کنوانسیونها ممکن است استثنائاً مقررات دیگری وضع شده باشد؛ بدین ترتیب که به کشورهای ثالث که متقاضی الحاق هستند اجازه داده می‌شود ابتدائاً مبادرت به امضای معاهده نمایند و پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده رسماً به آن ملحق شده و التزامات آن را برعهده بگیرند (مانند ماده ۲۳ کنوانسیون مربوط به خط شاهین کشتیها مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۳۰).<sup>۲۰۹</sup> همچنین ممکن است الحاق به کنوانسیون مشروط به تصویب آن از طرف مقامات صالحه کشور باشد<sup>۲۱۰</sup> که در این صورت تا زمان تودیع اسناد تصویب، الحاق به منزله امضای مقدماتی کنوانسیون محسوب می‌شود.<sup>۲۱۱</sup>

در زبان قانونگذاری و پارلمانی ایران کلمه الحاق در پاره‌ای موارد در معنای وسیع کلمه و مترادف با عضویت در کنوانسیونها بکار برده شده و بدین لحاظ شامل مواردی هم که دولت ایران در تدوین کنوانسیون مشارکت نموده است می‌گردد، مانند «الحاق» ایران به پروتکل اصلاحی بند «الف» ماده ۵۰ کنوانسیون شیکاگو مصوب ۹/۴/۵۴.<sup>۲۱۲</sup>

۲۰۹. ماده ۲۳ مذکور مقرر می‌دارد: «دولتی که این کنوانسیون را امضاء نموده ... می‌تواند در هر موقع پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون به آن ملحق گردد. الحاق به این کنوانسیون باید کتبی به دولت انگلیس اعلام گردد. این الحاق سه ماه پس از تاریخ وصول لازم‌الاجرا است. دولت انگلیس کلیه دول امضاکننده و ملحق شده را از دریافت هرگونه اسناد الحاق با ذکر تاریخ وصول مطلع خواهد ساخت.» (مجموعه قراردادها...، ص ۷۶۴).

#### 210. Adhesion sous reserve de Ratification

۲۱۱. شارل روسو: حقوق بین الملل عمومی، ط پاریس ۱۹۷۰، ج ۱، شماره ۹۰ و اوپنهایم — لوتر پاخت: حقوق بین الملل، ط لندن، ج ۱، ص ۹۰۹ به بعد.

۲۱۲. متن مصوبه پارلمان ایران بدین شرح است: «ماده واحده. پروتکل اصلاحی بند «الف» ماده ۵۰ کنوانسیون بین المللی هواپیمائی کشوری شیکاگو مورخ ۷ دسامبر ۱۹۴۴ که در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۷۴ در موترال به امضاء رسیده تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود...» (مجموعه قوانین ۱۳۵۴، ص ۵۳۰ ضمیمه) و قانون اجازه «الحاق» دولت ایران به قرارداد تعاون مالی مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۳۰ که طبق ماده واحده ۱۴ تیرماه ۱۳۱۱ کنوانسیون مذکور را «تصویب» می‌کند و به دولت اجازه می‌دهد «نسخه صحه شده آن را به دارالانشای

برعکس، در بعضی موارد به جای اصطلاح «الحاق» کلمه «مشارکت» بکار برده شده است خصوصاً در دوره‌های اولیة مجلس شورای ملی ۲۱۳، ولی در اکثر مواقع واژه «الحاق» به معنی صحیح آن بکار رفته یعنی به مواردی اطلاق شده که ایران به عنوان کشور ثالث التزامات معاهده را بعداً متقبل گردیده است، مانند قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت گندم مورخ ۱۹۷۱ مصوب ۱۳۵۵/۴/۳۱ یا قانون اجازه الحاق دولت ایران به کنوانسیون ۱۲ اکتبر ۱۹۲۹ و رشو ۲۱۵ و غیره.

اینک پس از مطالعه تفصیلی نحوه تصویب معاهدات در صفحات گذشته این فصل، لازم است کاهش تدریجی اهمیت آن در دنیای امروز و حذف تشریفات زائد و بوجود آمدن ترتیبات جدیدتر را مورد بحث قرار دهیم.

۱- جامعه ملل تسلیم نماید.» (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هشتم قانونگذاری ۱۳۰۹ - ۱۳۱۱، ص ۴۹۱) و نیز قانون اجازه الحاق قطعی دولت ایران به مقررات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی داوری بین المللی مصوب ۲۳ خردادماه ۱۳۱۰ که چنین است: «ماده واحده. مجلس شورای ملی الحاق قطعی دولت ایران را به مقررات ماده ۳۶ اساسنامه راجع به التزام حکمیت دیوان مزبور در موارد مشروحه در ماده سابق الذکر بطوریکه نماینده ایران در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۰۹ امضاء نموده است، تصویب کرده و به دولت اجازه می‌دهد که اسناد مصدق آن را به دارالانشای جامعه ملل تسلیم نماید.» (همان کتاب، ص ۴۸۷ و مجموعه قوانین ۱۳۱۰، ص ۷۸۱ در چاپ اول و ص ۴۳ در چاپ دوم).

۲۱۳. مانند قانون اجازه مشارکت (یعنی الحاق) دولت ایران در مقررات کنفرانس تلگرافی بیسیم منعقد در واشنگتن ۱۹۲۷ (مشمول بر ۲۴ ماده) مصوب ۱۳۰۸/۸/۱۶ مجلس شورای ملی (مجموعه قوانین دوره هفتم مجلس، ص ۳۶۲). همچنین الحاق ایران به کنوانسیون تلگراف به این صورت تصویب شده است: «ماده واحده. مجلس شورای ملی شرکت (یعنی الحاق) دولت ایران را در مقررات کنفرانس تلگرافی که در سنه ۱۹۲۸ در بروکسل منعقد گردیده است را تصویب می‌نماید.» (همانجا، جلسه ۱۳۰۸/۸/۱۶).

۲۱۴. مجموعه قوانین ۱۳۵۵، ص ۷۵۷ ضمیمه و روزنامه رسمی ۱۳۵۵/۶/۳.

۲۱۵. مجموعه قوانین، ص ۳۸۷ ضمیمه و روزنامه رسمی ۱۳۵۴/۴/۲۸ و نیز قانون اجازه الحاق دولت ایران به مقررات مربوط به عملیات زیردریاییها در موقع جنگ مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۱۷ (مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره یازدهم قانونگذاری ۱۳۱۶ - ۱۳۱۸، ص ۴۱۹، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۹).

## کاهش اهمیت تصویب معاهدات در دنیای امروز

تشریفات تصویب معاهدات که تفصیل آن را بررسی و مطالعه کردیم بتدریج اهمیت خود را از دست می‌دهد. بدین لحاظ در بسیاری از کنوانسیونهای بین‌المللی که در سالهای اخیر تدوین یافته علاوه بر روش تصویب، طرق و روشهای ساده‌تری نیز پیشنهاد گردیده است تا اگر کشورها مایل باشند بتوانند بوسیله آنها التزام خود را به کنوانسیون اعلام نمایند.

قدیمی‌ترین روش و در عین حال فوق‌العاده‌ترین آنها در ماده ۴ پروتکل اصلاح اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۹ پیش‌بینی شده بود که بموجب آن سکوت دولتها به منزله قبول ضمنی مندرجات پروتکل تلقی می‌شد. ۲۱۶ هرچند این روش برخلاف رویه معمول در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شد و به همین دلیل تصویب و اجرای پروتکل مذکور سالها به تعویق افتاد، ولی متعاقباً در پاره‌ای از کنوانسیونها مورد اقتباس قرار گرفت و تا حدودی به عنوان یک رویه قابل قبول در کنوانسیونهای تخصصی شناخته شد. ۲۱۷ مهمترین روشهایی که در

۲۱۶. ماده ۴ پروتکل اصلاح اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که در ۱۹ مردادماه ۱۳۰۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است (مجموعه قوانین ۱۳۰۹، ص ۱۳۹ و مجموعه قراردادها...، ص ۶۹) مقرر می‌دارد: «این پروتکل از اول سپتامبر ۱۹۳۰ به موقع اجرا گذاشته خواهد شد به شرطی که شورای جامعه ملل اطمینان حاصل نماید که اعضای جامعه ملل و دول مذکوره در ضمیمه اساسنامه که پروتکل مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۲۰ را تصویب کرده ولی سند تصویب آنها راجع به این پروتکل تا این تاریخ نرسیده، اعتراضی به اجرای اصلاحات اساسنامه دیوان داوری مذکوره در ضمیمه این پروتکل ندارد.» (مجموعه قوانین ۱۳۱۰، ص ۷۸ ط اول و ص ۴۳ ط دوم).

۲۱۷. فی‌المثل بند ۳ ماده ۱۶ کنوانسیون گمرکی سیستم هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالا (بروکسل، ۲۴ ژوئن ۱۹۸۶) تصریح نموده است: «هر اصلاح توصیه شده‌ای در انقضای یک مهلت شش‌ماهه از تاریخی که دبیرکل اصلاح مزبور را به اطلاع رسانده است پذیرفته شده تلقی می‌گردد مشروط بر اینکه در پایان این مهلت هیچ نوع ایرادی بر آن وارد نشده

←

این زمینه وضع و معمول گردیده است، روش قبولی یا پذیرش معاهده (الف) و نیز روش تأیید آن (ب) می باشد.

### الف. قبولی (پذیرش)<sup>۲۱۸</sup> معاهده به جای تصویب آن

پس از پایان جنگ بین الملل دوم، ایالات متحده آمریکا و نیز برخی از کشورهای اروپائی کوشش نمودند بمنظور حذف تشریفات و محدودیتهای تصویب، طریق سهلتری را برای عضویت کشورهای خود در کنوانسیونهای چند جانبه بین المللی پیشنهاد نمایند. بدین ترتیب، ماده ۱۵ اساسنامه یونسکو مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ (مصوب ۱۳۲۷/۴/۱۵) قوه مقننه در ایران) قبولی (پذیرش) معاهده را بوسیله دولتها طریق ملتزم شدن به آن دانسته است.<sup>۲۱۹</sup> همچنین اساسنامه صندوق بین المللی پول (مصوب ۶ دی ماه ۱۳۲۴ توسط پارلمان ایران) و اساسنامه بانک بین المللی برای توسعه و عمران، مقررات مشابهی را وضع نمودند.<sup>۲۲۰</sup> در موافقتنامه عمومی تعرفه ها و تجارت (گات) مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ نیز به همین نحو عمل شد و مقرر گردید که موافقتنامه مذکور «برای قبولی هر دولت امضاء کننده سند نهائی

→ باشد». (کنوانسیون مذکور در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۵ توسط دولت ایران امضاء شد، ولی هنوز به تصویب نرسیده است.)

۲۱۸. Acceptation به فرانسه، و Acceptance به انگلیسی.

۲۱۹. مجموعه قوانین ۱۳۲۷، ص ۱۲ و مجموعه قراردادها...، ص ۲۴۱: «ماده ۵۱:

۱. این اساسنامه به کشورهای متعاقد ابلاغ خواهد شد تا قبولی خود را اعلام نمایند. اسناد قبولی به دولت بریتانیا تسلیم خواهد شد.

۲. این اساسنامه در بایگانی دولت بریتانیا گذاشته می شود و برای امضاء حاضر و مفتوح خواهد بود. امضاء ممکن است قبل یا بعد از تسلیم اسناد قبولی صورت گیرد. قبولی در صورتی اعتبار دارد که قبل یا بعد از آن امضاء بعمل آید.»

۲۲۰. مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد U.N.T.S ج ۴، ص ۲۷۵: «هر کشوری که این اساسنامه را امضاء نموده و اسناد قبولی این موافقتنامه را که مطابق حقوق داخلی اش تهیه شده و کلیه مراحل لازم برای متعهد شدن به التزامات مندرج در آن را طی نموده باشد باید نزد دولت ایالات متحده آمریکا تودیع نماید.» (مجموعه قوانین ۱۳۲۴، ص ۹۹).



آن مفتوح خواهد بود». بعلاوه منشور هاوانا مورخ ۲۴ مارس ۱۹۴۸ در مورد سازمان تجارت بین المللی نیز قبولی (پذیرش) را وسیله ملتزم شدن کشورها به مفاد معاهده دانسته است. ۲۲۱ حتی قبل از آنها در فاصله بین دو جنگ بین الملل، عضویت امریکا در سازمان بین المللی کار به همین روال انجام پذیرفت و به جای تصویب اساسنامه آن، ایالات متحده امریکا در ۱۹۳۴ مبادرت به «قبول» دعوتنامه سازمان مذکور نمود. برای تمهید این امر، قطعنامه‌ای به تصویب کنگره و سنای امریکا رسید و رئیس جمهور مجاز به قبول عضویت در سازمان بین المللی کار شد. ۲۲۲ و ۲۲۳

پس از این دوره، پاره‌ای از معاهدات چند جانبه برای بیان نحوه عضویت در آن بوسیله قبولی (پذیرش) از عبارت واحدی به شرح زیر استفاده نمودند: «دولتها می‌توانند به عضویت این معاهده درآیند چنانچه: الف. معاهده را بدون قید و شرط درباره قبولی امضاء نمایند؛

۲۲۱. راجع به موارد استفاده از روش «قبولی» (پذیرش) در کنوانسیونهای سازمان ملل متحد رک. به مقاله Liang در ژورنال امریکائی حقوق بین الملل (A.J.I.L.)، سال ۱۹۶۰، ص ۳۴۲ - ۳۴۹.

۲۲۲. اساسنامه سازمان بین المللی کار چون در واقع بخش سیزدهم معاهده ۱۹۱۸ ورسای را تشکیل می‌داد نمی‌توانست از نظر سیاسی مورد تصویب سنای امریکا قرار گیرد و لذا دولت امریکا با تمهید این ابتکار به عضویت آن درآمد. لازم است اضافه شود که در اعلامیه رئیس جمهور امریکا مبنی بر قبول عضویت در سازمان بین المللی کار، عبارتی بکار گرفته شده که با تصویب معاهدات تفاوت چندانی ندارد و این نشان می‌دهد که روش قبولی (پذیرش) از ابتدا فقط برای حذف تشریفات شور و بررسی متن معاهده در پارلمانها وضع شده است، نه برای سبک نمودن تعهدات کشورهای عضو. در اعلامیه مذکور چنین آمده است:

"The President proclaim and make public the Constitution of the International Labour Organisation, a certified copy of which is here to annexed, to the end that the same and every Article and clause there of may be deserved with good faith by the United States of America and the citizens thereof".

۲۲۳. حتی پیش از عضویت در سازمان بین المللی کار، امریکا در ۱۹۲۱ برای عضویت در دفتر بین المللی هیدروگرافیک (International Hydrographic Bureau) و در ۱۹۲۴ برای عضویت در انستیتوی بین المللی آماری (International Statistical Institute) از همین طریق استفاده نموده است.

ب. در موقع امضاء، قیدی برای قبولی مطرح نموده و بعداً قبولی را ارائه نمایند؛

ج. آن را قبول نمایند.»<sup>۲۲۴</sup>

البته کمیته حقوقی مجمع عمومی سازمان ملل (کمیته ششم) در سال ۱۹۴۸ پس از بحث طولانی در مورد نحوه ملتزم شدن دولتها به پروتکل اصلاحی کنوانسیونهای راجع به منع تجارت انسان و جلوگیری از فحشاء، به اکثریت ۳۰ رأی بدون مخالف و ۴ رأی ممتنع، رویه کلاسیک یعنی امضاء را که متعاقب آن تصویب باشد به جای قبولی (پذیرش) مورد تأیید قرار داد<sup>۲۲۵</sup> و به این لحاظ مدتی کاربرد طریقه «قبولی» متداول نبود و فقط در آن دوره دو کنوانسیون علاوه بر رویه کلاسیک، روش قبولی را نیز انتخاب نمودند.<sup>۲۲۶</sup>

کمیسیون حقوق بین الملل که از سالهای بعد از جنگ دوم جهانی برای تدوین کنوانسیون در مورد حقوق معاهدات به تحقیق و کار اشتغال

۲۲۴. مانند ماده ۴ پروتکل اصلاحی کنوانسیونهای راجع به منع فحشاء و جلوگیری از اشاعه نشریات منافی عفت و مستهجن مورخ ۴ مه ۱۹۴۹ مصوب ۱۸ آذرماه ۱۳۳۷ (مجموعه قوانین ۱۳۳۷ و مجموعه قراردادهای...، ص ۲۹۰) و نیز کنوانسیون ۶ مارس ۱۹۴۸ درباره سازمان مشورتی دریانوردی بین المللی (Inter-governmental Maritime Consultative Organisation) که دولت ایران در ۱۰ ژوئن ۱۹۴۵ به آن ملحق شده است (مجموعه قوانین ۱۳۲۴). روشهای عضویت در آن به شرح زیر است:

(a) Signature without reservation as to acceptance, or (b) Signature subject to acceptana followed by acceptance; or (c) acceptance.

۲۲۵. رک. به

Official Records of the General Assembly, 3e session, part I, sixth committee, 88th meeting

همچنین هنگام تدوین کنوانسیون ژنو راجع به حمل و نقل جاده‌ای بین المللی مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۹ روش «قبولی» پذیرفته نشد.

۲۲۶. رک. به موافقتنامه مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۵۰ برای وارد کردن لوازم تربیتی و علمی و فرهنگی

مصوب ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۹ مجلس شورا (مجموعه قوانین ۱۳۲۹ و مجموعه قراردادهای...،

ص ۴۵۵) و نیز کنوانسیون جهانی حق التألیف مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ که تحت نظارت

سازمان یونسکو تدوین گردید.

داشته است در این زمینه بتفصیل به بحث و بررسی پرداخت. حتی گزارشگر ویژه آن در سال ۱۹۵۳ (لوترباخت) پیشنهاد نمود ماده‌ای در مورد «قبولی» در طرح کنوانسیون گنجانیده شود.<sup>۲۲۷</sup> هرچند این پیشنهاد بعداً کنار گذاشته شد ولی در نهایت امر در ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین روش قبولی (پذیرش) به عنوان یکی از روشهای التزام به معاهده شناخته شده است:

«رضایت یک دولت نسبت به التزام به یک معاهده ممکن است بوسیله امضاء، مبادله اسناد تدوین معاهده، تصویب، قبولی، تأیید، الحاق و یا هر طریقه دیگر که مورد توافق قرار گیرد، ابراز گردد.»

هدف از تنظیم این ماده این بود که در زمینه انتخاب روشی که کشورها بوسیله آن التزام خود را به معاهده ابراز می‌دارند، هرگونه تحمیلی منتفی گردد و در انتخاب رویه‌ای که در هر مورد خود به مصلحت و مناسب می‌دانند آزادی کامل خواهند داشت. تنها محدودیتی که در این باره وجود دارد قانون اساسی خود آنها و مقررات داخلی‌شان می‌باشد. به عبارت دیگر، دولت‌ها در عین آزادی در انتخاب روشی که به آن وسیله تأیید قطعی خود را نسبت به معاهده اعلام می‌دارند، نباید مقررات قانون اساسی خود را زیر پا بگذارند.

به همین دلیل گفته شده است واژه «قبولی» (یا پذیرش) سالب رویه تصویب معاهدات و حتی «امضاء»، بنا بر تعریفی که در فصول گذشته از آن یاد کردیم، نیست؛ یعنی با آنها قابل جمع است. به عبارت

۲۲۷. متن طرح لوترباخت بدین شرح بوده است:

Article 8-Acceptance; wherever provision is made for the assumption of the obligations of the treaty by acceptance, a state may become a party to the treaty by a procedure which consists either: (a) In signature, ratification, or accession; or (b) In an instrument formally described as acceptance; or (c) In a combination of the two preceding methods.

مراجعة شود به کتاب مجموعه مقالات و آثار لوترباخت:

Hersch Lauterpacht: international law, t.4: The law of peace parts VII-VIII, collected papers édicted by: E. Lauterpacht p. 195.

دیگر، نتیجه ذکر واژه «قبولی» در کنوانسیون این است که دولتها در انتخاب روشی که به آن وسیله می‌خواهند به معاهده ملتزم گردند، مخیرند؛ چه از طریق رویه‌های کلاسیک (یعنی امضای مقدماتی و سپس تصویب) و چه به روشی که از نظر تشریفاتی ساده‌تر است (یعنی الحاق یا «قبولی»).<sup>۲۲۸</sup> بدین لحاظ واژه «قبولی» (پذیرش) در بسیاری از معاهدات چند جانبه گاهی معادل کلمه «الحاق» و گاهی مترادف «تصویب» شناخته شده است.<sup>۲۲۹</sup> به همین ترتیب، رویه الحاق به معاهدات — چنانکه فوقاً بیان شد — برای کشوری که معاهده را قبلاً امضاء نموده ولی آن را به تصویب رسمی نرسانده مترادف «قبولی» است.<sup>۲۳۰</sup> و در واقع روش دیگری است که کشورها بدون طی تشریفات طولانی به آن طریق می‌توانند به عضویت یک کنوانسیون نائل آیند. با توجه به ملاحظات فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که اگر یک کنوانسیون (مانند کنوانسیون ۱۹۸۳ حقوق دریاها) تصویب را به عنوان تنها روشی که می‌توان از آن طریق به معاهده التزام قطعی پیدا نمود، معرفی نماید، یک امر استثنائی بوده و برخلاف رویه‌ای است که در ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات به رسمیت شناخته شده است.<sup>۲۳۱</sup>

لازم است اضافه گردد که روش «قبولی» متضمن لزوم ارائه سند جدیدی است که التزام قطعی کشور را به مفاد کنوانسیون مورد تأیید قرار

۲۲۸. لوترباخت: مجموعه فوق‌الذکر، ج ۴، ص ۱۹۵؛ شارل روسو: ج ۱، ص ۹۳، شماره ۶۸.

۲۲۹. مک‌نایر: حقوق معاهدات، لندن ۱۹۶۱، ص ۹۹.

۲۳۰. بنا به نوشته باستید (ص ۶۹):

“Le mot acceptation sert en somme à la fois pour désigner ne procédure qui peut être équivalent à la ratification ou peut être simplement l'adhésion.”

۲۳۱. همچنین کنوانسیون لومه مورخ ۱۹۷۵ که بین جامعه اروپائی و کشورهای افریقائی - کارائیب - پاسیفیک منعقد شده است و نیز کنوانسیون بین‌المللی حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای مذکور در پانویس ۲۴۳ در صفحات آینده. و نیز کنوانسیون مسکو راجع به ممنوعیت آزمایشهای هسته‌ای مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۶۳ (مجموعه قوانین ۱۳۴۲ و مجموعه قراردادها ...، ص ۷۹۸) که تصویب را تنها وسیله التزام به معاهده دانسته‌اند.

می‌دهد. این سند معمولاً از طرف قوه مجریه صادر می‌شود و حتی در بعضی از کشورها، مانند فرانسه، این اقدام ممکن است توسط وزیر امور خارجه انجام پذیرد.<sup>۲۳۲</sup> همین ویژگیها را نیز می‌توان در رویه «تأیید» معاهدات ملاحظه نمود.

#### ب. تأیید<sup>۲۳۳</sup> معاهده

قبل از تدوین ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین که در آن صریحاً در کنار «تصویب» و «قبولی» از «تأیید» معاهده نیز به عنوان روش دیگری برای اینکه کشورها نسبت به معاهده‌ای بطور قطع ملتزم شوند، نام برده است، پاره‌ای از کنوانسیونهای بین‌المللی برای نخستین بار روش «تأیید» را ذکر کرده<sup>۲۳۴</sup> و بعضی دیگر هر دو روش یعنی «قبولی» و «تأیید» را مطرح نموده بودند.<sup>۲۳۵</sup> کاربرد این دو اصطلاح در کنوانسیونهای مختلف این نظریه را تقویت می‌نمود که قاعدتاً بین رویه «قبولی» و «تأیید» تفاوت‌هایی وجود دارد. اساسنامه سازمان بهداشت جهانی مورخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۶ (مصوب اول خردادماه ۱۳۲۷ مجلس شورا) در ماده ۷۹ چنین تصریح نموده است<sup>۲۳۶</sup>: «کشورها می‌توانند با اجرای مراتب ذیل عضو

۲۳۲. رک. به کتاب س. باستید به نام معاهدات در زندگی بین‌المللی، ط پاریس ۱۹۸۵، ص ۶۹.

۲۳۳. approbation به فرانسه، و approval به انگلیسی.

۲۳۴. مانند پروتکل مربوط به دفتر بین‌المللی بهداشت عمومی (protocol concerning the office International d'Hygiene Publique) (منسدرج در مجموعه معاهدات سازمان ملل، ج ۹، ص ۶۶) و پروتکل اصلاحی موافقتنامه‌ها و کنوانسیونها و پروتکل‌های مربوط به مواد مخدر (Protocol amending the Agreements, conventions and protocols on Narcotic Drugs) (همان سری، ج ۱۲، ص ۱۷۹).

۲۳۵. مانند کنوانسیون تجارت گندم مورخ ۱۹۷۱ مصوب ۱۳۵۵/۴/۳۱ (مجموعه قوانین ۱۳۵۵، ص ۷۵۷): ماده ۲۳: «اجرای این کنوانسیون منوط به تصویب، پذیرش یا تأیید هر دولت امضاکننده برطبق قوانین اساسی کشور خود می‌باشد.»

۲۳۶. مجموعه قوانین ۱۳۲۷ و مجموعه قراردادها...، ص ۲۵۸.

تشکیلات باشند:

۱. امضاء بدون شرط تأیید بعدی؛
۲. امضاء به قید قبولی که متعاقباً هم تأیید ارائه گردد؛
۳. قبولی. «۲۳۷»

با این ترتیب، شاید بتوان گفت در اندیشه نویسندگان اینگونه کنوانسیونها «تأیید» در موارد خاصی بکار رفته و معنایی محدودتر داشته و به منزلهٔ تنفیذ امضائی است که بطور موقت در یک معاهده انجام گردیده است، بدون اینکه تشریفات «تصویب» لازم الرعایه باشد. ۲۳۸. در عین حال، محققان در اکثر موارد «قبولی» و «تأیید» را مترادف یکدیگر تلقی می‌نمایند؛ ۲۳۹؛ همچنانکه کنوانسیون ۱۹۸۶ وین تصریح می‌کند: «منظور از عبارات «قبولی»، «تأیید» و «الحاق»، سندی است که برحسب مورد یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی رضایت خود را در سطح بین‌المللی برای التزام به معاهده ابراز و تثبیت می‌نماید.» (مادهٔ ۲ پاراگراف ۱ بند «ب» ثالثاً).

۲۳۷. در جملهٔ فوق، عبارات مندرج در ترجمهٔ رسمی و مصوب مجلس شورای ملی تصحیح گردیده زیرا متن مادهٔ ۷۹ فوق در قانون چنین ترجمه شده است: «۱. امضای آن بدون حفظ حق تصویب بعدی ۲. امضاء به قید تصویب بعدی یا قبولی آن ۳. قبولی بلا شرط» که درست به نظر نمی‌رسد. به هر حال متن انگلیسی چنین است:

“States may become parties to the constitution by: (1) Signature without reservation as to approval; (2) Signature subject to approval followed by acceptance; or (3) acceptance.”

رک. به مجموعه معاهدات سازمان ملل، ج ۱۴، ش ۱۸۵.

۲۳۸. استاد سوزان باستید (کتاب فوق‌الذکر، ص ۴۰) می‌نویسد:

“Le terme d'approbation est apparu plus récemment; il tient compte de la pratique de certains Etats. La Constitution française de 1958 l'a utilisé (accords soumis à l'approbation), mais au point de vue international elle est à peu près synonyme de la procédure d'acceptation.”

۲۳۹. سیر همفری والدوک: اظهارات وی به عنوان گزارشگر در کنفرانس دیپلماتیک تنظیم کنوانسیون وین دربارهٔ حقوق معاهدات، جلسهٔ مورخ اول آوریل ۱۹۶۸ (استاد رسمی مذاکرات کنفرانس وین، انتشارات سازمان ملل متحد نیویورک ۱۹۶۹، بند ۲۶، ص ۳۸).

در پاره ای دیگر از معاهدات که اخیراً منعقد شده علاوه بر دو واژه «قبولی» (پذیرش) و «تأیید»، اصطلاح «انعقاد»<sup>۲۴۰</sup> هم بکار رفته است که باید آن را جامع بین دو اصطلاح قبولی و تأیید دانست. این واژه در ماده ۶ پروتکل ۱۹۷۹ (مصوب شورای انقلاب اسلامی مورخ ۱۳۵۹/۴/۴) مربوط به کنوانسیون تجارت گندم مورخ ۱۹۷۱ (مصوب ۱۳۵۵/۴/۳۱) مجلسین سابق) به قرار زیر بکار رفته است:

«این پروتکل موضوع تصویب، قبولی (پذیرش)، تأیید یا انعقاد هر دولت امضاء کننده بر طبق قوانین اساسی یا مقررات سازمانی دولت مربوطه خواهد بود.»<sup>۲۴۱</sup>

در سالهای اخیر بسیاری از کشورها ترجیح می دهند به جای تصویب معاهده که به قوه مقننه اختیارات وسیعی در اظهار نظر راجع به توافق بین المللی اعطا می کند، از رویه های دیگر مذکور در فوق خصوصاً «قبولی» (پذیرش) استفاده نمایند. مثلاً با ملاحظه مجموعه معاهداتی که جامعه اقتصادی اروپائی در آنها عضو است<sup>۲۴۲</sup> معلوم می شود تعداد کمی از

#### 240. conclusion

۲۴۱. مجموعه قوانین ۱۳۵۹، ص ۲۳۵. متن انگلیسی آن در ص ۲۴۰ همان مجموعه به شرح زیر چاپ شده است:

“This protocol shall be subject to ratification, acceptance, approval or conclusion by each signat Government...”

همچنین در بسیاری از موافقتنامه های امضاء شده بین مقامات جامعه اروپائی و سایر کشورها قید می شود «به شرط انعقاد معاهده» (Sous réserve de conclusion) مانند اعلامیه مطبوعاتی ۱۶ ژوئن ۱۹۸۸ راجع به امضای پروتکل الحاقی به موافقتنامه همکاری جامعه اروپائی و سوریه.

۲۴۲. در کتاب Multilateral Conventions and Agreements, Signatures and or conclusion

by the European Communities بروکسل ۱۹۸۷ چاپ کمیسیون جامعه های اروپائی (اداره کتل روابط خارجی) وضعیت تمامی کنوانسیونهای چند جانبه که جامعه عضو آنها است نام کشورهای عضو کنوانسیونها در شش ستون به ترتیب زیر تعیین شده است:

a) Signature	امضاء	b) Ratification	تصویب
c) Acceptance	پذیرش	d) approval	تأیید
e) Accession	الحاق	f) entry into force	لازم الاجرا شدن

←

کنوانسیونهای بین‌المللی را (مانند کنوانسیون بین‌المللی حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای، کنوانسیون لومه بین جامعه مذکور و کشورهای آ.س.پ.، کنوانسیون حقوق دریاها و غیره) فقط با روش تصویب می‌توان به عضویت آنها درآمد. ۲۴۳ برعکس، در بعضی دیگر از موارد، رویهٔ قبولی (پذیرش) انحصاراً معمول گردیده است، مانند پروتکل مربوط به ترتیبات تجارت منسوجات ۲۴۴، و در بعضی دیگر فقط رویهٔ تأیید مورد استفاده قرار گرفته است ۲۴۵؛ ولی در اکثر کنوانسیونها سه رویه (تصویب، پذیرش، تأیید) برای اعلام تعهد دولتها پیشنهاد شده است و کشورها برحسب ضوابط حقوق اساسی خود و یا دلایل حقوقی و اداری دیگر می‌توانند به یکی از آن طرق نسبت به مندرجات کنوانسیون (مقاوله‌نامه) ملتزم گردند. ۲۴۶ به عبارت دیگر، هریک از کنوانسیونهای مذکور در حقوق داخلی کشورها برحسب مورد ممکن است معاهدهٔ رسمی، یا برعکس، یک توافق بین‌المللی (به نحو مطلق) تلقی شود که تصویب اولی با صلاحدید قوهٔ مقننه و تصویب دومی از صلاحیتهای مقامات حکومتی (بطور عام) شناخته می‌شود. و به همین اعتبار، بسته به مورد، می‌توان از رویهٔ تصویب یا رویهٔ پذیرش برای تعهد قطعی کشور استفاده نمود. مثال جدید و بارزی که در این زمینه می‌توان

→ در بعضی موارد، خصوصاً صفحات ۲۹۲ و ۳۵۷ و غیره که کنوانسیون مربوط امکان اجرای موقت مندرجات آن را پیش‌بینی کرده است، ستون دیگری به نام "Provisional Application" نیز وجود دارد.

243. International Convention on the physical protection of Nuclear Material, Vienne 3, 1980-Second Acp-EEC Convention, Lomé 1979-United Nations Convention on the Law of the Sea, Jamaica, 1982-International Convention on the Simplification and Harmonisation of Customs procedures, Kyoto, 1973.
244. Protocol extending the Arrangements regarding International Trade in Textiles (M.F.A III) Geneva 1981.
245. Convention on fishing and conservation of the living resources in the Baltic Sea, Wassaw, 1982.
246. Protocol to the Agreement on implementation of Art. VII of the General Agreement on tariffs and trade, Geneva, 1979-Convention on longrange transboundary air pollution 1979, Geneva-Convention for the protection of the Mediterranean Sea against pollution, Barcelona, 1976-GATT: agreement on technical barriers to trade, Geneva, 1980.



ارائه نمود کنوانسیون راجع به اعلام سریع سانحه هسته ای مورخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶ است<sup>۲۴۷</sup> که نسبت به کشور سوئیس در همان روز امضاء و یک ماه بعد لازم الاجرا گردیده است، ولی بلوروسی و برخی دیگر از کشورها علاوه بر امضاء آن را به تصویب هم رسانده اند. و آنگاه لازم الاجرا شده است<sup>۲۴۸</sup>؛ چون سوئیس از طریقه «امضاء بدون شرط تصویب» استفاده نموده، ولی بلوروسی «با شرط تصویب» آن را امضاء کرده است، اما برخی دیگر روش قبولی را انتخاب نموده اند.

در حقوق ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی اصولاً عضویت در کلیه کنوانسیونهای بین المللی پس از تصویب قوه مقننه طبق قانون اساسی لازم الاجرا می گردد. فقط در بعضی موارد بسیار استثنائی معاهده منعقدۀ ظاهراً به تصویب مجلس نرسیده است.<sup>۲۴۹</sup> همچنین بندرت مواردی یافت می شود که از رویه پذیرش برای لازم الاجرا شدن یک معاهده دوجانبه استفاده شده باشد.<sup>۲۵۰</sup> معذک چون واژه های «تصویب»، «قبولی» (پذیرش) و «تأیید» در هنگام ترجمه کنوانسیونها به فارسی ممکن است به عبارت غلطی برگردانده شود - همچنانکه در مبحث قبلی بیان شد - لذا بسیار محتمل است که تعابیر نابجائی به عنوان معادل آنها در متن<sup>۲۵۱</sup> یا

247. Convention Sur la notification rapide d'un accident nucleaire O.N.U. 26 Sep. 1986.

۲۴۸. متن کنوانسیون مزبور و اسامی کشورهای امضاکننده (منجمله ایران) و تصویب کننده در مجله عمومی حقوق بین الملل عمومی، پاریس ۱۹۸۷، ص ۷۷۹ به بعد چاپ شده است.

۲۴۹. معاهده از میر مصوب جلسه هیئت وزیران مورخ ۱۳۵۵/۱۱/۲۵ (مجموعه قوانین ۱۳۵۵، ص ۵۳) و کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (مجموعه قوانین ۱۳۴۰ و مجموعه قراردادها...، ص ۷۴۱) احتمالاً از اینگونه مواردند.

۲۵۰. مثلاً تأیید و لازم الاجرا شدن موافقتنامه همکاری بین سازمان حفاظت محیط زیست ایران و سازمان محیط زیست امریکا مصوب هیئت وزیران مورخ ۱۳۵۵/۱۰/۲۷ که مستنداً به ماده ۴ موافقتنامه همکاریهای فنی ایران و امریکا مورخ ۱۳۵۳/۱۲/۱۳ (۴ مارس ۱۹۷۵) بوده است (مجموعه قوانین ۱۳۵۵، ص ۴۷) ولی این امر فقط مبین این است که نوعی موافقتنامه فرعی منحصرأ به تأیید قوه مجریه رسیده است (رک. به «مجله حقوقی»، شماره ۷، ص ۱۴۶).

۲۵۱. همچنانکه در پانویس شماره ۱۹۰ قبلاً بیان شد در ترجمه سالنامه سازمان بهداشت جهانی مصوب پارلمان ایران مورخ اول خردادماه ۱۳۲۷ ماده ۷۹ پاراگراف «الف» بند یک، به

حتی در ماده واحده ای که به تصویب پارلمان می‌رسد، راه یابد. ۲۵۲ بنابراین مقتضی است که با دقت و ممارست مسئولان مربوطه از اینگونه التباسها اجتناب نمود. ۲۵۳ چنانکه در انتهای این مقاله پیشنهاد خواهد گردید در سیستم حقوقی ایران نیز می‌توان با حذف برخی از تشریفات زائد در پارلمان از روش پذیرش معاهده سود جست.

#### بند چهارم

### انتشار معاهده در روزنامه رسمی

تشریفات تصویب معاهده بین‌المللی در حقوق داخلی ایران علاوه بر موافقت مجلس شورا و تأیید شورای نگهبان و امضای نهائی رئیس جمهور

→ جای «تأیید بعدی» نوشته شده است «تصویب بعثتی» و به جای «قبولی که متعاقباً هم تأیید ارائه گردد» در بند ۲، ترجمه شده است «تصویب بعدی یا قبولی آن».

۲۵۲. از قبیل قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت منعقد بین دولتین ایران و افغانستان مصوب ۱۴ قوس ۱۳۰۰ شمسی (مجموعه مصوبات ادوار سوم و چهارم قانونگذاری مجلس شورای ملی ۱۲۹۳ - ۱۳۰۲ شمسی، ص ۱۸۴) و قانون اجازه مبادله عهدنامه منعقد بین دولتین ایران و جمهوری شوروی روسیه مصوب ۲۳ قوس ۱۳۰۰ شمسی (همان مجموعه، ص ۱۸۸) در حالیکه فصل ۲۴ آن تصدیق (یعنی تصویب) را لازم دانسته است، و قانون اجازه مبادله عهدنامه حکمیت بین دولت علیّه ایران و جمهوری اتازونی مصوب ۲ حوت ۱۳۰۰ شمسی (همان مجموعه، ص ۱۹۹) در حالیکه ماده ۴ آن «تصویب مجلس ملی» را ضروری دانسته است. در مقابل، می‌توان قانون راجع به تصویب عهدنامه مودت و دوستی بین دولت علیّه ایران و دولت جمهوری چین مصوب ۱۶ عقرب ۱۳۰۰ شمسی (همان مجموعه، ص ۱۸۱) را نام برد که صحیحاً نامگذاری شده است.

۲۵۳. مثلاً ماده واحده ای که لایحه اصلاح ماده ۱۱ کنوانسیون تجارت بین‌المللی جانوران و گیاهان وحشی در معرض نابودی را در ۱/۹/۱۳۶۶ در مجلس شورا به تصویب رسانده تصریح نموده است که «اجازه تسلیم سند قبولی دولت به آن داده می‌شود» (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۶)؛ همچنین اصلاحیه ماده ۶ اساسنامه آژانس انرژی اتمی مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۴ که در تاریخ ۱/۲۸/۱۳۶۷ به تصویب رسیده گفته شده است که «اجازه تسلیم سند قبولی آن داده می‌شود» (صورت مشروح مذاکرات مجلس مورخ ۶۷/۱/۲۸، دستور ۲).

که در بندهای گذشته مورد بحث قرار گرفت متضمن مرحله دیگری نیز هست که عبارت از انتشار معاهده در روزنامه رسمی کشور می باشد. در ایران از بدو مشروطیت تا کنون معاهدات رسمی معمولاً پس از تصویب پارلمان در روزنامه رسمی کشور منتشر گردیده و همچون قوانین، تصویبنامه های هیئت وزیران، آرای هیئت عمومی دیوان کشور و سایر متون مشابه قانونی به معنای اعم، معاهدات منعقدۀ با دول خارجی در مجموعه های قوانین پارلمان نیز مرتباً چاپ شده است. ۲۵۴ برعکس، تفاهم نامه های منعقدۀ با سازمانهای تابعه دولتهای خارجی بندرت در روزنامه رسمی چاپ می شوند؛ چون این نوع توافقات مراحل تصویب پارلمان و امضای رئیس کشور را طی نمی نمایند، مضافاً اینکه اصولاً برای اتباع و شهروندان ایرانی ایجاد حق و تکلیفی نمی نمایند. اینگونه توافقات ساده بین ایران و یک دولت خارجی — چنانکه در بخش اول این مقاله تشریح گردید — غالباً مسائل اجرائی در زمینه های بازرگانی، صنعتی یا فرهنگی و غیره را بین دو کشور و در حدود معاهدات رسمی بین المللی یا قوانین داخلی مورد حل و فصل قرار می دهند. ۲۵۵ از آن گذشته انتشار تفاهم نامه ها نه تنها ضروری دانسته نمی شود بلکه بسیاری معتقدند که انتشار آن در روزنامه رسمی ممکن است، بر حسب مورد، با ضوابط امنیتی کشور یا صیانت

۲۵۴. در مجموعه مصوبات مجلس شورا از دوره چهارم به بعد (اول سرطان ۱۳۰۰ — ۳۲ جوزای ۱۳۰۲ شمسی) معمولاً شش قسمت مختلف به شرح زیر چاپ می شده است: قسمت اول: قوانین، قسمت دوم: امتیازات، قسمت سوم: قراردادها (یعنی معاهدات بین المللی)، قسمت چهارم: کتراتها، قسمت پنجم: تصویبات مالی، قسمت ششم: تصمیمات و مطالب متفرقه. در مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره سیزدهم قانونگذاری (۱/۱۳۲۰ — ۳۰/۸/۱۳۲۲) هفت قسمت تفکیک شده که قسمت دوم آن را «عهدنامه ها» (ص ۱۰۹ — ۱۴۶) در بر می گیرد.

۲۵۵. استثنائاً پروتکل نهائی همکاریهای اقتصادی ایران و شوروی و سایر اسناد ضمیمه آن که صرفاً شامل مسائل اجرائی بوده در تاریخ ۵۹/۳/۳۰ در مسکو امضاء و در روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۳۶ مورخ ۵۹/۵/۳۰ و مجموعه قوانین ۱۳۵۹ (ص ۳۴۱ — ۳۷۰) چاپ شده است.

سیاست و اقتصاد خارجی مملکت معارض باشد.<sup>۲۵۶</sup> بدین لحاظ در ایران معمولاً بجز وزارتخانه ای که مبادرت به امضای تفاهم نامه ای با کشور خارجی نموده و متن آن را در اختیار دارد، تنها نسخه هائی از آن در اختیار وزارت امور خارجه (برای آرشیو و بخش اداری مربوطه)، نخست وزیری، دفتر ریاست جمهوری و هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی قرار می گیرد.

البته در بعضی موارد متن کامل معاهدات رسمی نیز پس از تصویب منتشر نشده و فقط ماده واحده ای که به تصویب پارلمان رسیده در روزنامه رسمی به چاپ رسیده است.<sup>۲۵۷</sup> معذک این عدم انتشار در پاره ای موارد یا معلول طولانی بودن متن بوده و یا اینکه کنوانسیون جنبه فنی داشته است<sup>۲۵۸</sup> و نه الزاماً ضرورت استتار معاهده که اصل ۲۴ قانون اساسی سابق (مورخ دی ماه ۱۳۲۴) آن را اجازه داده بود، مطرح بوده است. با همه این احوال در بعضی موارد کنوانسیونهای مفصل یا فنی در روزنامه رسمی نیز چاپ شده<sup>۲۵۹</sup> یا حتی بعضی اسناد بین المللی (غیر از معاهدات) که نیازی

۲۵۶. شارل روسو این نظر را در عرف دیپلماسی فرانسه مطرح نموده است (حقوق بین الملل عمومی، پاریس ۱۹۷۰، ج ۱، ص ۷۱).

۲۵۷. مانند موافقتنامه مربوط به انتظامات مرزی ایران و پاکستان مصوب ۱۳۴۳/۱۰/۲۸ (مجموعه قوانین ۱۳۴۳، ص ۵۶۴). موافقتنامه مذکور نیز در مجموعه معاهدات معتبر دوجانبه (چاپ ۱۳۴۹، ج ۱) مربوط به پاکستان به چاپ نرسیده است. همچنین مقاوله نامه بین المللی برای وارد کردن لوازم تربیتی و علمی و فرهنگی که در نیویورک در ۱۳۲۹/۱۱/۲۰ تدوین گردیده و در ایران در ۱۳۴۳/۱۱/۲۵ به تصویب رسیده است (ماده واحده مندرج در مجموعه قوانین ۱۳۴۳، ص ۵۲۳) دارای یک مقدمه و ۱۸ ماده و ۵ ضمیمه می باشد که منتشر نشده است و غیره...

۲۵۸. مانند قانون راجع به الحاق ایران به مقاوله نامه حمل و نقلهای بین المللی با راه آهن (مجموعه قوانین ۱۳۶۳، ص ۲۶۷)؛ قانون الحاق ایران به کنوانسیون گمرکی مربوط به حمل و نقل بین المللی کالا تحت کارته های تیر (مجموعه قوانین ۱۳۶۳، ص ۶۵)؛ مقاوله نامه های بین المللی حمل و نقل بار و مسافر با راه آهن - برن ۱۹۵۲ (مجموعه قوانین ۱۳۴۴، ص ۱۸۸)؛ قانون قرارداد پستی جهانی حاوی هشت مقاوله نامه و آئیننامه اجرایی (مجموعه قوانین ۱۳۴۶، ص ۴۲۲).

۲۵۹. مانند قانون الحاق دولت ایران به هفت (کنوانسیون) بین المللی دریائی: کنوانسیون مربوط

به تصویب پارلمان ندارد به دلایل مختلف در مجموعه‌های قوانین منتشر شده است.<sup>۲۶۰</sup> در حقوق ایران اگر چه انتشار در روزنامه رسمی شرط اعتبار قوانین می باشد (ماده ۱ قانون مدنی اصلاحی مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۲) اما در مورد معاهدات بین المللی حکم خاصی موجود نیست و معمولاً چاپ معاهده در روزنامه رسمی به عنوان انتشار یک مصوبه مجلس، ضروری دانسته شده است و نه مستقلاً به عنوان یک معاهده بین المللی. به همین لحاظ در بعضی موارد — چنانکه فوقاً بیان شد — فقط متن ماده واحده قانونی که مصوبه مجلس را تشکیل می دهد به چاپ رسیده و متن معاهده مورد تصویب مجلس در روزنامه رسمی چاپ نشده است.<sup>۲۶۲</sup>

در حقوق پاره ای از کشورها مانند حقوق فرانسه انتشار معاهدات

→ به خط شاهین کشتیها؛ کنوانسیون بین المللی تحدید مسؤلیت صاحبان کشتیهای دریایما... الخ (مجموعه قوانین ۱۳۴۴، ص ۲۱۸)؛ مقاله نامه شماره ۱۱۱ مربوط به تبعیض در امور استخدام و اشتغال مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸ مصوب ۱۳۴۳/۳/۳ (مجموعه قوانین ۱۳۴۳، ص ۷۶)؛ قطعنامه مورخ ۴ اکتبر ۱۹۶۱ پنجمین اجلاس مجمع عمومی مؤسسه بین المللی نیروهای اتمی (مجموعه قوانین ۱۳۴۳، ص ۱۵۰)؛ توصیه نامه راجع به تعطیل هفتگی در مؤسسات اداری و بازرگانی مورخ ۵ ژوئن ۱۹۵۷ مصوب ۱۳۴۶/۱۰/۵ (مجموعه قوانین ۱۳۴۶، ص ۲۹۵).

۲۶۰. مانند قرارداد بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت بی. اف. گودریچ (مجموعه قوانین ۱۳۴۶ — قراردادها —، ص ۱).

۲۶۱. رک. به مقاله نگارنده: «بررسی قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۲» فصلنامه حق (نشریه وزارت دادگستری)، دفتر یکم، فروردین — خرداد ۱۳۶۴، ص ۸۸، شماره ۲۳.

۲۶۲. در بسیاری از دوره های مجلس شورا بین کنوانسیونهای بین المللی چند جانبه و معاهدات دوجانبه تفاوت قائل می شدند. در مورد گروه نخست فقط به انتشار ماده واحده در روزنامه رسمی اکتفا می شد ولی مندرجات معاهده دوجانبه و حتی ضمیمات آن نیز در مجموعه ها منتشر می گردید. مثلاً در مجموعه قوانین موضوعه دوره نهم تقنینیه (۱۳۱۲ — ۱۳۱۴) ماده واحده های کنوانسیون تعریف تجاوز، کنوانسیون مرابطات بعیده در مادرید، کنوانسیون بین المللی اتومبیلرانی، کنوانسیون بین المللی راجع به جلوگیری از معامله و اغوای نسوان کبیره و کنوانسیون تسهیل دوران بین المللی فیلمهای تربیتی، بدون انتشار متن آنها، در صفحات ۳۵۷ تا ۳۵۹ به چاپ رسیده در حالیکه متن کامل معاهده اقامت بین ایران و ←

شرط ارجحیت آن معاهده بین المللی بر قانون داخلی دانسته شده است (ماده ۵۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه). اکثر حقوقدانان حتی لازمه ایجاد آثار حقوقی یک معاهده را انتشار متن آن در روزنامه رسمی می‌دانند؛ معذک در بعضی موارد استثنائی محاکم فرانسه به تعهدات بین المللی که هنوز در روزنامه رسمی چاپ نشده است، استناد نموده‌اند.<sup>۲۶۳</sup>

هرچند که در سالهای اخیر به علت اهمیت فوق العاده‌ای که ثبت و انتشار معاهدات در دبیرخانه سازمان ملل متحد یافته، انتشار معاهدات در روزنامه رسمی کشورها اهمیت اولیه خود را از دست داده است، ولی در هر صورت، آخرین تشریفات رسمی شدن معاهده در حقوق داخلی، انتشار آن در روزنامه رسمی است که عملاً مقدمه‌ای است بر لازم الاجرا شدن معاهده که با مبادله اسناد تصویب صورت قطعی به خود می‌گیرد. ذیلاً و در فصل سوم، این موضوع (مبادله اسناد) را مورد بحث قرار می‌دهیم.

### مبادله اسناد تصویب معاهدات



پس از مرحله مذاکره و امضای مقدماتی و مرحله تصویب معاهده که در دو فصل گذشته درباره آنها بحث کردیم، مبادله اسناد تصویب سومین و آخرین مرحله برای لازم الاجرا شدن یک معاهده بین المللی است.<sup>۲۶۴</sup> اهمیت مبادله اسناد تصویب نه تنها به جهت پایان یافتن تشریفات است که به معاهده قدرت قانونی و حقوقی می‌بخشد بلکه حتی

→ سویس و نیز ضامم آن درباره قرار وجه الضمانه قضائی در صفحات ۳۵۰ تا ۳۵۷ منتشر شده است.

۲۶۳. رک. به سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل (A.F.D.I) سال ۱۹۷۶، ص ۸۶۵ — سال ۱۹۷۵، ص ۹۹۵ — سال ۱۹۷۰، ص ۸۸۳.

264. Ph. Jessup: A Modern law of Nations, London, 1968, p. 126:

“The final step is the reciprocal communication of the fact of ratification, generally termed the “exchange of ratification” or as is common in the case of multipartite instruments, the deposit of ratifications with an agreed depository, which may be the chancellery of a single state or an international official such as the Secretary-General of the United Nations.”

اگر کلیه تشریفات تصویب معاهده هم انجام شود ولی اسناد آن به هر علتی بین دو کشور مبادله نشده یا ترتیبات مورد توافق رعایت نگردیده و انجام تصویب به طرف مقابل اعلام نشده باشد، معاهده لازم الاجرا نخواهد بود.<sup>۲۶۵</sup> طبق بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ وین راجع به حقوق معاهدات «اسناد تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق بجز وقتی که معاهده مقررات دیگری را پیش‌بینی کرده باشد، دلیل بر رضایت یک کشور نسبت به التزام به معاهده می‌باشد:

الف. هرگاه آن اسناد بین کشورهای متعاقد مبادله شده باشد؛

ب. یا نزد کشور نگهدارنده اسناد تودیع شده باشد؛

ج. و یا طبق توافق، به کشورهای متعاقد یا نگهدارنده اسناد ابلاغ

شده باشد.»

بنابراین تنها پس از مبادله اسناد تصویب، یا در مورد کنوانسیونهای چند جانبه، پس از تودیع سند تصویب است که تعهدات مندرج در معاهده لازم‌الوفاء خواهد گردید. برعکس، ابلاغ و اعلام ساده تصویب (بدون مبادله اسناد) به کشورهای متعاقد یا نگهدارنده اسناد هنگامی می‌تواند به جای مبادله اسناد بکار گرفته شود که این رویه صریحاً در معاهده پیش‌بینی شده باشد.<sup>۲۶۶</sup>

۲۶۵. از این قبیل است معاهده قبلی راجع به آب رود هیرمند بین ایران و افغانستان مورخ ششم بهمن‌ماه ۱۳۱۷ که در ۱۳۱۸/۲/۱۸ در مجلس شورای ملی ایران به تصویب رسید (مجموعه قوانین ۱۳۱۸، ص ۴۳۱، ط مجلس)، ولی به علت عدم مبادله اسناد تصویب هرگز اعتبار قانونی و لازم‌الاجرائی پیدا نکرد. (دلیل مخالفت کابل ظاهراً اعلامیه پیوست آن بوده که در ص ۴۳۶ همانجا مندرج است.) بعلاوه از میان موافقتنامه‌های منعقد در سالهای اخیر، اسناد تصویب موافقتنامه فرهنگی و هنری بین ایران و الجزایر (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۱، ص ۱۸۹) و نیز موافقتنامه همکاری اقتصادی، علمی و فنی بین ایران و لیبی (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۸۳) نیز به دلایلی که قبلاً بیان شد (رک. به پانویس ۱۳۸ ص ۱۶۰ شماره هفتم «مجله حقوقی») بین ایران و دولت‌های مذکور مبادله نشده و بنابراین لازم‌الاجرا نگردیده است.

۲۶۶. مانند ماده ۲۰ موافقتنامه حمل و نقل هوایی سابق بین ایران و آمریکا مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۲۳

پاره‌ای از حقوق‌دانان<sup>۲۶۷</sup> حتی اظهار نظر کرده‌اند که یکی از معانی «تصویب»، لازم‌الاجرا شدن معاهده از طریق مبادله یا تودیع اسناد تصویب می‌باشد و لذا در عین سکوت متعاهدین، در هر صورت، باید مبادله اسناد تصویب انجام شود تا معاهده لازم‌الاجرا گردد.<sup>۲۶۸</sup> از طرف دیگر، محتوای اکثر مصوبات مجلس در مورد تصویب معاهدات، اعطای اجازه به دولت در مورد مبادله اسناد تصویب معاهده می‌باشد.<sup>۲۶۹</sup> اینک باید دید نحوه مبادله اسناد تصویب چگونه است (بند اول) تا آنگاه اثر آن را در تعیین تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده مورد بررسی قرار دهیم (بند دوم).

→ که تصریح نموده بود: «همینکه دولت ایران تصویب این موافقتنامه را به دولت کشورهای متحده آمریکا اعلام کرد از تاریخ وصول اعلامیه مزبور این موافقتنامه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.» (معاهدات دو جانبه معتبر ایران تا سال ۱۳۴۹، از انتشارات وزارت امور خارجه، ج ۲، ص ۹۶). همچنین طبق ماده ۱۶ موافقتنامه ایران و سوئد راجع به سرویسهای حمل و نقل هوایی بازرگانی مورخ ۱۳۲۸/۸/۹ «دولت ایران تصویب این موافقتنامه را از طرف مجلس ایران به دولت سوئد اعلام خواهد داشت و دولت سوئد در تاریخ ابلاغ اعلامیه مذکور، از طرف دولت ایران این موافقتنامه را قطعی و قابل اجرا تلقی خواهد نمود.» (همان کتاب، ص ۱۰).

۲۶۷. براون لی: حقوق بین الملل، لندن ۱۹۶۸، ص ۶۰۵.

۲۶۸. بعضی اوقات مقامات قانونگذاری دریافت ناصحیحی از اصطلاح «مبادله اسناد» داشته‌اند. مثلاً مجلس شورای اسلامی در اصلاح ماده ۱۶ موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و الجزایر مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۶ به جای «تاریخ مبادله اسناد تصویب» پیشنهاد نموده است که «تاریخ مبادله مصوب» نوشته شود (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۹۱). در حالیکه مبادله اسناد یک معاهده، جداگانه مورد تصویب قرار نمی‌گیرد و اصولاً آنچه موضوع تصویب مجلس است «مبادله اسناد» نیست بلکه «اسناد معاهده» است.

۲۶۹. مانند قانون مورخ ۲۳ قوس ۱۳۰۰ شمسی در مورد اجازه مبادله عهدنامه دوستی منعقد بین دولتین ایران و جمهوری شوروی روسیه (مجموعه مصوبات دوره‌های سوم و چهارم قانونگذاری مجلس، چاپخانه مجلس، ۱۳۰۳، ص ۱۸۸).



## نحوه مبادله اسناد تصویب معاهده

### ● در معاهدات دوجانبه:

پس از اینکه طبق مقررات قانون اساسی معاهده به تصویب رسید سندی که حاوی امضای نهائی مقامات صالحه کشور در مورد معاهده می باشد باید به دولت متعاهد دیگر تسلیم شود و متقابلاً سند تصویب کشور مقابل دریافت گردد. انجام این مبادله معمولاً با تنظیم صورتجلسه مبادله اسناد تصویب که توسط نمایندگان کشورهای متعاهد به امضاء می رسد (در ایران معمولاً توسط معاون وزیر امور خارجه ایران از یک طرف و سفیر کشور مقابل از طرف دیگر) تحقق می یابد.<sup>۲۷۰</sup> محل مبادله اسناد تصویب اکثراً از قبل در متن معاهده پیش بینی می شود<sup>۲۷۱</sup> و معمولاً پایتخت یکی از متعاهدان و غیر از آن پایتختی است که معاهده قبلاً در آنجا امضاء شده است.

همچنین ممکن است به جای تنظیم صورتجلسه، در معاهده پیش بینی شده باشد که مبادله اسناد بوسیله ارسال یادداشت سیاسی انجام می شود.<sup>۲۷۲</sup> در این صورت، علی الاصول از تاریخ وصول یادداشت سیاسی

۲۷۰. مانند موافقتنامه فرهنگی میان ایران و سوریه مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲ که اسناد تصویب آن در تاریخ ۱۳۶۴/۷/۱۱ برابر با ۱۳۰ اکتبر ۱۹۸۵ مبادله گردیده است (روابط فرهنگی ایران با سایر کشورها، از انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۶۵، ص ۸۵).

۲۷۱. مانند ماده ۱۶ موافقتنامه حمل و نقل هوائی ایران و هند مورخ ۱۳۳۹/۵/۱۹ که شهردهلی نورا تعیین نموده (معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۲، ص ۱۸۳) یا ماده ۵ عهدنامه مودت ایران و سویس مورخ ۱۳۱۳/۲/۵ که شهر برن را برای مبادله اسناد تصویب پیش بینی کرده است (همان کتاب، ص ۱۵).

۲۷۲. مانند ماده ۱۶ موافقتنامه حمل و نقل هوائی ایران و سویس مورخ ۱۳۳۳/۳/۶ که مقرر نموده است: «این موافقتنامه روزی که تصویب آن با مبادله یادداشت سیاسی به طرفین اعلام شد، معتبر خواهد گردید.» (همان کتاب، ج ۲، ص ۲۲).

مؤخر، معاهده لازم الاجرا خواهد بود.

قبل از امضای صورتجلسه مبادله اسناد تصویب، معمولاً نمایندگان دو کشور اعتبارنامه خود را ارائه خواهند داد. ۲۷۳ این اعتبارنامه معمولاً از طرف وزیر امور خارجه و یا نخست وزیر امضاء می شود. ۲۷۴

#### ● در معاهدات چند جانبه:

یکی از ویژگیهای معاهدات چند جانبه معمولاً تعیین کشوری به عنوان نگهدارنده اسناد تصویب ۲۷۵ در معاهده می باشد. وظیفه چنین کشوری وصول کلیه مکاتبات راجع به معاهده و ابلاغ آن به کشورهای و مقامات ذیربط است. بنابراین هر کشوری که عضویت کنوانسیون را متقبل شود باید اسناد التزام خود یعنی اسناد تصویب یا قبولی (پذیرش) یا تأیید کنوانسیون را نزد نگهدارنده اسناد تودیع نماید. ۲۷۶ کشور نگهدارنده موظف

۲۷۳. نمونه ای از صورتجلسه مبادله اسناد تصویب در رژیم سابق که به امضای شاه و وزیر خارجه می رسیده در کتاب آقای وحید مازندرانی (راهنمای عهد...، ص ۱۴) به شرح زیر چاپ شده است: «نمایندگان مختار ذیل... وزیر امور خارجه ایران و... سفیر کبیر و نماینده مختار... در ایران بمنظور مبادله اسناد تصویب عهدنامه... بین ایران و دولت... که در تاریخ... در... به امضاء رسیده است در عمارت وزارت امور خارجه حاضر شده، با دقت در اسناد تصویبی مربوطه چون ملاحظه نمودند که متنها با یکدیگر مطابقت دارد و برطبق قوانین معمول طرفین به تصویب رسیده است به مبادله آن اقدام کرده اند. بنابر مراتب فوق نمایندگان مختار طرفین این صورتجلسه مبادله اسناد تصویبی را امضاء کرده اند. در شهر... تاریخ... در دو نسخه به زبان فارسی و... که هر دو دارای اعتبار متساوی است تنظیم گردید. از طرف دولت ایران... از طرف دولت...»

۲۷۴. رک. به «مجله حقوقی» شماره ششم، ص ۱۱ (قسمت قبلی این مقاله).

275. depositaire

۲۷۶. در پاره ای از کنوانسیونها متعاقب تودیع سند تصویب، صورتجلسی به امضاء می رسد که متن آن به کلیه دولتهای ذینفع ابلاغ می گردد، مانند ماده ۵۷ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی (و مواد مشابه از سه کنوانسیون دیگر راجع به صلیب سرخ): «این کنوانسیون هرچه زودتر تصویب و اسناد تصویب آن به برن تسلیم خواهد شد. هنگام تسلیم هر سند تصویب، صورتجلسی تنظیم خواهد گردید و یک نسخه مصدق صورتجلس مزبور توسط شورای متحده سویس برای کلیه

←

است متعاقباً مراتب را به سایر کشورهای عضو اعلام نماید. به همین جهت نسخه اصلی کنوانسیون بین‌المللی معمولاً نزد کشور نگهدارنده باقی می‌ماند و فقط رونوشت‌هایی از آن تهیه می‌شود که پس از تصدیق، به کشورهای عضو یا سازمانهای بین‌المللی ارسال می‌گردد. بعلاوه همین دولت تاریخ لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه را به مقامات و اشخاص ذینفع اعلام خواهد نمود. بدین جهت دولت نگهدارنده، نقشی شبیه «دبیرخانه» مقاوله‌نامه مربوط را برعهده دارد. البته چنانچه دولت نگهدارنده اسناد نقضی در اسناد دریافتی مشاهده نماید قبل از هر نوع اقدام، اصلاح آن را از کشور مربوط درخواست خواهد نمود و چنانچه اختلاف نظر بین آنان ایجاد شود این امر به اطلاع دولتهای طرف معاهده خواهد رسید تا اگر لازم شود مقامات صالحه تصمیم مقتضی در مسئله مطروحه اتخاذ نمایند.<sup>۲۷۷</sup>

طبق ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین (در باره حقوق معاهدات بین دولتها) و نیز ماده ۷۷ کنوانسیون ۱۹۸۶ وین (در باره حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی) نگهدارنده اسناد یک معاهده ممکن است از طرف کشورهای طرف مذاکره، خواه در خود معاهده و خواه به نحو دیگری، تعیین گردد.

نگهدارنده اسناد ممکن است یک یا چند کشور، یک سازمان بین‌المللی و یا سرپرست امور اداری سازمان مذکور باشد. در بند دوم همان ماده ۷۶ تصریح شده است: «وظایف نگهدارنده اسناد یک معاهده جنبه بین‌المللی دارد و نگهدارنده مکلف به رعایت بیطرفی در انجام وظایف خود می‌باشد. خصوصاً اگر معاهده هنوز بین تعدادی از اعضای آن لازم‌الاجرا نگردیده باشد یا اینکه بین یک کشور و نگهدارنده راجع به انجام تکالیف

دولتهائی که کنوانسیون به نام آنها امضاء شده یا الحاق خود را به کنوانسیون اعلام داشته باشند، فرستاده خواهد شد.» (مجموعه قراردادها...، ص ۳۱۸ و ۳۳۶).

۲۷۷. برحسب مورد، ممکن است صلاحیت رسیدگی یک دادگاه عالی برای فیصله این امر در کنوانسیون پیش‌بینی شده باشد یا برگزاری اجلاس فوق‌العاده‌ای از نمایندگان تام‌الاختیار کشورهای عضو ضرورت یابد.

نگهدارنده اختلافی بروز نماید، این امر هیچ تأثیری بر تکلیف بیطرفی مزبور نخواهد داشت». در مورد حدود وظایف نگهدارنده اسناد معاهدات سازمانهای بین المللی در کنفرانس دیپلماتیک تدوین کنوانسیون وین اختلاف نظرهای فراوانی وجود داشت که نهایتاً راه حلّ میانه ای به نحو زیر انتخاب گردید.

طبق ماده ۷۷ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین: «۱. وظایف نگهدارنده اسناد شامل موارد زیر نیز هست مگر اینکه به نحو دیگری در معاهده پیش بینی شده یا مورد توافق قرار گرفته باشد:

الف. حفظ متن اصلی معاهده به عنوان امانت و نیز اعتبارنامه هائی که به نگهدارنده ارائه شده است؛

ب. تهیه رونوشتهای گواهی شده از متن اصلی و تهیه نمونه هائی از معاهده به زبانهای دیگر اگر لازم باشد و ارائه آنها به طرفهای معاهده و کشورهائی که واجد صلاحیت عضو شدن در معاهده می باشند؛

ج. دریافت هرگونه امضای معاهده و وصول و ثبت هرگونه اسناد، اعلامیه ها و مکاتبات راجع به آن؛

د. بررسی اینکه امضاء و یا هرگونه سند، اعلامیه یا مکاتبه مربوط به معاهده از نظر شکلی معتبر است و در صورت لزوم موضوع را به اطلاع کشورهای ذیربط برساند؛

ه. مطلع ساختن طرفهای معاهده و کشورها (یا سازمانهای بین المللی) که صلاحیت عضویت در معاهده را دارند از محتوای اسناد، اطلاعیه ها و مکاتبات مربوط به معاهده؛

و. مطلع ساختن کشورها (یا سازمانهای بین المللی) که صلاحیت عضویت در معاهده را دارند از اینکه تعداد امضاءها یا اسناد تصویب، پذیرش، تأیید و یا الحاق واصل یا تودیع شده برای لازم الاجرائی معاهده به حدّ نصاب رسیده است؛

ز. ثبت معاهده در دبیرخانه سازمان ملل متحد؛

ح. انجام تکالیف ویژه که در سایر مواد این کنوانسیون به آنها

تصریح شده است.»

در بند دوم همین ماده ۷۷ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین (یا ماده ۷۸ کنوانسیون ۱۹۸۶) گفته شده است: «هرگاه بین یک کشور (یا سازمان بین‌المللی) و دولت نگهدارنده اختلافی راجع به اجرای تکالیف دولت اخیرالذکر حادث شود، نگهدارنده باید مسئله را به اطلاع کشورهای امضاءکننده و کشورهای متعاقد و یا اگر لازم باشد به اطلاع مقام صالح در سازمان بین‌المللی مربوط برساند.»

تشریفات مبادله اسناد تصویب که برای معاهدات رسمی به صورت تنظیم صورتجلسه مبادله اسناد یا تودیع سند تصویب محقق می‌گردد<sup>۲۷۸</sup>، در سالهای اخیر برای سهولت کار ساده‌تر گردیده است و حتی در برخی موارد به صورت ارسال تلکس یا تلگراف به وزارت امور خارجه کشور طرف معاهده یا کشور نگهدارنده اسناد، صورت خارجی به خود می‌گیرد. از طرف دیگر، انجام تشریفات مبادله یا تودیع اسناد تصویب اهمیت زیادی برای تعیین تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده دارد که این مسئله را ذیلاً مورد بحث قرار می‌دهیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۲۷۸. حتی در کنوانسیون بین‌المللی اتومبیلرانی مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۲۶ مصوب ۱۳۱۳/۱۰/۳ در ایران (مجموعه مصوبات دوره نهم تقنینیه ایران، ص ۳۵۸. مجموعه قراردادها... ص ۴۹) در ماده ۱۱ پیش‌بینی شده است که تسلیم نسخه مصوبه توسط ۲۰ کشور که آماده این کار باشند در جلسه‌ای که تاریخ آن را دولت فرانسه تعیین می‌کند انجام خواهد گردید. و نیز در ماده ۱۷ معاهده تسهیل دوران بین‌المللی فیلمهای تربیتی مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ مصوب ۱۳۱۳/۱۰/۲۰ (مجموعه مصوبات...، ص ۳۵۹. مجموعه قراردادها...، ص ۱۴۸) و امثال آن.

بند دوم

## تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده

از دیرباز دو قاعده در مورد تعیین تاریخ لازم الاجرا شدن معاهدات وجود داشته است. قاعده نخست، حاکمیت اراده و توافق متعاهدان (الف)، و قاعده دوم حاکی از تعیین مبدأ لازم الاجرائی معاهده از زمان تأیید قطعی آن (ب) است<sup>۲۷۹</sup>؛ معذک در مواردی نیز معاهده قبل از تاریخ اعتبار قطعی آن بطور موقت لازم الاجرا می‌گردد (ج).

الف. قاعده نخست:

حاکمیت اراده و توافق متعاهدان

ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین (در باره حقوق معاهدات) و کنوانسیون ۱۹۸۶ وین (در باره حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین المللی) تحت عنوان «الزام الاجرا شدن» در بند یک تصریح می‌کند که «یک معاهده به صورت و از تاریخی لازم الاجرا می‌شود که در آن پیش بینی شده است و یا کشورهای طرف مذاکره بر آن توافق نمایند». مبنای قاعده مندرج در این ماده بر این حقیقت استوار است که اصولاً متعاهدان خود دامنه شمول التزامات منعقدہ را تعیین می‌کنند و بدین لحاظ، قلمرو زمانی تعهدات مزبور یعنی تاریخ لازم الاجرا شدن و تاریخ پایان اعتبار مندرجات معاهده را نیز خود می‌توانند تعیین نمایند، اعم از اینکه در متن معاهده و

۲۷۹. حقوقدانان اکثراً مبادرت به شمردن تاریخهای مختلفی که برای لازم الاجرا شدن معاهدات معمول می‌باشد کرده و کمتر به استخراج قاعده یا قواعد حقوقی در این زمینه پرداخته‌اند. حقوق بین الملل نوشته J.G. Castel (چاپ سوم، تورنتو-کانادا، ص ۹۵۵) چهارگونه تاریخ برای مبدأ لازم الاجرا شدن معاهدات برشمرده است. و نیز مراجعه شود به کتاب:

I. Masquelin: Le droit des traités dans l'ordre juridique et dans la pratique diplomatique, belge, 1980.

همزمان با تنظیم آن این کار انجام شده باشد یا اینکه بعداً بر این امر توافق کنند. نحوه تعیین تاریخ لازم الاجرا شدن در معاهدات دوجانبه و چند جانبه غیر محدود ممکن است اندکی متفاوت باشد<sup>۲۸۰</sup> که ذیلاً آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ● در معاهدات دوجانبه:

در اینگونه معاهدات ممکن است استثنائاً روز لازم الاجرا شدن توافق در متن معاهده قید شده باشد، مانند موافقتنامه درباره لغو وادید بین ایران و مراکش که از روز اول مارس ۱۹۶۷ لازم الاجرا می‌گردید.<sup>۲۸۱</sup> در پاره‌ای دیگر از معاهدات، احیاناً تاریخ امضای مقدماتی به عنوان مبداء لازم الاجرا بودن معاهده تعیین می‌گردد<sup>۲۸۲ و ۲۸۳</sup>؛ ولی این رویه اگر در تفاهم‌نامه‌های اجرائی قاعده اصلی محسوب شود<sup>۲۸۴</sup> در معاهده رسمی

۲۸۰. در معاهدات چند جانبه محدود... چنانکه بعداً ذکر خواهد شد - تاریخ مبادله اسناد تصویب معمولاً ملاک لازم الاجرا شدن معاهده شناخته شده است، مانند ماده ۸ پیمان بغداد مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۵۵ که ایران در ۱۳۳۴/۷/۳۰ به آن ملحق شده بود (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج ۲، ص ۱۹۹).

۲۸۱. ماده ۸ موافقتنامه ایران و مراکش مورخ ۳۱ خرداد ماه ۱۳۴۵ تصریح می‌نماید: «این موافقتنامه از تاریخ اول مارس ۱۹۶۷ به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.»

۲۸۲. مانند فصل ۲۶ عهدنامه مودت ایران و شوروی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱: «این عهدنامه فوراً پس از امضاء دارای اعتبار خواهد شد.» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۱، ص ۵۸) و موافقتنامه ایران و شوروی درباره بسط و توسعه آتی ارتباطات تلفنی و تلگرافی مورخ ۱۳۵۱/۳/۲۴ (مجموعه قوانین ۱۳۵۱) و ماده ۲۱ موافقتنامه استرداد مجرمان ایران و فرانسه مورخ ۱۳۴۳/۴/۳ (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج ۲، ص ۷۱).

۲۸۳. در پاره‌ای از معاهدات تصریح شده است که پس از مدت معینی از امضای معاهده مندرجات آن لازم الاجرا می‌شود، مانند ماده ۱۲ موافقتنامه پستی ایران و شوروی مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۲۳: «این قرارداد بعد از سه ماه از تاریخ امضای آن به موقع اجرا گذارده خواهد شد...» (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج ۱، ص ۶۳).

۲۸۴. ماده ۹ تفاهم‌نامه همکاری فنی درباره تعلیمات حرفه‌ای: «این تفاهم‌نامه از تاریخ امضاء برای مدت یک سال اعتبار خواهد داشت...» (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج ۲، ص ۶۳).

برعکس به عنوان استثنای بر قاعده تلقی می‌شود<sup>۲۸۵</sup>، به همین دلیل در اینگونه معاهدات غالباً تصریح می‌گردد که لازم الاجرا شدن معاهده از تاریخ امضاء، جنبه موقتی داشته و فقط پس از تصویب، بطور قطعی رسمیت پیدا خواهد نمود.<sup>۲۸۶</sup> اما حقوقدانان لازم الاجرا بودن معاهده را از تاریخ امضاء نوعی عطف بماسبق شدن معاهده تلقی نموده‌اند<sup>۲۸۷</sup> و بدین لحاظ، طرفین مذاکره کننده در واقع در چهارچوب صلاحیتهای خود و به مسئولیت خویش توافق می‌نمایند که مندرجات معاهده را قبل از به دست آوردن اعتبار حقوقی

رک. به «مجله حقوقی»، شماره ۶، ص ۱۰۳ (بخش نخست این مقاله).  
 ۲۸۵. حتی در یک مورد (موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و الجزایر) مجلس لازم الاجرا شدن معاهده را از تاریخ امضای مقدماتی مردود خوانده است (مجموعه قوانین ۱۳۶۲، ص ۱۸۹).  
 ۲۸۶. مانند ماده ۱۴ موافقتنامه ایران و شوروی راجع به همکاری اقتصادی و فنی مورخ ۱۳۴۲/۵/۵: «این موافقتنامه باید برطبق ترتیب مقرر در هر یک از دو کشور به تصویب برسد. موافقتنامه مذکور در تاریخ امضای آن موقتاً قوت و اعتبار یافته و در تاریخ مبادله اسناد تصویب که در مسکو انجام خواهد گرفت قوت و اعتبار قطعی پیدا خواهد کرد.» (مجموعه قوانین ۱۳۴۴، ص ۳) و ماده ۱۱ موافقتنامه پرداخت بین ایران و افغانستان مورخ ۹ آبان ماه ۱۳۴۲: «این موافقتنامه از تاریخ امضاء موقتاً به موقع اجرا گذارده می‌شود و قطعیت یافتن آن منوط به تصویب مقامات صلاحیتدار دو کشور و مبادله اسناد مربوط خواهد بود.» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر تا ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۲۳۶) و نیز ماده ۶ موافقتنامه بازرگانی ایران و افغانستان که در همان تاریخ در کابل به امضاء رسیده است (همان مدرک، ص ۲۳۱) و ماده ۱۵ موافقتنامه ترانزیت ایران و افغانستان مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۴۰ (همان مدرک، ص ۲۲۶) و ماده ۱۴ موافقتنامه ایران و شوروی راجع به همکاری اقتصادی و فنی مورخ ۵ مرداد ۱۳۴۳: «این موافقتنامه باید برطبق ترتیب مقررات در هر یک از دو کشور به تصویب برسد. موافقتنامه مذکور از تاریخ امضای آن موقتاً قوت و اعتبار یافته و در تاریخ مبادله اسناد تصویب که در شهر مسکو انجام خواهد گرفت قوت و اعتبار قطعی پیدا خواهد کرد.» (همان مدرک، ج ۱، ص ۱۴۵) و ماده ۹ موافقتنامه ایران و سوئیس در مورد اعتبار کشور سوئیس از طریق بیمه دولت فدرال در مقابل مخاطرات صادراتی مورخ ۲۰ مارس ۱۹۶۶: «این موافقتنامه موکول به تصویب نامه بوده ولی موقتاً پس از امضاء قابل اجرا خواهد بود.» (همان مدرک، ج ۲، ص ۲۴) و موافقتنامه ایران و آمریکا درباره کمک دفاعی متقابل که در واشنگتن در ۱۳۲۹/۳/۲ منعقد و همان روز لازم الاجرا گردیده است.

287. O'Connell: International law, Vol 1 p. 246, London 1965.



کامل لازم الرعایه بدانند.<sup>۲۸۸</sup>

در مقابل موارد استثنائی که فوقاً اشاره شد، رویه عمومی در معاهدات رسمی این است که از تاریخ اتمام تشریفات مقرر در قانون اساسی مندرجات معاهده لازم الاجرا می‌گردد. به بیان دیگر، در اکثر موارد متعاهدان توافق می‌نمایند که از تاریخ انجام تشریفات تصویب، مقررات معاهده به مورد اجرا گذارده شود. در این صورت، برحسب مورد، ممکن است بلافاصله از زمانی که تصویب معاهده به یکدیگر اطلاع داده می‌شود<sup>۲۸۹</sup> یا از تاریخ مبادله اسناد تصویب، یعنی امضای صورتجلسه تبادل اسناد مذکور، مندرجات آن لازم الاجرا گردد.<sup>۲۹۰</sup> اگر در پاره ای از

۲۸۸. رک. به پانویس شماره ۱۰۵ این مقاله.

۲۸۹. مانند ماده ۱۶ موافقتنامه ایران و فرانسه راجع به حمل و نقل هوائی مورخ ۱۳۳۹/۲/۱: «این موافقتنامه در موقعی که هر دو طرف معظم متعاهد انجام تشریفات قانونی مربوط به تصویب آن را از طرف خود به اطلاع یکدیگر رسانیدند به مورد اجرا گذارده خواهد شد.» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۲، ص ۵۷) و ماده ۱۷ موافقتنامه ایران و افغانستان راجع به ایجاد روابط پستی مستقیم مورخ ۲۹ تیر ۱۳۱۷: «این موافقتنامه سه ماه پس از مبادله اسناد تصویب آن به موقع اجرا گذاشته می‌شود...»، یا ماده ۱۸: «این موافقتنامه به تصویب خواهد رسید و مبادله اسناد تصویب آن هرچه زودتر در کابل بعمل خواهد آمد.» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۱، ص ۲۱۸).

۲۹۰. مانند ماده ۱۶ موافقتنامه فرهنگی و هنری بین ایران و الجزایر مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۸۲ مطابق ۱۳۶۰/۱۱/۲۶ (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۸۹): «این موافقتنامه از تاریخ مبادله اسناد تصویب طبق تشریفات معموله در هریک از دو کشور لازم الاجرا خواهد شد.» (در پیشنهادات اصلاحی مجلس - همانجا، ص ۱۹۱ - به عبارت «از تاریخ مبادله مصوب» تغییر داده شده که مبهم است) و نیز ماده ۵ عهدنامه مودت ایران و سوئد مورخ ۱۳۰۸/۳/۶ (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج ۲، ص ۳ و مجموعه قوانین ۱۳۰۸، ص ۹۲): «پس از تصویب این عهدنامه برطبق مقررات قوانین اساسی هریک از طرفین متعاهدین مبادله نسخ مصوبه آن هرچه زودتر بعمل خواهد آمد و به محض مبادله نسخ مصوبه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.» به همین صورت است ماده ۱۶ موافقتنامه حمل و نقل هوائی ایران و هند مورخ ۱۳۳۹/۵/۱۹ (همان مدرک، ج ۲، ص ۱۸۳) و نیز ماده ۵ عهدنامه مودت ایران و سوئیس مورخ ۱۳۱۳/۲/۵ (مجموعه قوانین ۱۳۱۳، ص ۱۳۹): «پس از آنکه این عهدنامه به تصویب رسید مبادله نسخ مصوبه آن در اسرع اوقات ممکنه در برن بعمل خواهد آمد و به محض مبادله نسخ مصوبه به

معاهدات مشاهده می‌شود که تاریخ تصویب مبداء اعتبار معاهده شناخته شده است — مانند عهدنامه و دادیه و تأمینیه بین ایران و افغانستان ۲۹۱ — نباید نتیجه گیری شود که قبل از ابلاغ اسناد تشریفات تصویب آن به معاهده دیگر، معاهده لازم الاجرا شده است، بلکه معمولاً پس از ابلاغ مذکور معاهده به اجرا گذارده می‌شود؛ همچنانکه در عهدنامه اخیرالذکر اجرای مقررات فصل پنجم آن مدتی پس از تاریخ «مبادله نسخ صحه شده این» عهدنامه تعیین شده است. ۲۹۲

در بعضی از معاهدات بطور دقیق تر متعاهدان پیش بینی می‌نمایند که از تاریخ وصول دومین ابلاغیه ای که حاوی سند تصویب معاهده باشد، مقررات آن لازم الاجرا خواهد گردید ۲۹۳ و یا با تعیین مهلتی بیشتر برای این

→ موقع اجرا گذارده خواهد شد.» و ماده ۶ عهدنامه مودت ایران و فرانسه مورخ ۱۳۰۸/۲/۲۰ (مجموعه قوانین ۱۳۰۸، ص ۹۹).

۲۹۱. فصل ۸ عهدنامه و دادیه و تأمینیه ایران و افغانستان مورخ ۶ آذر ۱۳۰۶: «قرارداد حاضر... پس از رسیدن به تصویب و صحه مقامات مفتنه مملکتین دارای اعتبار خواهد بود...» (مجموعه معاهدات دوجانبه معبر، ۱۳۴۹، ج ۱ ص ۲۱۰ و مجموعه قراردادهای... جزوه شماره ۳ قراردادهای ایران و افغانستان...، تهران ۱۳۴۲، از انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۴ به بعد).

۲۹۲. فصل ۵: «طرفین متعاهدین موافقت می‌نمایند که اختیارداران خود را در ظرف مدتی که بیش از ۹ ماه پس از مبادله نسخ صحه شده این قرارداد نباشد، در طهران مجتمع کرده و قراردادهای تجارتي و اقامت و قنسولی... منعقد نمایند.»

۲۹۳. مانند ماده ۸ موافقتنامه جهانگردی بین ایران و سوریه مورخ ۱۳۶۳/۵/۱ (روزنامه رسمی ۱۳۵۳/۱۲/۱۹): «این موافقتنامه به تصویب هریک از طرفین متعاهدین خواهد رسید و از تاریخ آخرین اطلاعیه هریک از طرفین متعاهدین به طرف دیگر دایر بر اینکه طبق مقررات قوانین اساسی خود درباره لازم الاجرا شدن موافقتنامه حاضر عمل کرده است، لازم الاجرا خواهد شد.» و ماده ۱۲ موافقتنامه جهانگردی بین ایران و ترکیه و پاکستان مورخ ۸ اکتبر ۱۹۶۴ در تهران به انگلیسی تنظیم شده و در ۱۳۴۴/۱۰/۱۸ به تصویب رسیده است (مجموعه قوانین ۱۳۴۴، ص ۲۱۳) که می‌گوید: «این موافقتنامه بموجب قوانین اساسی هریک از طرفهای متعاهد به تصویب خواهد رسید و ده روز پس از تاریخی که وزارت امور خارجه ایران یادداشت دایر به تصویب را دریافت نماید به موقع اجرا در خواهد آمد.» و نیز ماده ۱۳ موافقتنامه فرهنگی بین ایران و غنا مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۳ مصوب ۱۳۶۶/۶/۳۱ مجلس: «این

کار، مبداء اعتبار اجرائی معاهده را چند روز یا چند هفته پس از مبادله اسناد تصویب تعیین می نمایند. رویه اخیر خصوصاً در مورد معاهدات مهم، مانند عهدنامه اقامت و تجارت و امثال آن که آثار حقوقی متعددی برای اتباع طرفین ایجاد می کند، بیشتر مشاهده می شود.<sup>۲۹۴</sup> لهذا بمنظور هماهنگی در اجرای مقررات معاهده بین کشورهای متعاقد، از قبل توافق می شود که پس از انجام مبادله اسناد تصویب و سپری شدن مدت معینی از آن، مقررات

م موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه هریک از طرفین به طرف دیگر مبنی بر تصویب آن لازم الاجرا خواهد گردید.» (مجموعه قوانین ۱۳۶۶).

۲۹۴. مانند موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل سرمایه گذاری بین ایران و آلمان فدرال مورخ ۱۳۴۴/۸/۲۰ مصوب ۱۳۴۶/۳/۱ (مجموعه قوانین ۱۳۴۶، ص ۱۲۹). در بند ۲ ماده ۱۴ آمده است: «این قرارداد یک ماه پس از تاریخ مبادله اسناد تصویب به موقع اجرا گذارده خواهد شد و برای مدت ده سال اعتبار خواهد داشت. پس از آن نیز اعتبار آن به مدت نامحدود ادامه خواهد یافت مگر آنکه یکی از طرفین متعاقد تصمیم خود را دایر بر فسخ قرارداد یک سال قبل از انقضای مدت آن کتباً به طرف دیگر اعلام دارد.» و نیز ماده ۱۰ عهدنامه اقامت بین ایران و سوئیس مورخ ۱۳۱۳/۲/۵: «پس از تصویب این قرارداد، نسخ مصوبه آن در اسرع اوقات ممکنه در برن مبادله خواهد شد. این قرارداد یک ماه بعد از مبادله نسخ مصوبه به موقع اجرا گذارده شده...» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۲، ص ۱۷) و ماده ۲۲ عهدنامه اقامت و تجارت و بصر پیمائی بین ایران و سوئیس مورخ ۱۳۰۸/۳/۲۰: «این عهدنامه برطبق قانون اساسی هریک از دولتین متعاهدین به تصویب خواهد رسید و مبادله نسخ مصوبه به اسرع اوقات ممکنه صورت خواهد گرفت. این قرارداد پانزده روز پس از مبادله نسخ مصوبه به موقع اجرا گذاشته می شود...» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۲، ص ۶) و ماده ۵ عهدنامه مودت ایران و ایتالیا مورخ ۱۳۲۹ (مجموعه قوانین ۱۳۳۴، ص ۳۷۴) و ماده ۵ عهدنامه مودت ایران و سوریه مورخ ۱۹۵۴ (مجموعه قوانین ۱۳۳۴، ص ۴۳۴) و ماده ۲۳ عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و کنسولی ایران و امریکا مورخ ۱۳۳۴/۵/۲۳ (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۲، ص ۹۰) و ماده ۱۵ معاهده اقامت و دریانوردی ایران و فرانسه مورخ ۱۳۴۳/۴/۳: «این قرارداد به تصویب خواهد رسید و پس از ۳۰ روز از تاریخ مبادله اسناد لازم الاجرا خواهد گردید...» (همان مدرک، ج ۲، ص ۶۶) و ماده ۱۰ موافقتنامه فرهنگی ایران و عربستان سعودی مورخ ۱۳۴۶/۷/۲۳ (همان مدرک، ج ۲، ص ۴۷) و ماده ۲۳ عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی ایران و ایالات متحده امریکا مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۳۴: «عهدنامه فعلی یک ماه پس از تاریخ مبادله اسناد مصوبه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.»

معاهده به مرحله اجرا گذارده خواهد شد.<sup>۲۹۵</sup> برخی معاهدات عملاً سالها پس از امضای نمایندگان دو دولت، مورد تصویب مقامات صالحه قرار گرفته و متعاقباً هم مبادله اسناد آن انجام شده و نتیجتاً فاصله زمانی زیادی بین تنظیم معاهده و لازم الاجرا شدن آن سپری گردیده است.<sup>۲۹۶</sup> بدین جهت در پاره ای موارد به لحاظ ضرورت رعایت تشریفات تصویب از یک طرف و فوریت در اجرای معاهده از طرف دیگر، طرفین موافقتنامه متعهد می شوند در مهلت معینی اقدام به مبادله اسناد تصویب نموده و بلافاصله آن را به مورد اجرا بگذارند<sup>۲۹۷</sup> یا حداقل در اسرع وقت، تشریفات قانونی را اجرا کنند.<sup>۲۹۸</sup>

۲۹۵. در پروتکل همکاری فتنی بین ایران و ترکیه راجع به عکسبرداری هوایی جهت تهیه نقشه های مناطق مرزی مورخ ۶۵/۹/۲ (مصوب ۱۳۶۶/۸/۲۸ مجلس شورای اسلامی) در ماده ۱۰ تصریح شده است که یک ماه پس از تاریخی که طرفین از طریق دیپلماتیک تصویب آن را به یکدیگر اطلاع داده باشند [پروتکل] لازم الاجرا خواهد شد.

۲۹۶. در معاهدات زیر، مدت زمان طولانی بین امضای معاهده و مبادله اسناد تصویب آن سپری شده و بدین اعتبار، سالها لازم الاجرا شدن معاهده به تأخیر افتاده است: پروتکل شرح ناحیه تلافی سرحدات ایران و افغانستان و شوروی که در تاریخ ۱۳۲۷/۴/۹ در سرخس به امضاء رسیده و در ۱۳۳۷ اسناد تصویب آن مبادله گردیده است (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۱، ص ۲۱۸)؛ عهدنامه انتظامات مرزی و ترتیب تصفیه اختلافات و حوادث در مرز و پروتکل ضمیمه که در مسکودر ۱۳۳۶/۲/۲۴ به امضاء رسیده و اسناد آن در ۱۳۴۱/۹/۲۹ مبادله گردیده است؛ معاهده راجع به آب هیرمند (هلمند) که در کابل در ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ به امضاء رسیده و در ۱۳۵۶/۳/۱۵ پس از تصویب، مبادله اسناد انجام شده است (مجموعه قوانین ۱۳۵۶، ص ۱۱۰)؛ عهدنامه مودت ایران و ایتالیا در تهران در ۱۳۲۹/۷/۲ امضاء شده و در ۱۳۳۵/۱۰/۲ پس از مبادله اسناد تصویب لازم الاجرا گردیده است (مجموعه قوانین ۱۳۳۴، ص ۳۷۳).

۲۹۷. مانند ماده ۱۲ عهدنامه مودت ایران و افغانستان مورخ اول سرطان ۱۳۰۰: «نمایندگان طرفین متعاهدین متعهد می شوند که در مدت سه ماه از تاریخ امضاء یا در صورت امکان زودتر اسناد لازمه دایر بر تصدیق عهدنامه را در تهران یا کابل مبادله نمایند.» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۱، ص ۲۰۹) و ماده ۴ عهدنامه مودت ایران و هلند مورخ ۱۱ اسفند ۱۳۰۸: «پس از تصویب این عهدنامه نسخ مصوبه هر چه زودتر مبادله خواهد شد و یک ماه بعد از مبادله اسناد تصویب شده به موقع اجرا گذاشته می شود.» (همان مدرک، ج ۲، ص ۱۶۰).

۲۹۸. ماده ۱۵ موافقتنامه کمیساران سرحداتی (مرزبانان) بین ایران و افغانستان مورخ ۵ تیرماه

معمولاً در نشریاتی که وضعیّت معاهدات لازم الاجرا در آنها مندرج است در مقابل نام هر معاهده علاوه بر تاریخ امضای آن، تاریخ تصویب قطعی معاهده و همچنین تاریخ مبادله اسناد تصویب یا اجرای معاهده قید می‌گردد. ۲۹۹ در صورت مشخص نبودن انجام مبادله اسناد تصویب، ظاهر امر براین است که معاهده هنوز لازم الاجرا نشده است، مگر اینکه در متن معاهده تصریح شده باشد که مندرجات آن پس از امضاء بلافاصله قابل اجرا خواهد بود.

#### ● در معاهدات چند جانبه غیر محدود:

اینگونه کنوانسیونها که اکثراً به منزله قوانین موضوعه در حقوق بین الملل تلقی می‌شوند با شرایط سهلتری لازم الاجرا می‌گردند و متن آنها معمولاً فقط با تصویب تعداد محدودی از کشورها که تعداد و احیاناً مشخصاتشان از قبل در کنوانسیون پیش بینی شده است، رسمیت می‌یابد؛ زیرا اگر بنا می‌بود لازم الاجرا شدن هر کنوانسیون بین المللی مشروط به تصویب کلیه دولتهائی باشد که در تدوین آن حاضر بوده یا مشارکت

→ ۱۳۳۵: «این قرارداد به تصویب مقامات مقتنه دو کشور خواهد رسید و در کابل امضاء خواهد شد (فعل مضارع در طرح اولیه اصلاح نشده) و اسناد مصوب آن در اسرع اوقات در تهران مبادله خواهد گردید. این قرارداد ۱۵ روز پس از مبادله اسناد مصوب به موقع اجرا گذارده می‌شود...» (مجموعه قراردادهای جزوه شماره ۳، ص ۷۲، وزارت امور خارجه، ۱۳۴۲ و مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۱، ص ۲۲۴) و ماده ۵ موافقتنامه ایران و عربستان سعودی مربوط به حاکمیت بر جزایر فارسی و عربی مورخ ۱۳۴۷/۸/۲: «این موافقتنامه از تاریخ مبادله اسناد تصویب که در اسرع وقت ممکنه در جده انجام خواهد گرفت، لازم الاجرا خواهد شد.» (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج ۲، ص ۵۱) و ماده ۶ عهدنامه مودت ایران و فرانسه مورخ ۱۳۰۸/۲/۲۰: «پس از تصویب این عهدنامه مبادله نسخ مصوبه آن در اسرع اوقات ممکنه در پاریس بعمل خواهد آمد و به محض مبادله نسخ مصوبه به موقع اجرا گذاشته می‌شود».

۲۹۹. رک. به کتاب راهنمای عهد...، ص ۳۵۲ - ۳۷۴ متون ۷ و نیز نشریه اداره کل امور حقوقی وزارت امور خارجه، فهرست معاهدات معتبر دوجانبه ایران که در ۱۳۵۸ چاپ و اخیراً مجدداً با تجدید نظر تکثیر شده است.

نموده‌اند، کافی بود که با تعلق یک یا چند کشور در تصویب آن، کنوانسیون هرگز به مرحله اجرا در نیاید.

برای مثال، طبق مندرجات کنوانسیونهای چهارگانه صلیب سرخ مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو (مصوب ۳۰ آذرماه ۱۳۳۴ در ایران) «شش ماه پس از آنکه لا اقل دو سند تصویب تسلیم گردد، اعتبار خواهد یافت»<sup>۳۰۰</sup>، یا مانند کنوانسیون تأسیس سازمان یونسکو مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۶ (در ایران مصوب ۱۳۲۴)، که لازم الاجرا شدن آن منوط به این شد که بیست کشور اسناد تصویب خود را تودیع نمایند.<sup>۳۰۱</sup>

در برخی از کنوانسیونها تنها تعداد کشورهایی که اسناد تصویب خود را تودیع نموده باشند ضابطه لازم الاجرا شدن معاهده نیست، بلکه علاوه بر تعداد لازم، باید واجد بعضی ویژگیهای پیش‌بینی شده نیز باشند و بدین لحاظ فرضیه تساوی دولتها در این مورد کنار گذاشته می‌شود، مانند ماده ۱۱۰ منشور سازمان ملل متحد که لازم الاجرا شدن آن را موقوف به تودیع اسناد تصویب پنج عضو دائمی شورای امنیت و اکثریت دولتهای امضاکننده نموده است<sup>۳۰۲</sup> و همچنین است در مورد اساسنامه صندوق بین‌المللی

۳۰۰. ماده ۵۸ کنوانسیون راجع به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوکنی و ماده ۵۷ کنوانسیون راجع به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا و ماده ۱۳۸ کنوانسیون راجع به معامله با اسیران جنگی و ماده ۱۵۳ کنوانسیون راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۴۹ که در ۳۰ آذرماه ۱۳۳۴ در مجلس شورای ملی ایران به تصویب رسیده است (مجموعه قوانین ۱۳۳۴ و مجموعه قراردادها...، ص ۳۰۲ به بعد).

۳۰۱. در موافقتنامه برای وارد کردن لوازم تربیتی و علمی و فرهنگی مورخ ۱۹۵۰ که در ایران ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۹ به تصویب رسیده است طبق ماده ۳۳ آن «سه ماه پس از تسلیم پنج سند مصوب» قوت قانونی خواهد یافت (مجموعه قراردادها...، ص ۴۷۲).

۳۰۲. ماده ۱۱۰ منشور سازمان ملل متحد مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ (مصوبه ۱۳/۶/۱۳۲۴) «بند ۳. این منشور پس از آنکه دولت جمهوری چین و فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و کشورهای متحده آمریکا و همچنین اکثریت سایر دولتهای امضاکننده، اسناد تصویب خود را تسلیم نمودند، لازم الاجرا خواهد بود.» (مجموعه قوانین ۱۳۲۴ - مجموعه قراردادها...، ص ۲۲۰).

پول. ۳۰۳ بارزترین نمونه اخیر از این کنوانسیونها ماده ۵۷ موافقتنامه تشکیل صندوق مشترک فراورده‌های اساسی مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۰ است که لازم الاجرا شدن آن را منوط به تصویب حداقل ۹۰ کشور که مقدار پذیره نویسی سهامشان در صندوق مزبور جمعاً به دو سوم سرمایه پیش بینی شده در مقررات آن بالغ گردد، نموده است. ۳۰۵ و ۳۰۴

اما در بعضی از کنوانسیونهای حساس، خصوصاً در مسائل دفاعی و امنیت دسته جمعی، تودیع اسناد تصویب معاهده توسط کلیه کشورهای تدوین کننده آن شرط لازم الاجرا شدن معاهده شناخته شده است، مانند عهدنامه تحریم جنگ مورخ ۱۹۲۸<sup>۳۰۶</sup> و کنوانسیون منع آزمایشهای سلاح هسته ای مورخ ۱۹۶۳ و غیره. ۳۰۷ در غیر از موارد حساس، رویه محدود نمودن تعداد تصویب لازم برای رسمیت یافتن یک کنوانسیون سبب شده است که با سهولت بیشتری مندرجات آن در حقوق موضوعه بین الملل وارد شود.

۳۰۳. ماده ۲۰ اساسنامه صندوق بین المللی پول مورخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۴ (مصوب ۱۰/۶/۱۳۲۴ مجلس شورای ملی) در بخش یک مقرر داشته است: «زمان اجرای این موافقتنامه وقتی است که از طرف دولتهائی که دارای شصت و پنج درصد از سهمیه ای که در جدول «الف» معین شده، باشند امضاء شده و سندی که در بخش دوم این ماده ذکر شده از طرف آنها سپرده شده باشد...» (مجموعه قوانین مصوبه دوره ۱۴ قانونگذاری، چاپ مجلس، ص ۱۳۸).

304. Accord portant création du fonds commun pour les produits de base, fait le 97.6. 1980 à Genève (public par la CNUCED, TD/IPC/CF/Conf/24.

۳۰۵. رک. به اوپنهایم: حقوق بین الملل، لندن ۱۹۶۷، ج ۱، پاراگراف a ۳۱۰.  
۳۰۶. عهدنامه تحریم جنگ مورخ ۲۷ اوت ۱۹۲۸ (ایران در ۱۱ مهرماه ۱۳۰۷ به آن ملحق شده است) در ماده ۳ تصریح می‌کند: «این عهدنامه را دول معظمی که اسامی آنها در مقدمه ذکر شده مطابق مقررات قوانین اساسی خود تصویب خواهند نمود و اثر آن از تاریخی خواهد بود که کلیه اسناد تصویب به دولت امریکا در واشنگتن تسلیم شود...» (مجموعه قوانین ۱۳۰۷، ص ۱۵ و مجموعه قراردادهای...، ص ۶۷).

۳۰۷. ماده ۳ کنوانسیون منع آزمایشهای سلاح هسته ای مورخ پنجم اوت ۱۹۶۳ (الحاق ایران در ۱۷ مردادماه ۱۳۴۲): «۳. این قرارداد پس از تصویب آن بوسیله طرفهای اصلی امضا کننده و پس از تسلیم اسناد تصویب به مرحله اجرا در خواهد آمد.» (مجموعه قوانین ۱۳۴۲ و مجموعه قراردادهای...، ص ۷۹۸).

در هر صورت، چنین کنوانسیون‌هایی که با تصویب تعدادی از کشورهای تدوین کننده آن (و نه تمامی آنها) لازم الاجرا می‌گردد فقط نسبت به کشورهایی که به چنین اقدامی مبادرت ورزیده‌اند ایجاد تعهد کامل نموده و لازم‌الوفاء خواهد بود و برای بقیه علی‌الاصول از همان تاریخی که بعداً اسناد تصویب خود را تودیع نمایند الزام آور خواهد شد، مگر اینکه استثنائاً عضویت کشور جدید الورد در کنوانسیون طبق مقررات آن عطف به‌ماسبق گردیده باشد.<sup>۳۰۸</sup>

به همین لحاظ بند ۳ ماده ۲۴ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ وین درباره حقوق معاهدات مقرر نموده است: «هرگاه تاریخ توافق و تصویب یک کشور (یا یک سازمان بین‌المللی) نسبت به التزام به یک معاهده متعاقب لازم‌الاجرا شدن آن انجام شود، معاهده نسبت به آن کشور (یا سازمان بین‌المللی) از تاریخ مذکور (یعنی تصویب) لازم‌الاجرا خواهد گردید، مگر اینکه مقررات دیگری در معاهده پیش‌بینی شده باشد.»

در واقع، محتوای بند ۳ فوق‌الذکر براین قاعده مبتنی است که اگر معاهده در مورد مبدئاً زمان لازم‌الاجرا شدن آن به سکوت برگزار نموده باشد، از زمانی که توافق هر کشور عضو نسبت به التزام به معاهده قطعی می‌گردد از همان تاریخ، مندرجات معاهده لازم‌الاجرا خواهد گردید. ذیلاً این قاعده را مورد بحث قرار می‌دهیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ب. قاعده دوم:

لازم‌الاجرا شدن معاهده از زمان التزام قطعی به مندرجات آن

در صورت سکوت متعاهدان در تعیین مبدئاً لازم‌الاجرا شدن معاهده اصل براین است که از زمان قطعی شدن معاهده مفاد آن لازم‌الاجرا است.

۳۰۸. نویسنده انگلیسی اوکانل در کتاب حقوق بین‌الملل خود (ج ۱، ص ۲۴۶، لندن ۱۹۶۵) تصریح نموده است:

“Needless to say it comes into force only as between those states which at that date have ratified, extending its operation to those as they ratify subsequently.”



به عبارت دیگر، از تاریخی که معاهده آخرین مراحل تصویب و تأیید را پشت سر بگذارد مندرجات آن لازم الاجرا می‌گردد و اگر تنها مرحله امضاء برای آن پیش بینی شده باشد از تاریخ امضاء، معتبر شناخته می‌شود.

بدین لحاظ بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ وین درباره حقوق معاهدات مقرر می‌دارد: «در صورتیکه هیچگونه پیش بینی و یا توافق [در مورد تاریخ لازم الاجرا شدن آن] بعمل نیامده باشد، معاهده پس از اینکه رضایت کلیه کشورهای طرف مذاکره نسبت به التزام به معاهده احراز گردد، بلافاصله لازم الاجرا می‌شود.»

این قاعده بر این حقیقت مبتنی است که هرگاه معاهده تشریفات مقرر را سپری نمود و به صورت قطعی در آمد هیچ دلیلی برای تأخیر در اجرای آن وجود ندارد و بنابراین فوراً لازم الاجرا می‌گردد.

ذیلاً کاربرد این قاعده را در معاهدات دوجانبه و چند جانبه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ● در معاهدات دوجانبه:

در صورتیکه در متن معاهده تاریخ لازم الاجرا شدن آن پیش بینی نشده باشد — چنانکه فوقاً گفته شد — از تاریخ تصویب آن توسط متعاهدین و عملاً از زمان مبادله اسناد، مندرجات آن به اجرا گذارده می‌شود. ۳۰۹ در مواردی که تنها یکی از متعاهدین باید آن را به تصویب برساند، معمولاً ملاک، تاریخی است که انجام تشریفات مذکور رسماً به اطلاع دولت دیگر

۳۰۹. اوکانل در کتاب خود به نام حقوق بین الملل (ج ۱، ص ۲۴۶، لندن ۱۹۶۵) ذیل عنوان «تودیع اسناد تصویب، تاریخ لازم الاجرا شدن [معاهده] است» توضیح می‌دهد: «معمولاً مبادله اسناد تصویب منحصر است به معاهدات دوجانبه. در مورد معاهدات چندجانبه اسناد تصویب طبق مندرجات معاهده در بایگانی یا یک دولت معین و یا دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع می‌شود.»

می‌رسد.<sup>۳۱۰</sup> بدین جهت معاهدات رسمی معمولاً از تاریخ تصویب<sup>۳۱۱</sup>، و به عبارت واضح‌تر، از تاریخ اطلاع رسمی متعاهدین از انجام تشریفات آن (یعنی تاریخ مبادله اسناد تصویب) لازم‌الاجرا می‌شود.<sup>۳۱۲</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری به همین دلیل نیز اعلام نموده که در صورت سکوت معاهده ظاهر براین است که مقررات آن از تاریخ مبادله اسناد تصویب لازم‌الاجرا می‌گردد.<sup>۳۱۳</sup>

در مورد تفاهم‌نامه‌های اجرائی چون اکثر تشریفات دیگری غیر از امضای نمایندگان دو دولت در متن آنها پیش‌بینی نمی‌شود، باید چنین استنتاج نمود که مندرجات آنها بلافاصله از همان زمان به اجرا گذارده می‌شود.<sup>۳۱۴</sup> هرگاه ماهیت توافق بین‌المللی مورد اختلاف باشد و برخی آن را یک معاهده رسمی به حساب آورند (و لذا از تاریخ تصویب معتبر بدانند) و گروه دیگر تفاهم‌نامه اجرائی محسوب نمایند (و از همان تاریخ امضاء لازم‌الاجرا بدانند)، به نظر می‌رسد که در اینگونه موارد مندرجات توافق بین‌المللی باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد و از ارائه یک راه‌حل یکنواخت احتراز شود. در این مورد، سابقه بحث و بررسی «قرارداد همکاری

۳۱۰. مانند ماده ۲۰ موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایران و امریکا مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۳۵: «همینکه دولت ایران تصویب این موافقتنامه را به دولت کشورهای متحده امریکا اعلام کند از تاریخ وصول اعلامیه مزبور این موافقتنامه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر تا ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۹۱) و ماده ۱۶ موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایران و هلند مورخ ۱۳۳۸/۸/۹: «این موافقتنامه در تاریخ مبادله یادداشت بین طرفین متعاهدین مبنی بر تصویب آن از طرف مجلس شورای ملی ایران به مورد اجرا گذارده خواهد شد.» (مجموعه مذکور ص ۱۶۴ قسمت فارسی و ص ۱۵۸ بخش انگلیسی).

۳۱۱. در کانادا رویه قضائی نیز صریحاً تاریخ تصویب معاهده را مبدء لازم‌الاجرا شدن آن دانسته است:

Spitz v. secretary of state of Canada [1939] Ex: C.R. 162; [1939] 2D.L.R. 546.

۳۱۲. رک. به مواردی که در پانویس شماره ۲۸۹ آمده است.

۳۱۳. رأی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره حکم دآوری پادشاه اسپانیا:

C.I.J Recueil 1960, pp. 208-209.

۳۱۴. رک. به «مجله حقوقی»، شماره ۶، ص ۱۰۳ (بخش اول این مقاله).

اقتصادی، علمی و فقی بین ایران و لیبی» مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۸۲ مطابق با ۳۰ بهمن ماه ۱۳۶۰ در مجلس شورای اسلامی قابل توجه می باشد؛ زیرا در عین اینکه متن آن برای تصویب پارلمان ایران ارائه گردیده، ولی خصوصیات شکلی یک معاهده رسمی را فاقد بوده است، چون از یک طرف طبق ماده ۱۲ توافق بین المللی مذکور «این قرارداد از تاریخ امضای آن اعتبار خواهد داشت»<sup>۳۱۵</sup> و از طرف دیگر گذشتن از تصویب پارلمان متعاهدین برای لازم الاجرا شدن آن پیش بینی نشده است. معذک لازم به تذکر است که این توافق، یک معاهده رسمی است، زیرا هرچند در متن آن انجام تشریفات تصویب و رعایت موازین قانون اساسی پیش بینی نشده ولی به لحاظ مندرجات آن، خصوصاً مواد ۵ و ۶ و ۷ که مشتمل بر رعایت دولت کامله الوداد در روابط بازرگانی و نیز تکالیف دیگری برای متعاهدین می باشد، می باید آن را یک معاهده رسمی به حساب آورد. به همین دلیل در اصلاحات آقایان نمایندگان مجلس ماده ۱۲ فوق الذکر به نحو زیر تغییر یافته است: «این موافقتنامه از تاریخ تصویب مقامات قانونی دو کشور، رسمی خواهد شد.»<sup>۳۱۶</sup>

#### ● در معاهدات چند جانبه محدود:

در اینگونه معاهدات اصل بر این است که لازم الاجرا شدن توافق بین المللی موقوف به تصویب آن توسط کلیه کشورهای عضو می باشد. تشکیل اتحادیه های سیاسی، اقتصادی<sup>۳۱۷</sup> یا پیمانهای دفاعی<sup>۳۱۸</sup> یا

۳۱۵. موافقتنامه همکاری اقتصادی، علمی و فقی بین ایران و لیبی (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۸۳).

۳۱۶. مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۸۵: یادآوری می شود این موافقتنامه به دلایلی که قبلاً بیان شد («مجله حقوقی»، شماره ۷، ص ۱۶۰) اسناد تصویب آن مبادله نشده و هنوز لازم الاجرا نگردیده است.

۳۱۷. رک. به ماده ۲۴۷ معاهده رم مورخ ۲۵ مارس ۱۹۵۷ راجع به تأسیس جامعه اقتصادی اروپائی و همچنین ماده ۳۳ معاهده سند واحد اروپائی (Single European Act) که در

نظامی ۳۱۹، اعمّ منطقه‌ای یا غیر آن، معمولاً این ویژگی را دارد که تمامی اعضا بالاتفاق باید تعهدات مندرج در آن را برعهده گیرند. البته در بعضی موارد استثنائی ممکن است پیش‌بینی شود که تودیع اسناد تصویب فقط دو یا چند کشور عضو کنوانسیون برای لازم‌الاجرا شدن آن کافی است. ۳۲۰ نویسنده انگلیسی اوکانل تصریح کرده است: «جز در موردی که در معاهده به نحو دیگری پیش‌بینی شده باشد، [علی‌الاصول] معاهده لازم‌الاجرا نخواهد شد مگر اینکه کلیه اسناد تصویب [کشورهای عضو] تودیع شده باشد.» ۳۲۱

### ● در کنوانسیونهای بین‌المللی غیرمحدود:

معمولاً در ضمن یکی از موادّ مقابله‌نامه‌های بین‌المللی، تاریخ

→ ۱۶ فوریه ۱۹۸۶ در لوکزامبورگ بین دوازده کشور عضو اتحادیه اروپائی به امضاء رسید و از اول ژوئیه ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا گردید.

۳۱۸. پیمان بریان-کلوگ یا عهدنامه تحریم جنگ مورخ ۲۷ مارس ۱۹۲۸ که در ایران در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۰۷ به تصویب مجلس شورا رسیده است (مجموعه قوانین ۱۳۰۷، ص ۱۵ و نیز ۱۳۰۸، ص ۳۰) در ماده ۳ تصویب کشورهای تنظیم‌کننده معاهده، یعنی نه کشوری که در جنگ بین الملل اول طرف منازعه بوده‌اند را شرط لازم‌الاجرا شدن این عهدنامه دانسته است (رک. به متن آن در مجموعه قراردادها... ص ۶۶) و ماده ۱۲ معاهده بروکسل مورخ ۱۷ مارس ۱۹۴۸ راجع به تأسیس اتحادیه اروپای غربی.

۳۱۹. مانند پیمان بغداد که بعداً به نام پیمان سنتو خوانده شد (رک. به قانون اجازه الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل متحده بین دولتین عراق و ترکیه مصوب ۱۳۳۴/۷/۳۱، مجموعه قوانین ۱۳۳۴، ص ۲۱) و نیز عهدنامه عدم تعرض منعقد بین ایران، افغانستان، ترکیه و عراق معروف به پیمان سعدآباد مورخ ۱۷ تیرماه ۱۳۱۶ (ژوئیه ۱۹۳۷) مصوب ۲۵ اسفند ۱۳۱۶ (مجموعه قوانین ۱۳۱۶، ص ۱۴۶ به بعد).

۳۲۰. مانند موافقتنامه مربوط به وضع مزایا و مصونیت‌های سازمان پیمان مرکزی، نمایندگان ملی و کارمندان بین‌المللی آن که در ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۳۹ (۹ نوامبر ۱۹۶۰) بین چهار کشور ایران، پاکستان، ترکیه و انگلیس منعقد شده و در ماده ۲۵ اجرایش موکول به تصویب دو کشور عضو گردیده است (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، وزارت امور خارجه ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۰۴).

۳۲۱. اوکانل: حقوق بین‌الملل، لندن ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۲۴۶.

لازم الاجرا شدن معاهده که پس از تودیع تعداد لازم از اسناد تصویب کشورهای عضو واقع می‌شود، پیش‌بینی می‌گردد؛ ولی اصولاً مقررات شکلی کنوانسیون بلافاصله لازم الاجرا است.

### ● مقررات شکلی کنوانسیونها پس از تدوین نهائی بلافاصله لازم الاجرا هستند.

مقررات عمومی که در انتهای کنوانسیونها وضع می‌شود به لحاظ ماهیت و موضوعشان پس از تنظیم نهائی و تأیید آن توسط کنفرانس دیپلماتیک تهیه‌کننده کنوانسیون بلافاصله لازم الاجرا می‌گردد. این قبیل مقررات شامل موادی است راجع به نحوه اعلام رضایت کشورهای مختلف نسبت به التزام به معاهده - چه به صورت امضاء، چه تصویب و چه پذیرش معاهده -، تاریخ و نحوه لازم الاجرا شدن مندرجات اصلی کنوانسیون و امثال آن. بند ۴ ماده ۲۴ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات بین دولتها و ۱۹۸۶ وین راجع به حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی تصریح نموده است که «مقررات یک معاهده که تشریفات رسمی شدن سند، اثبات رضایت نسبت به التزام به معاهده، کیفیات و تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده، شروط آن و وظایف نگهدارنده و نیز سایر مسائل که قبل از لازم الاجرا شدن معاهده باید مطرح شوند، از زمان تدوین متن کنوانسیون قابل اجرا هستند.»

بنابراین تأیید متن نهائی یک کنوانسیون توسط نمایندگان اکثریت کشورهایائی که در تدوین آن مشارکت داشته‌اند موجب می‌شود که مقررات شکلی کنوانسیون مورد بحث بلافاصله به اجرا نهاده شود هرچند هیچ کشوری کنوانسیون را هنوز تصویب یا حتی امضاء ننموده باشد و از این نظر شباهت نزدیکی با مصوبات پارلمانهای ملی دارد که رأی اکثریت بر همه تحمیل می‌گردد.

ج. اجرای موقت معاهده قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن اصولی آن

ممکن است در پاره ای موارد معاهده ای به محض امضاء لازم الاجرا گردد هر چند بعداً باید تشریفات تصویب را نیز طی نماید تا رسمیت لازم را پیدا نماید. دلایل مختلفی می تواند انگیزه این رویه باشد، از قبیل ملاحظات سیاسی - یعنی فوریت در به ثمر رساندن نتایج مذاکرات برای طرفین مانند معاهدات همکاری مشترک بین کشورهای اروپای غربی و کشورهای بلوک کمونیست از ۱۹۴۵ به بعد -، یا دلایل جغرافیائی مثل اجرای موقت معاهدات منعقدہ بین کشورهای غربی و چین و ژاپن در قرون هیجدهم و نوزدهم با توجه به فاصله بین پایتختهای متعاهدان، یا دلایل حقوقی از قبیل موافقتنامه های بازرگانی که دولت فرانسه طبق قانون مصوبه ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۹ منعقد و اجرا کرده است، و بالاخره دلایل اجرایی مانند موافقتنامه مورخ ۲۰ مارس ۱۹۶۶ ایران و سوئیس در مورد اعتبار کشور سوئیس از طریق بیمه دولت فدرال در مقابل خطرات صادراتی. ۳۲۲

ماده ۲۵ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ وین این رویه معمول را به طریق زیر توضیح داده است:

«۱. یک معاهده یا جزئی از آن می تواند تا زمانی که رسماً لازم الاجرا نگردیده موقتاً در موارد زیر به اجرا نهاده شود:  
الف. اگر معاهده چنین امری را مقرر داشته باشد،  
ب. و یا کشورهایی که در مذاکرات شرکت نموده اند به نحو دیگری بر این امر توافق نموده باشند.»

فرض اخیر مربوط به مواردی است که اجرای موقت معاهده در یک پروتکل جداگانه همزمان با امضای معاهده یا بعداً در یک الحاقیه به معاهده مقرر شده باشد. کنوانسیون ۱۹۷۱ تجارت گندم از مواردی است که اجرای

۳۲۲. مجموعه معاهدات دوجانبه معتبره، وزارت امور خارجه ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۳.

موقت آن به اختیار کشورهای امضاء کننده گذارده شده است.<sup>۳۲۳</sup> لازم به یادآوری است که اجرای موقت، یک معاهده را تبدیل به تفاهم نامه اجرائی نمی‌کند، بلکه این خصوصیت در واقع به منزله اجرای فوری معاهده در موقعیتی است که مذاکره کنندگان این امر را ضروری تشخیص داده و در چهارچوب صلاحیتهای خود برآن توافق کرده‌اند، مانند اجرای موقت کنوانسیون بین المللی کاکائو (ژنو- ۱۹ نوامبر ۱۹۸۰) که بیش از دو سوم از ۷۰ کشوری که تا کنون کنوانسیون مزبور را امضاء نموده‌اند، موقتاً آن را به اجرا نهاده‌اند و بتدریج اسناد تصویب خود را متعاقباً تسلیم کرده یا خواهند کرد.<sup>۳۲۴</sup> به همین جهت ممکن است نمایندگان کشورهای از نظر قانون اساسی کشور متبوع خود چنین صلاحیتی را فاقد باشند و لهذا چه بسا اجرای موقت معاهده معمولاً معارض مقررات قانون اساسی کشور آنها باشد.<sup>۳۲۵</sup>

در حقوق ایران تعدادی از معاهدات دو جانبه پیش بینی نموده‌اند که مندرجات آنها قبل از تصویب و مبادله اسناد باید به اجرا نهاده شود<sup>۳۲۶</sup> و چنانکه قبلاً بیان شد این روش، نوعی عطف بماسبق شدن معاهده تلقی می‌شود.

۳۲۳. ماده ۲۴ کنوانسیون تجارت گندم ۱۹۷۱ مصوب ۱۳۵۵/۵/۴ مجلس شورای ملی (مجموعه قوانین ۱۳۵۵، ص ۲۰۰ و روزنامه رسمی ۱۳۵۵/۶/۳): «هر دولت امضاکننده می‌تواند سند اعلام اجرای موقت این کنوانسیون را نزد دولت ایالات متحده امریکا تودیع نماید. همچنین هر کشور دیگری که شرایط امضای این کنوانسیون را حائز باشد یا هر کشوری که درخواست الحاق آن به تصویب شورا رسیده باشد، می‌تواند سند اعلام اجرای موقت را نزد دولت ایالات متحده امریکا تودیع نماید. کشوری که چنین سندی را تودیع کند مفاد کنوانسیون را بطور موقت اجرا خواهد نمود و عضو موقت این کنوانسیون بشمار خواهد رفت.»

۳۲۴. رک. به Multilateral Conventions C.E.E از انتشارات کمیسیون اروپائی، بروکسل ۱۹۸۷، ص ۲۰۳.

۳۲۵. رک. به مقاله D.Vigues در سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل، سال ۱۹۷۲، ص ۱۸۱ — ۱۹۹.

۳۲۶. رک. به موارد مندرج در پانویسهای ۲۸۲ و ۲۸۴

تشریفات مبادله اسناد تصویب که فوقاً مورد مطالعه قرار گرفت اجرای معاهده را بین متعاهدان رسمیت می بخشد. در مورد آگاه نمودن اتباع آنان و سازمانهای اداری وابسته به هر دو کشور تشریفات دیگری که عبارت از انتشار معاهده در روزنامه رسمی دو کشور است نیز — چنانکه قبلاً مطالعه نمودیم — انجام می شود. اما برای آنکه دولتهای ثالث یا سازمانهای بین المللی مختلف از مفاد معاهده رسماً مطلع شوند ضروری است که معاهده در مراجع بین المللی ثبت گردد و در مجموعه های معاهدات به چاپ برسد، که این مطلب را ذیلاً مورد بررسی قرار می دهیم.

## ثبت و چاپ معاهدات در دبیرخانه سازمان ملل متحد



### الف. در منشور سازمان ملل

ثبت اجباری کلیه معاهدات و توافقیهای بین المللی برای نخستین بار در ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل سابق<sup>۳۲۷</sup> برای ممانعت از رواج دیپلماسی محرمانه بین کشورها پیش بینی گردیده بود.<sup>۳۲۸</sup> پس از تأسیس

۳۲۷. طبق ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ (مصوب ۹ جدی ۱۳۰۰ شمسی مجلس شورای ملی) «از این به بعد هر عهدنامه و یا تعهد بین المللی که یکی از اعضای جامعه متعقد نموده است باید بفوریت به ثبت دارالانشاء رسیده و بوسیله همان اداره به اسرع وسائل طبع و انتشار یابد. هیچیک از این عهدنامه ها و یا تعهدات بین المللی قبل از ثبت گردیدن لازم الاجرا نخواهد شد.» (مجموعه قراردادها...، ص ۷).

۳۲۸. از جمله نخستین کاربرد دیپلماسی جدید به عنوان مثال می توان عهدنامه مودت ایران و روسیه شوروی مورخ فوریه ۱۹۲۱ (رک. به پانویسهای شماره ۱۴۹ و ۲۲۰) را یادآوری کرد که در طرح اولیه آن که توسط وزارت امور خارجه شوروی (در زمانی که تروتسکی تصدی آن را برعهده داشت) تهیه و به مقامات دولت ایران پیشنهاد شده بود از دو بخش یا دو عهدنامه تشکیل می شد. بخش نخست که علنی بود اکثر مواد عادی را دربرداشت و بخش دوم که به صورت سری تهیه شده بود شامل فصول پنجم و ششم و سیزدهم و غیره بود. به حکایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس که این سوابق را ضبط کرده است، وزیر مختار انگلیس در تهران متن هر دو طرح معاهده را از شخص نخست وزیر وقت ایران برای نظرخواهی مقامات انگلیسی دریافت نموده بود (!!) اما لندن به مقامات ایرانی اطلاع داد که چون دیپلماسی



سازمان ملل متحد ماده ۱۰۲ منشور برای این تکلیف ضمانت اجرای معتدل تری را پیش بینی نمود و به جای بطلان معاهده که در میثاق مقرر شده بود، عدم امکان استناد به آن در محضر ارکان سازمان ملل تصویب گردید. بند یک می گوید: «هر معاهده یا توافق بین المللی که پس از لازم الاجرا شدن این منشور بوسیله یکی از اعضای ملل متحد منعقد شود باید هرچه زودتر توسط دبیرخانه ثبت و منتشر گردد.»

ضمانت اجرای این حکم در بند ۲ همان ماده اینگونه تعیین شده است: «هیچیک از طرفهای یک معاهده یا توافق بین المللی که بر طبق مقررات بند یک این ماده به ثبت نرسیده باشد نمی تواند در محضر ارکان یا مؤسسات سازمان به آن معاهده یا توافق استناد کند.»<sup>۳۲۹</sup>

مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرایط اجرای این ماده را طی قطعنامه های مورخ ۱۰ فوریه و ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶ و ۳ نوامبر ۱۹۴۸ مشخص نموده است. در این قطعنامه ها تکلیف ثبت معاهدات به نحو وسیعی مورد تفسیر قرار گرفته است؛ بدین معنی که کلیه اسناد بین المللی یعنی نه تنها معاهدات رسمی<sup>۳۳۰</sup> بلکه اعلامیه های پذیرش صلاحیت اجباری دیوان

→ محرمانه طبق میثاق جامعه ملل متفق که ایران به عضویت آن درمی آید ممنوع گردیده لذا پذیرش معاهده سری مصلحت نیست. از این رو مفاد هر دو طرح با اندکی جرح و تعدیل، معاهده فعلی مودت ایران و روسیه شوروی را تشکیل داد. (متن تلگراف سفارت انگلیس در تهران مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۲۰ در ضمیمه کتاب آقای حسین مکی به نام زندگانی احمد شاه قاجار صفحات ۳۵۳ و ۳۴۳ و ۳۳۸، امیرکبیر ۱۳۶۲ چاپ شده است.)

۳۲۹. رک. به مقاله Boudet تحت عنوان "L'enregistrement des traités internationaux" در مجله عمومی حقوق بین الملل عمومی، سال ۱۹۶۰، ص ۵۹۶ - ۶۰۴. نیز به زبان فارسی رک. به مقاله آقای حسین فاخر: «ثبت و انتشار قراردادها و عهدنامه های بین المللی»، مجله کانون وکلا، سال ۲، شماره ۲۳، ص ۲۴ - ۲۱.

۳۳۰. مانند عهدنامه مرز دولتی و حسن همجواری ایران و عراق مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ که طی شماره های ۱۴۹۰۳ الی ۱۴۹۰۷ دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسیده، همچنین نقشه های مرزی دو کشور تحت شماره ۱۰۱۷ مورخ ۱۹۷۶ در دبیرخانه ثبت شده است.

بین المللی دادگستری، موافقتنامه های فتنی منعقدہ بین دولتها ۳۳۱ یا سازمانهای بین المللی ۳۳۲، و اعلامیہ های یکجانبہ دولتها راجع بہ ملغی الاثر بودن قسمتی از یک معاهده ۳۳۳ یا لازم الاجرا بودن معاهداتی کہ قبل از جنگ جهانی دوم با متخاصمان سابق منعقد شدہ بود ۳۳۴ باید در دبیرخانہ بہ ثبت رسد و در مجموعہ های معاهدات آن سازمان منتشر گردد. معذک «قراردادهای بین المللی» - بنا بر تعریفی کہ قبلاً از آن بہ دست داده شد - چون معمولاً مشمول قوانین یک کشور هستند قابل ثبت در سازمان ملل نمی باشند. ۳۳۵ از طرف دیگر، طبق مفاد ماده ۱۰۲ منشور

۳۳۱. مانند ترتیبات فتنی منعقدہ بین کویت و ایالات متحدہ امریکا مربوط بہ ضوابط امنیتی ویژه لازم برای حراست بعضی وسائل، خدمات و اطلاعات نظامی امریکا در کویت مورخ ۱۸ ژانویہ ۱۹۷۶ کہ بہ امضای نمایندگان وزارت دفاع دو کشور رسیدہ و در مجموعہ معاهدات سازمان ملل متحد شماره ۱۶۳۱۴ جلد ۱۰۷۱ صفحه ۳۷۷ ثبت شدہ و نیز موافقتنامہ همکاری فتنی و علمی ایران و فرانسه مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۶۷ کہ در مجموعہ معاهدات مذکور شماره ۱۲۷۵۳ جلد ۸۹۱ صفحه ۵۵ ثبت گردیدہ است.

۳۳۲. مانند موافقتنامہ وام بین بانک جهانی توسعہ و دولت ایران در طرحهای بندری مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۷۲. مجموعہ مذکور بہ شماره ۱۲۳۳۴ جلد ۸۶۱ صفحه ۹۷ و وام مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۲ در جلد ۸۵۵ صفحه ۱۸۱ ثبت شدہ و نیز کنوانسیون پستی جهانی مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۹ مجموعہ مذکور جلد ۸۸۳ صفحه ۱۹۴ بہ شماره ۱۱۵۳۳ ثبت گردیدہ است.

۳۳۳. مانند یادداشت مورخ ۱۳۵۸/۸/۲۰ وزارت امور خارجه ایران بہ سفارت شوروی در تهران راجع بہ لغو و بلااعتبار بودن فصول پنجم و ششم عهدنامہ مؤدت ۱۹۲۱ ایران و شوروی کہ پس از انقلاب اسلامی و در اوت ۱۹۸۱ در دبیرخانہ سازمان ملل بہ ثبت رسیدہ است.

۳۳۴. براون لی: اصول حقوق بین الملل، چاپ آکسفورد، ص ۶۱۰؛ مک نایر: حقوق معاهدات، چاپ لندن، ص ۱۸۹. در ایران موافقتنامہ مورخ ۱۸ مهر ۱۳۳۴ بین ایران و ژاپن راجع بہ تنفیذ عهدنامہ مؤدت ۱۳۱۸ بین دولتین (مجموعہ قوانین ۱۳۳۴، ص ۱۲۱) و نیز صورتجلس تنفیذ اعتبار معاهدات سابق بین ایران و آلمان فدرال مورخ ۱۳ آبان ۱۳۳۳ (مجموعہ معاهدات دوجانبہ معتبر، ج ۱، ص ۴) در سازمان ملل بہ ثبت رسیدہ است.

۳۳۵. این نظر کہ توسط هیکنتر (حقوق بین الملل عمومی، چاپ لندن، ص ۳۲۹) مطرح شدہ است کاملاً منطقی بہ نظر می رسد؛ چون این نوع قراردادها ارتباطی بہ حقوق بین الملل عمومی ندارد (رک. بہ پانویس ۶۵). معذک قرارداد فروش شش فروند هواپیمای سی-۴۷ نیروی هوایی امریکا بہ کلمبیا برای اهداف غیرنظامی مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۷۶ بہ درخواست امریکا در

فوق الذکر نه تنها معاهدات<sup>۳۳۶</sup> باید به ثبت برسد بلکه هرگونه «توافق بین المللی»<sup>۳۳۷</sup> به معنی عام کلمه مشمول این قاعده نیز هست. از نظر دبیرخانه سازمان ملل هرگونه سند که یکی از دولتهای ذینفع آن را «توافق بین المللی» معرفی نماید قابل ثبت خواهد بود. به عبارت دیگر، از نظر دبیرخانه سازمان ملل، تعریف «توافق بین المللی» در ماده ۱۰۲ منشور طبق روش هریک از دولتهای عضو انجام می شود و برحسب تفسیری که هریک از دول ذینفع برای آن قائل باشد، مبادرت به ثبت «توافقیهای بین المللی» مربوط خواهد گردید.

#### ب. در کنوانسیون وین

از طرف دیگر، ماده ۸۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات و نیز ماده ۸۱ کنوانسیون ۱۹۸۶ وین راجع به حقوق معاهدات سازمانهای بین المللی، تحت عنوان «ثبت و انتشار معاهدات» مقرراتی وضع نموده است که با منشور سازمان ملل اندکی تفاوت دارد. طبق بند یک ماده مذکور «معاهدات باید پس از لازم الاجرا شدنشان، برحسب مورد، برای ثبت یا بایگانی و ضبط و نیز برای چاپ به دبیرخانه سازمان ملل متحد ارائه گردد».

بدین ترتیب، برخلاف منشور، کنوانسیون وین ضرورت ثبت و چاپ معاهدات در دبیرخانه سازمان ملل را قاعده ای عام می داند که اختصاص به اعضای سازمان ملل ندارد؛ در حالیکه ماده ۱۰۲ منشور این تکلیف را فقط شامل «اعضای ملل متحد» می داند. البته چون اکثر کشورهای جهان عضو سازمان مذکور هستند (بجز موارد استثنائی مانند سویس که در سازمان ملل عضویت ندارد) این اختلاف دو متن مشکلی

→ مجموعه معاهدات سازمان ملل (مجلد ۱۰۷۱، ص ۷۳) به شماره ۱۶۳۰۶ ثبت و چاپ شده است.

336. treaties

۳۳۷. international agreement به انگلیسی، و accord internationaux به فرانسه.

ایجاد نمی‌کند. ۳۳۸ نکته مهمی که در ماده ۸۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین (یا ماده ۸۱ کنوانسیون ۱۹۸۶ وین) ذکر شده و سابقه ندارد این است که زمان ثبت معاهدات در دبیرخانه تعیین گردیده است. ماده مذکور برای اولین بار اعلام داشته است که ثبت در دبیرخانه باید متعاقب لازم الاجرا شدن معاهده بین طرفین انجام پذیرد. قبلاً میثاق جامعه ملل یا منشور سازمان ملل هیچگونه تقدّم زمانی برای لازم الاجرا شدن بر ثبت معاهده قائل نبوده‌اند.

### ج. اقدام به ثبت توافقات بین المللی و ضمانت اجرای آن

امروزه ثبت «توافقات بین المللی» در دبیرخانه سازمان ملل در بسیاری از موارد بمنظور جلوگیری از ادعای بی اعتباری آنها از طرف دولتهای ذیربط انجام می‌شود. ۳۳۹ در سالهای اخیر معاهده صلح مصر و اسرائیل مورخ ۲۶ مارس ۱۹۷۹ (موسوم به عهدنامه کمپ دیوید) توسط هر دو کشور ذینفع به انضمام پروتکلها و اعلامیه‌های گوناگون (و بعضاً متغایر) در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسیده و موجب بحثهای زیادی راجع به اثر حقوقی تشریفات ثبت معاهدات در دبیرخانه گردیده است. ۳۴۰

دیوان بین المللی دادگستری تاکنون در سه مورد راجع به اعتبار معاهده‌ای که در دبیرخانه به ثبت نرسیده باشد، اعلام نظر نموده که به شرح زیر است: نظریه مشورتی مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۰ راجع به وضعیت بین المللی منطقه جنوب غربی آفریقا، رأی مورخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ در موضوع

۳۳۸. رک. به: حقوق بین الملل عمومی، تألیف A. Pellet و P. Dailier و Nguyen Quoc Duih، چاپ دوم، پاریس (سیره) ۱۹۸۰، صفحه ۱۵۳، شماره ۱۱۵.

۳۳۹. مانند درخواست دولت هلند در ۱۹۸۴ از دبیرخانه سازمان ملل متحد برای ثبت توافقاتی که در اوت ۱۹۸۲ در آمستردام راجع به نحوه اجرای ترتیبات فنی مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ (مندرج در «مجله حقوقی»، شماره ۲، ص ۳۷۴) بین نمایندگان چهار بانک مرکزی هلند، الجزایر، ایران و فدرال رزرو آمریکا امضاء شده است.

۳۴۰. رک. به مقاله م. تابری: «ثبت معاهده صلح مصر و اسرائیل و بررسی جنبه‌های حقوقی آن» مندرج در فصلنامه حقوق بین الملل، کمبریج (I.C.L.Q.)، سال ۱۹۸۳، ج ۳۲، شماره ۴، ص ۹۸۱-۱۰۰۳.

اختلاف شرکت نفت ایران و انگلیس، و رأی مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۵۴ توسط قاضی آرمان اوگن در پرونده دریافت پول طلا. در این آراء، عدم ثبت سند بین المللی در دبیرخانه سازمان دلیل بر فقدان اعتبار آن تلقی نشده است؛ زیرا هیچیک از اسناد مورد اختلاف، معاهده به معنی حقوقی کلمه شناخته نشده است. در مورد اول، اعلامیه های یکجانبه نمایندگان دولت افریقای جنوبی در جامعه ملل مستند رأی دیوان بوده است و در دو دعوی دیگر، «قراردادهای بین المللی» منعقد با کمپانیهای خارجی موضوع اختلاف بوده اند و نه معاهده. ۳۴۱

در حقوق ایران از ابتدای تأسیس جامعه ملل سابق بسیاری از معاهدات دوجانبه ایران در دبیرخانه سازمان مذکور به ثبت رسیده و در مجموعه معاهدات آن منتشر شده است. ۳۴۲ پس از تأسیس سازمان ملل متحد در پایان جنگ جهانی دوم نیز به همین نحو اکثر معاهدات دویا چندجانبه ایران در دبیرخانه ثبت شده و در مجموعه معاهدات سازمان ملل علاوه بر زبانهای انگلیسی و فرانسه به فارسی و احیاناً زبان کشور طرف دیگر معاهده چاپ و منتشر گردیده است. ۳۴۳

۳۴۱. در مورد دعوی شرکت نفت ایران و انگلیس رک. به «مجله حقوقی»، شماره ۶، ص ۱۳۰، پانویس ۶۷.

۳۴۲. به عنوان مثال، معاهدات زیر با شوروی در مجموعه معاهدات جامعه ملل چاپ شده است: عهدنامه مودت ایران و روسیه شوروی مورخ فوریه ۱۹۲۱ و چهارنامه ضمیمه آن به شماره ۲۶۸ مورخ ۷ ژوئن ۱۹۲۲؛ معاهده پستی و اظهارنامه و پروتکل ضمیمه مورخ ۵ ثور ۱۳۰۲ به شماره ۲۵۶۴ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۳۰؛ معاهده تلگرافی و اظهارنامه ضمیمه مورخ ۷ ثور ۱۳۰۲ به شماره ۲۵۶۵ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۳۰، عهدنامه تأمینیه و بیطرفی و صورتجلس و نامه های ضمیمه مورخ ۸ مهر ۱۳۰۶ مطابق با ۱۱ اکتبر ۱۹۲۷ به شماره ۲۶۲۰ مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۳۱؛ مقاله نامه راجع به امکانات پستی و پروتکل اضافی مورخ ۱۱ مرداد ۱۳۰۸ به شماره ۲۵۳۰ مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۳۰.

۳۴۳. مثلاً در مجموعه معاهدات سازمان ملل موافقتنامه ایران و شوروی راجع به انتظامات مرزی و ترتیب تصفیه اختلافات و حوادث در مرز مورخ ۱۳۳۶/۲/۲۴ (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج ۱، ص ۱۱۹) به شماره ۶۵۸۶ و در مجلد ۴۵۷ صفحه ۱۶۱ به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، فارسی و روسی چاپ شده است. همچنین موافقتنامه برای تأمین هزینه های بعضی ←

## نتیجه گیری کلی

بدون شک هماهنگی و انسجام در روشهای تنظیم و تصویب معاهدات در ایران نمی‌تواند جدای از شرایط حاکم بر روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با کشورهای دیگر یا سازمانهای بین‌المللی باشد. به عبارت دیگر، ابعاد حقوقی این روابط از تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فیما بین کشورها جدا نیست و مطالعه حقوق معاهدات در نظام قانونی ایران تحت تأثیر روابط سیاسی و تحولات فیما بین کشورهای دیگر است و لذا عادی بودن روابط یا برعکس وجود تنش در روابط بین‌المللی لامحاله در ساختار حقوقی توافقتها و معاهدات تأثیر عمده‌ای دارد. اما به هر حال، تلاش در وضع و برقراری ضوابط یکنواخت برای تدوین معاهدات و توافقات بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اینکه در کشور ما معاهدات و توافقات بین‌المللی منعقد می‌شوند توسط ایران برخلاف قوانین و مقررات داخلی کمتر مورد بررسی واقع می‌شود و در دانشگاهها و محافل علمی یا تحقیقات متخصصان بندرت مورد مذاقه قرار می‌گیرد، لذا ضرورت انجام چنین پژوهشهایی بیشتر احساس می‌گردد. نکات زیر به عنوان نمونه‌ای از پیشنهادات می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱. تفکیک معاهدات رسمی از تفاهم‌نامه‌ها: تاکنون در بعضی موارد — چنانکه قبلاً از آن سخن رفته است — توافقات منعقد می‌شود به جای اینکه به صورت رسمی و معاهده، یعنی در سه مرحله، تهیه و تنظیم شود به

→ از برنامه‌های مبادلات فرهنگی ایران و آمریکا مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۶۳ مطابق ۱۳۳۴/۸/۲ (که در ایران متن آن نه در کتاب اخیر الذکر و نه در راهنمای عهد... آقای وحید مازندرانی چاپ نشده) تحت شماره ۷۱۴۶ در مجلد ۴۸۹ صفحه ۳۰۲ به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی در مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد چاپ شده است.

عنوان یادداشت تفاهم تدوین و لازم الاجرا گردیده است؛ برعکس، توافقی که می‌توانسته به صورت تفاهم نامه تنظیم شود به عنوان موافقتنامه امضاء شده است.<sup>۳۴۴</sup> بنابراین به جای تفکیک این دو گروه از توافقات بین المللی براساس شرایط متحوّل یا سیاستهای متغیّر داخلی یا خارجی، بهتر است نوع توافق و حدود صلاحیت قوه مجریه ضابطه تمیز و تشخیص میان آندو گردد. در این زمینه مداخله شورای نگهبان در تعیین حدود صلاحیتهای قوه مجریه ضروری می‌نماید. از طرف دیگر، تفکیک بین «قراردادهای بین المللی» که با شرکتهای خارجی منعقد می‌شود با «معاهدات بین المللی» که توسط دولت‌ها انعقاد می‌یابد، علی‌رغم تنظیم برخی مقررات قانونی<sup>۳۴۵</sup> هنوز هم در پاره‌ای موارد مشکلاتی ایجاد می‌کند.

## ۲. از نظر شکلی بهتر است تا حدّ امکان سعی شود توافقاتی

۳۴۴. بعضی از نویسندگان حقوق بین الملل حتی انعقاد یادداشت تفاهم را بوسیله تلکس امروزه بسیار رایج می‌دانند، مانند مبادله تلکس بین بانکهای مرکزی در مورد خرید و فروش ارز به نرخ معین در زمان آینده و امثال آن (سیدل هوهن ولدردن: درس عمومی حقوق بین الملل عمومی در دوره دروس آکادمی لاهه، ۱۹۸۶، مجلد ۱۹۸، ص ۶۰).

۳۴۵. ماده ۵ قانون نفت که در ۱۳۶۶/۷/۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید تصریح می‌نماید: «انعقاد قراردادهای مهمّ فیما بین وزارت نفت یا واحدهای عملیات نفتی با شرکتهای و مؤسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و تشخیص موارد مهمّ، تابع آئیننامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و در قراردادهای منعقد فیما بین وزارت نفت با دولتها طبق اصل ۷۷ قانون اساسی عمل می‌شود». بنابراین طبق این ماده، اولاً ملاک شمول اصل ۷۷ و ضرورت تصویب مجلس این است که امضاکننده دیگر و طرف مقابل قرارداد یا توافق، دولت خارجی باشد نه اشخاص حقوقی خارجی (پس یادداشت تفاهم با دولتها هم مشمول اصل ۷۷ خواهد بود)؛ ثانیاً در زمینه مسائل نفتی، قراردادهای بین المللی به دو گروه تقسیم می‌شوند: مهمّ و غیرمهمّ. تعریف قراردادهای مهمّ نیز در تصویبنامه هیئت وزیران خواهد آمد (یادآوری می‌شود حتی تفکیک معاهدات مهمّ و عادی که در ماده ۱۱۲ آئیننامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوّب ۱۳۶۲/۲/۱۸ - مجموعه قوانین ۱۳۶۲، ص ۲۵۷ به بعد - مقرر شده است، تا کنون مورد توجه و رعایت قرار نگرفته است. به پانویس ۳۴۶ مراجعه شود).

انجام شده که محتوای روشن و مشخص و عملی ندارد به صورت اعلامیه مشترک، بیانیه و امثال آن منتشر شود نه به نام پروتکل، معاهده رسمی و یا یادداشت تفاهم. افزایش سریع اسنادی که در سالهای اخیر بین مقامات جمهوری اسلامی ایران و مقامات دولتهای خارجی خصوصاً در پایان مسافرتها رسمی، و گاهی شاید بدون بررسیهای کارشناسانه قبلی و با عجله، تهیه و امضاء شده مشکلات متعددی را به دنبال داشته است. اصولاً باید توافقهایی مربوط به تحولات سیاسی را از اقدامات اجرائی و اداری و نیز توافقهایی اساسی و زیربنائی بین دو کشور تفکیک نمود.

توافقهایی مربوط به تحولات سیاسی معمولاً به صورت اعلامیه مشترک، بیانیه و امثال آن تنظیم می‌گردد و اثرات ویژه‌ای بر آن از نظر تبلیغاتی، دیپلماسی و نیز حقوقی مترتب است. یادداشتهای تفاهم — چنانکه قبلاً بیان شد — مربوط به اقدامات اجرائی و اداری مشترک دو کشور است و معاهدات رسمی، میانی اساسی در روابط دو ملت را پایه ریزی می‌کند.

### ۳. اصلاح و تعدیل آئیننامه داخلی مجلس و هماهنگ نمودن

روشهای تصویب معاهدات و نیز گسترش نظارت مجلس بر تنظیم پاره‌ای از توافقهایی بین المللی می‌تواند مورد مطالعه و توجه قرار گیرد. در سالهای اخیر بسیاری از معاهدات عادی دو بار در مجلس، آن هم بطور تکراری و بدون طرح بحثی نو، مورد شور و بررسی و تصویب قرار گرفته است<sup>۳۴۶</sup> و حال

۳۴۶. مانند تصویب موافقتنامه تأسیس کمیته اسلامی هلال بین المللی در جلسات ۱۰/۴/ و ۱۳۶۶/۸/۲۶ مجلس شورای اسلامی (بعلاوه در ماده واحده ظاهراً باشتباه به جای تصویب آن گفته شده است «اجازه تسلیم سند الحاق آن داده می‌شود» و حال آنکه نماینده دولت ایران در اجلاس میامی در تدوین آن شرکت داشته است)، یا لایحه اصلاحیه ماده ۶ اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی در دو مرحله و شور دوم آن در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۸ (رک. به صورت مشروح مذاکرات مجلس در تاریخ مذکور، دستور ۲)، یا پروتکل همکاری فتنی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ترکیه راجع به عکسبرداری هوایی ←



آنکه آئیننامه داخلی مجلس یکبارشور را کافی می‌داند.<sup>۳۴۷</sup> در بعضی از همین مواردی که مجلس دوبار به شور و بررسی متن لایحه پرداخته حتی تصویب مجلس از نظر حقوقی ضروری نبوده است<sup>۳۴۸</sup> و برعکس پاره‌ای از معاهدات که اصلاح و تغییر آنها نیاز به موافقت پارلمان دارد بدون تصویب مجلس شورای اسلامی به اجرا گذارده شده است<sup>۳۴۹</sup> و قس علیهذا.

بنابراین ضرورت تنظیم قواعد یکسان در زمینه حقوق معاهدات بین‌المللی و روش نظارت و تصویب قوه مقتنه ایران و انتشار آنها در روزنامه رسمی بیش از پیش احساس می‌شود.

۴. برای همسان یا هماهنگ نمودن روشهای تدوین و تصویب معاهدات در حقوق داخلی، لازم است سیاست واحدی در مورد الحاق و

→ جهت تهیه نقشه‌های مناطق مرزی ایران و ترکیه که در جلسات ۶/۵ و ۸/۲۸/۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گرفته است (رک. به صورت مشروح مذاکرات مجلس در تاریخهای مذکور). همچنین شاید بتوان به لایحه عضویت جمهوری اسلامی ایران در بانک توسعه اسلامی که در تاریخهای ۱۰/۲۰ و ۱۱/۶/۱۳۶۶ به تصویب مجلس رسیده و یا الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش که در شور دوم در ۱۳۶۶/۶/۷ به تصویب رسیده، ولی در مقابل موافقتنامه فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری غنا در یک شور در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۳۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، به عنوان نمونه اشاره کرد.

۳۴۷. ماده ۱۱۱ آئیننامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۳/۲۳ و ۱۳۶۲/۲/۱۸ مندرج در مجموعه قوانین ۱۳۶۲، ص ۲۵۷ به بعد. رک. به «مجله حقوقی»، شماره ۷، ص ۱۸۲ به بعد، بخش دوم این مقاله.

۳۴۸. شاید از جمله اینگونه لوایح بتوان لایحه ادامه عضویت ایران در سازمان منطقه‌ای حفاظت زیست دریائی را دانست که در دو شور — که دومی آن در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۱ بوده — در مجلس شورای اسلامی مطرح شده و به تصویب رسیده است (رک. به «مجله حقوقی» شماره ۷، ص ۱۳۸).

۳۴۹. از این قبیل است تغییراتی که در سازمان آر. سی. دی. از سال ۱۳۶۱ تا کنون ایجاد گردیده و اتحادیه‌ای به نام سازمان عمران اقتصادی (اگو) بین ترکیه و پاکستان و ایران ایجاد شده است (رک. به «مجله حقوقی» شماره ۷، ص ۱۳۸، پانویس ۸۰).

تصویب کنوانسیونهای بین‌المللی اتخاذ شود. در چند سال اخیر زمینه یا علت اینکه دولت ایران به عضویت کنوانسیونهای معدودی در آمده است، پیگیری سازمان بین‌المللی مربوط یا نیاز فوری وزارتخانه ایرانی برای همکاری با سازمان ذیربط یا دلایل خاصی از قبیل بهره‌برداری تبلیغاتی و امثال آن بوده است، نه به لحاظ تشخیص ضرورت و اهمیت آن در سطح بین‌المللی. مواضع ایران در قبال کنوانسیونهای بین‌المللی باید متأثر از اهداف کلی سیاست خارجی کشور و نموداری از همکاریهای بین‌المللی باشد، نه نیازهای گذرا و مقطعی یا مصلحت‌اندیشیهای سلیقه‌ای. بعلاوه در پاره‌ای از موارد، سالها است که دولت ایران کنوانسیونهایی را مقدمتاً امضاء نموده ولی نسبت به تصویب قطعی آنها شاید هنوز اقدامات و بررسیهای مقدماتی هم انجام نداده است<sup>۳۵۰</sup>، که این وضعیت با حیثیت بین‌المللی کشور منافات دارد؛ زیرا امضای معاهدات یا کنوانسیونها به معنای هماهنگی و همسوئی یا موافقت دولت، با اهداف و مقررات کنوانسیون است و در یک مجموعه هماهنگ منطقاً پارلمان این تشخیص دولت را بطور کلی تأیید می‌کند، در عین حال که حق او برای اظهار نظر محفوظ است. اما بی تفاوت ماندن نسبت به امضای کنوانسیون از جانب دولت و پیگیری نکردن مراحل قانونی تصویب آن در پارلمان، نه تنها مانع شمول قطعی کنوانسیون و استفاده از مزایای آن می‌شود، بلکه در صحنه بین‌المللی نیز آثار ناخوشایندی برای کشور به دنبال می‌آورد.

۳۵۰. آخرین مورد، کنوانسیون راجع به اعلام سریع سانحه اتمی است که نماینده دولت ایران در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶ آن را امضاء نموده (مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، پاریس ۱۹۸۷، ص ۷۷۹)، ولی تاکنون احتمالاً هیچگونه مطالعه یا اقدامی در زمینه تصویب آن بعمل نیامده است.

ضمیمہ یکم  
(مربوط به پانویس شماره ۲۰)

نمونه هائی از سند تصویب معاهدات بین المللی به زبانهای فرانسه  
وانگلیسی:

“X..., président de la République française.

“A tous ceux qui ces présentes lettres verront, Salut!

“Ayant vu et examiné ledit traité, avons approuvé et approuvons en toutes et chacune de ses parties, en vertu des dispositions qui y sont contenues et conformément à l'article 52 de la Constitution. [Ici est inséré le texte intégral du traité].

“Déclarons qu'il est accepté, ratifié et confirmé, et promettons qu'il sera inviolablement observé.

“En foi de quoi, Nous avons donné les présentes, revêtues du sceau de la République”.

2. Instrument of ratification

Emblem  
INSTRUMENT OF RATIFICATION  
BY THE REPUBLIC OF CYPRUS  
OF  
THE AMENDMENTS OF THE CHARTER OF THE UNITED  
NATIONS REGARDING  
ARTICLES 23, 27 AND 61 OF THE CHARTER

Whereas the General Assembly of the United Nations by its resolutions 1991 A and B (XVIII) of 17th December, 1963, decided to adopt, in accordance with Article 108 of the Charter of the United Nations, amendments of Articles 23, 27 and 61 of the Charter, in the way prescribed in operative paragraphs 1 (a), (b), (c) and (d) and 3 of resolution 1991 A (XVIII) and in operative paragraphs 1 and 3 of resolution 1991 B (XVIII);

And whereas the Republic of Cyprus has, in accordance with

operative paragraphs 2 of General Assembly resolutions 1991 A and B (XVIII) of 17th December, 1963, been invited by the Secretary-General of the United Nations to ratify the aforementioned amendments in accordance with the Republic's constitutional processes;

And whereas the Republic of Cyprus recognises that the increase in the membership of the United Nations:

(a) makes it necessary to enlarge the membership of the Security Council, thus providing for a more adequate geographical representation of nonpermanent members and making it a more effective organ for carrying out its functions under the Charter of the United Nations, and

(b) also makes it necessary to enlarge the membership of the Economic and Social Council, with a view to providing for a more adequate geographical representation therein, and making it a more effective organ for carrying out its functions under Chapters IX and X of the Charter of the United Nations;

And whereas the internal constitutional processes of the Republic of Cyprus, prescribed in Article 169 of the Constitution of the Republic of Cyprus, for the ratification of the aforementioned amendments, have been complied with and have been completed;

Now therefore, I, the undersigned, Spyros Kyprianou, Minister of Foreign Affairs of the Republic of Cyprus, hereby notify the ratification by the Republic of Cyprus of the amendments of Articles 23, 27 and 61 of the Charter of the United Nations in the way prescribed in operative paragraphs 1 (a), (b), (c) and (d) and 3 and 1 and 3 of General Assembly resolutions 1991 A and B (XVIII) respectively.

Done at the Ministry of Foreign Affairs, Nicosia, this First Day of September, One Thousand Nine Hundred and Sixty-five.

Stamp

Signature

SPYROS KYPRIANOU

Minister of Foreign Affairs  
of the Republic of Cyprus

فهرست کتبی که معاهدات ایران را گردآوری نموده‌اند

الف. به زبانهای خارجی:

- Sir Edward Hertslet: Treaties and Conventions between Great-Britain and Persia, London, 1891, 239 p.
- Aitcheson, Treaties and Conventions... of India and neighbouring Countries, 1929, 14 Vol (Vol 13 for persia and Afghanistan) 5e ed.
- James Greenfield: Die Verfassung des persischen States, Berlin, 1904.
- Markhan, Sir Clements Robert: A general study of the history of persia, 1874.
- List of Treaty Collections, U.N. New York, 1956-98.

ب. به زبان فارسی:

- مؤتمن الملک، مجموعه معاهدات دولت علیّه ایران با دول خارجه: تهران، چاپخانه فاروس، ۱۳۲۶ قمری (۱۹۰۸ میلادی).
- ع. وحید مازندرانی، راهنمای عهد و عهدنامه‌های تاریخی ایران: کتابخانه ابن سینا، شهریور ۱۳۴۱.
- مجموعه معاهدات دولت ایران: وزارت امور خارجه، ۱۳۱۱.
- مجموعه قراردادها: وزارت امور خارجه: جزوه ۱ (ایران با آرژانتین و آلمان — ۱۳۳۸)، جزوه ۲ (ایران با اتحاد شوروی — ۱۳۳۸)، جزوه ۳ (ایران با افغانستان و پاکستان — ۱۳۴۲).
- مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر: از انتشارات وزارت امور خارجه در دو مجلد بزرگ، ۱۳۴۹.

تصحیحات مقاله «تنظیم معاهدات...»  
در شماره ۷ مجله حقوقی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۳	۹ پانویس	۱۹۷۰	۱۹۷۰ ص ۶۰
۱۱۷	۶	الزام آوراعات	الزامی
۱۲۱	۱	پس	پیش
۱۵۲	پانویس ۱۲۰	۶۵/۳/۵	۶۳/۳/۵
۱۵۴	۸	تصویب داخلی	تصویب قوانین داخلی
۱۶۵	۱۷	اصلاح و تفسیر	اصلاح و تغییر
۱۶۹	۹	جنسی	جنسی
۱۷۰	۱۱	لایحه	لایحه های
۱۷۰	۱۲	ندارد	ندارتد
۱۷۰	۵ پانویس	قرارداد جدیدی	قرارداد، قرارداد جدیدی
۱۷۱	پانویس ۱۵۶	شماره ۱۴۹	شماره ۱۵۱